

می مانیم

و در خون با تجاوزگران پیکار می کنیم

پیکار دلاورانه در خوزستان ادامه دارد. آبادان اکنون زیر آتش سلاح های رژیم صدام همچنان قهرمانانه مقاومت می کند. قلب کارگری ایران، جایی که نبض طبقه کارگر ایران همواره در آنجا پرشور می تپد، اکنون در برابر تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام شورانگیزترین حماسه های مقاومت را می آفریند. بر اساس آخرین گزارشها از آبادان، شهر یکپارچه سنگر است. مردم هفته هاست که خود را کاملاً با شرایط جنگ انطباق داده اند. و هر سنگر تمام معنی خانه ای است برای مردم آبادان. هیچکس در اتاقهای خانه به سر نمی برد. زندگی با پیکار علیه تجاوزگران به کاملترین شکل در هم آمیخته است. رژیم تجاوزگر و جنایتکار صدام که وحشیانه ترین و غیر انسانی ترین دشمنی ها را با زندگی مردم غیر نظامی از خود بقیه در صفحه ۱۸

علی رغم برخی نارسائی ها و ایهامات تصمیمات مجلس درباره گروگان ها با مصالح انقلاب انطباق دارد

تبلیغات لیبرال ها درباره گروگان ها را افشاء کنیم

انقلابی نماها باز هم دست به سمپاشی خواهند زد

اکنون مجلس شورای اسلامی یکی از حساس ترین و مهم ترین تصمیمات خود را اتخاذ کرده است. اینکه این تصمیم تا چه حد درست، اصولی، به موقع و دقیق اتخاذ شده است، از مسائلی بوده است که در روزهای اخیر توجه تمام محافل میهن پرست و ضد امپریالیست را به خود معطوف داشته است. این محافل بطور کلی و هر نیروی انقلابی، در این تردید نخواهد داشت که تعیین تکلیف گروگان های بقیه در صفحه ۴

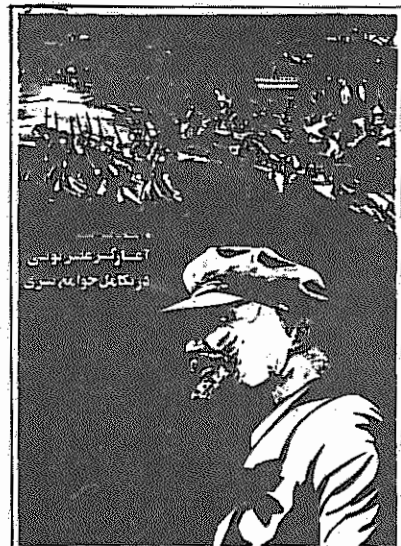
تلاش مذبحخانه لیبرال ها

برای پیشبرد خط سازش با امپریالیسم

همواره در کنار گهواره انقلاب در پیچ و تابند تا در فرصت مناسب زهر خود را به جان انقلاب بریزند. لیبرال ها هنوز در ارگان های حکومت، در روزنامه های پرتیراژ، در ارتش و در مجلس شورای اسلامی حضور دارند و مترصد فرصت اند که حيله گرانه بر نیروهای موسوم به "خط امام" یعنی بر نیروهای ضد امپریالیست

این را همواره گفته ایم که لیبرال ها که ظرف دو سال گذشته امیر انتظام جاسوس، میناچی، مقدم مراغهای، نزیه، تیمسار مدنی و... از میانشان برخاستند و قبل از انقلاب نیز بختیارشان به شکست انقلاب قد علم کرد، چشم امید امپریالیسم برای بازگرداندن ایران به خیل اقمار امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند. این مارهای خوش خط و خال

بقیه در صفحه ۲



تقویم انقلابات جهانی و دستاوردهای سوسیالیسم ویژه انقلاب اکتبر *

در این شماره:

روستائیان زحمتکش از

استقلال میهن دفاع می کنند

در صفحه ۱۴

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

در این شماره:

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

خواست ایران، افزایش تولید و اشتغال یگانگان در صفحه ۷

شهادت کارگران در سنگرهای خوزستان نمونه درخشان پیکار طبقه کارگر علیه امپریالیسم

سنگرهای پیکار طبقه کارگر ایران، دژ تسخیرناپذیر و همواره پایدار انقلاب است. طبقه کارگر ایران ستون اصلی انقلاب و استوارترین پیکارجو در برابر تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار صدام است. این هفته "کار" با نام دلاوران کارگری آذین می یابد که در سنگر جنگ و تولید آماج گلوله تجاوزگران شدند، تا خونشان نوید بخش تحقق آرمان های شریف و شکوهمند بشریت، استقلال، آزادی و ورهائی زحمتکشان گردد. این دلاوران تنها معدودی از کارگرانی هستند که در پیکار علیه تجاوزات امپریالیسم و رژیم جنایتکار صدام به شهادت رسیده اند.

- نفتگران قهرمان، شهدا:
- ★ فدائی خلق رفیق اکبر بدلی
- ★ حسن سهران
- ★ حسن خاکسار
- ★ مهدی حداد
- ★ رحیم فتوت آرا
- ★ صمد حق سرشت
- ★ یعقوب لامکان
- ★ داود منائی
- ★ حاجی شهبازی
- ★ علی علی نژاد
- کارگران ایران ناسیونال، شهدا:
- ★ محمد رضا سلیمی
- ★ حسن محمدی
- کارگران کارخانه شهوند، شهدا:
- ★ سلیمان خدا بنده لو
- ★ احمد زرینی
- کارگران هلی کوپتر سازی، شهدا:
- ★ کریم آذروند
- ★ بهرام بابا خانلو
- کارگران گروه صنعتی فولاد ایران، شهدا:
- ★ محمد حسین زارع
- ★ محمد احدی
- کارگران شهید جبهه خوزستان، شهدا:
- ★ فریدون مرتضی زاده
- ★ سعید کوشش
- ★ مصطفی رضائی
- ★ هرمز زیتونی
- ★ مجتبی وجدگوئی
- ★ صاحب علی ایرجی

بقیه در صفحه ۶

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم عراق را درهم کوبیم!

تلاش مذبحخانه لیبرال ها . . .

بقیه از صفحه ۱

جنگ و مسئله گروگان ها :

امپریالیسم آمریکا با ایران بشدت رو به تیرگی گذاشت و با افشای دخالت های بیشمارانه دولت آمریکا در امور ایران پس از انقلاب و با افشای جاسوسی امیر انتظام معاون بازرگان و سخنگوی دولت و میناچی وزیر ارشاد بازرگان، با افشای روابط خیانتکارانه روزنامه نگاران لیبرال (بامداد سابق و میزان کنونی)، برخی فرماندهان ارتش مثل تیمسار مدنی، علوی و غیره با سفارت آمریکا خشم انقلابی و احساسات ضدامپریالیستی مردم ایران بشدت رو به فزونی گذاشت و سیاست آمریکا و دوستانش در پیشگاه خلق بیش از پیش افشاء شد. آگاهی ضدامپریالیستی توده ها فزونی یافت و زمینه گسترش مبارزه ضدامپریالیستی فراهم تر گشت و این از برجسته ترین دستاوردهای تسخیر سفارت بود.

تسخیر سفارت مشت بسیاری از دوستان دروغین انقلاب را باز کرد و ماهیت سازشکار آنها را افشاء کرد. تسخیر انقلابی سفارت بسیاری از جعلیات، عوام فریبی ها و دروغ پردازی های عمال امپریالیسم و سرمایه داری علیه نیروهای انقلابی به ویژه انقلابیون کمونیست را افشاء کرد. این مرتجعین که مدام به سفارت رفت و آمد داشتند و همراه با دسته های گل به جاسوسخانه، اطلاعات تحویل می دادند، آنچه را که ماهیت کثیفشان ایجاب می کند، به انقلابیون کمونیست نسبت می دادند. مرتجعین پس از تسخیر سفارت، بیشمارانه شایع کرده بودند که "اسنادی علیه فدائیان خلق در سفارت بدست آمده است!" و تمام اسناد سفارت حاکی از همکاری های پنهان و آشکار لیبرال ها و لیبرال نمایانی بود که یک عمر بود به آستان بوسی سفارت می رفتند.

امپریالیسم آمریکا از بدو تسخیر سفارت تا به امروز مدام در پی این بوده است که مسئله گروگان ها را به نحوی حل کند که به منافعی امپریالیسم آمریکا و به اعتبار کاذب امپریالیسم در سطح جهان کمتر آسیب وارد شود. امپریالیسم تا عید نوروز کوشید گروگان ها را از مجاری دیپلماتیک آزاد کند، موفق نشد. نامه کذائی کارتر به آیت الله خمینی که به وساطت قطب زاده تهیه شده بود، پس از قرائت از رادیو - تلویزیون ایران، از جانب رئیس جمهور آمریکا تکذیب شد. عملیات تجاوزکارانه نجات جاسوسان که با همکاری فرماندهان آمریکائی ارتش آغاز شد، در طوفان طبس درهم شکست، کودتای آمریکائی در نطفه خفه شد. شکست هریک از این اقدامات، امپریالیسم، دوستان و جاسوسان آن را بهتر و بیشتر افشاء کرد و آگاهی سیاسی مردم و شور و احساسات ضدامپریالیستی مردم افزایش یافت.

سرانجام امپریالیسم آمریکا با گسترش و تداوم انقلاب و با تحکیم مواضع نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی در حاکمیت و شکست دخالت طبس و کودتای آمریکائی، جنایتکارانه ترین اقدام را علیه ایران به اجرا گذاشت: جنگی همه جانبه علیه ایران از کانال رژیم عراق، جنگی تمام عیار که رژیم صدام آغازگر آن و همه رژیم های ارتجاعی عرب از جمله سرسپرده ترین رژیم های وابسته به امپریالیسم مثل اردن، عربستان سعودی و عمان پشتیبان آنند.

جمهوری اسلامی غلبه کنند.

امپریالیسم آمریکا که هم اکنون از کانال رژیم عراق به پیکر انقلاب یورش آورده، مدتهاست که از کانال لیبرال ها علیه انقلاب و علیه هر آن کس و هر آنچه که حامی این انقلاب است، پنهان و آشکار می جنگد. جنگ عراق با ایران جبهه جدیدی است که آمریکا برای صدور ضد انقلاب به ایران، علیه انقلاب باز کرده است.

باید بدقت بررسی کنیم که امپریالیسم آمریکا و لیبرال های مورد حمایت آن، از حمله عراق به ایران چگونه و در چه زمینه هایی به سود خود و به زیان نیروهای ضدامپریالیست بهره برداری می کنند. باید مقاصد را که لیبرال ها هم اینک بر بستر پیامدها و دگرگونی های جنگ تعقیب می کنند، بشناسیم و ضمن افشای مقاصد آنها، بهترین و مناسب ترین شیوه مقابله با آنها را پیدا کنیم. این از مهم ترین و مبرم ترین وظایف امروز ما است. این از مهم ترین وجوه مبارزه ضد امپریالیستی است.

لیبرال ها از قیام تاکنون همواره در پی آن بوده اند که به هر نحوی شده، دست نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی را از امور کوتاه کنند و آنها را در انظار عموم مسبب شکست ها و مشکلاتی معرفی کنند که قبل از هر چیز امپریالیسم آمریکا و سازشکاری لیبرال ها مسبب آن است و هم اینک بر زندگی توده ها فشار می آورد. لیبرال ها همواره کوشیده اند نهاد های توده ای و انقلابی را تضعیف و حتی الامکان از سر راه خود بردارند تا بتوانند خود قدرت سیاسی را قبضه کنند. استراتژی لیبرال ها قبضه کردن کامل قدرت سیاسی است. در تعقیب این استراتژی مصمم اند با تبلیغات عوام فریبانه، پایگاه توده ای نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی را تضعیف کنند و مردم را به سوی خود جلب نمایند.

هم اکنون پیشنهادات کمیسیون ویژه مجلس در مورد مسئله جاسوسان بازداشتی آمریکائی و بطور کامل نفس عمل تسخیر سفارت آمریکا که در افشای لیبرال ها و شکست سیاسی امپریالیسم آمریکا نقش برجسته ای داشته است در مجلس شورای اسلامی بررسی، تصویب و اعلام شده است. همزمان با این تحولات، لیبرال ها همه نیروی خود را در درون و بیرون حکومت به دقت بسیج کرده اند تا اقدام انقلابی دانشجویان خط امام را که مورد حمایت همه مردم ترقیخواه و همه نیروهای ضدامپریالیست ایران بوده و نقش برجسته ای در گسترش مبارزات ضدامپریالیستی مردم ایران داشته است، بی اعتبار جلوه دهند.

امپریالیسم آمریکا و مسئله تسخیر سفارت

از ۱۳ آبان پارسال که سفارت آمریکا تسخیر شد، موضوع بازداشت کارکنان جاسوس سفارت آمریکا به وسیله ای برای افشای سیاست آمریکا و افشا و طرد لیبرال ها بدل شد. این عمل نه تنها از سازش بازرگان و شرکاء و اجرای عملی طرح برژینسکی - یزدی - چمران - بازرگان مانع به عمل آورد و لیبرال ها را به شدت به عقب نشینی وادار کرد، بلکه همراه با تقویت جناح های ضد امپریالیست در حکومت جمهوری اسلامی روابط

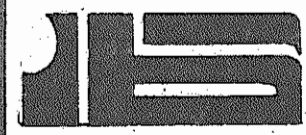
هدف جنگ همان گونه که پیش از این گفته ایم، سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی ایران و روی کار آوردن یک حکومت آمریکائی در ایران است. امپریالیسم با جنگ عراق علیه ایران بر آن بوده و هست که یا از طریق جنگ، رژیم جمهوری اسلامی را به سرعت سرنگون کند و حکومتی مثل حکومت بختیار در ایران روی کار آورد و یا از طریق تضعیف نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی و تقویت لیبرال ها که در حکومت هستند، خط سیاسی لیبرال ها یعنی همان سیاست "گام به گام" بازرگان را بر حکومت غالب کند. در این رابطه امپریالیسم آمریکا و لیبرال ها سعی دارند حل مسئله گروگان ها به شیوه ای پیش رود و تبلیغات بر حول آن به گونه ای سازمان یابد که حتی الامکان موجب بی اعتباری دانشجویان خط امام، نیروهای رادیکال و ضدامپریالیست جمهوری اسلامی و ایجاد اعتبار برای بازرگان و شرکاء و تمامی لیبرال ها گردد. بنابراین برخورد با مسئله گروگان ها و تبلیغات حول آن باید به گونه ای باشد که نه تنها لیبرال ها نتوانند با عوام فریبی برای سیاست خود یعنی سیاست سازش با امپریالیسم جهانی و بر باد دادن خون شهیدان، حقانیت کسب کنند بلکه حقانیت نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی و حقانیت اقدام انقلابی تسخیر سفارت بیش از پیش بر همگان اثبات شود و ماهیت امپریالیسم و دوستان و جاسوسانش بیش از پیش افشاء گردد.

امپریالیسم آمریکا با سیاست دو دوزه خود، سگهای زنجیری اش چون ملک حسین، دربار عربستان سعودی و رژیم عمان را به یاری رژیم صدام واداشته تا حکومت جمهوری اسلامی را از پای در آورد و در همین حال امیدوار است فشار جنگ بر ایران، شرایطی پیش آورد که دولت جمهوری اسلامی "کمکها و حمایت" امپریالیسم آمریکا را بپذیرد و بدینسان دولت جمهوری اسلامی را از ماهیت ضد امپریالیستی آن تهی کند.

با گذشت زمان و بخصوص پس از مردن شاه بیبه علت اینکه موضع صریح و روشنی پیرامون خواست ایران و شرایط آزادی و محاکمه گروگان ها از طرف جمهوری اسلامی اعلام نشد، به لیبرال ها فرصت داده شد که تبلیغ کنند گروگان گیری از ابتدا غلط بوده و باید گروگان ها را فوراً آزاد کنیم وگرنه آمریکا بیشتر با ما "دشمن" خواهد شد! رسانه های گروهی امپریالیست ها نیز به کار افتاد. آنها نیز کوشیدند چهره انقلاب ایران و نیروهای ضدامپریالیست را مخدوش سازند و خود را محق جلوه دهند. در این تبلیغات، امپریالیست ها بیش از هر چیز از مصاحبه ها، نوشته ها و سخنرانی های لیبرال های ایران که مودیان علیه نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی برای دستگاه های خبری امپریالیستی خوراک تبلیغاتی آماده می کردند و گاه و بیگاه زیر پوشش عوام فریبانه انسان دوستی و آزادیخواهی، بازداشت به اصطلاح کارکنان بیگناه آمریکائی را محکوم می ساختند، استفاده می کردند. در واقع نیروهای ضد امپریالیست دولت جمهوری اسلامی در اثبات

بقیه در صفحه ۳

پیروزباد آرمان انقلابی رفقای شهید ★



تلاش مذبحخانه لیبرالها

بقیه از صفحه ۲

حقانیت خود و افشای سیاستهای جنایتکارانه امپریالیستها در سطح جهان کوششی لازم نکردند و این امر به لیبرالها فرصت داد تا در یکساله گذشته با تبلیغات عوام فریبانه علیه تسخیر سفارت، از نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی چهره‌ای خلاف واقع ترسیم کنند.

ویتنامی‌ها هنگامی که با قشون بسیار مجهز و صدها هزار نفری امپریالیسم آمریکا و متحدان آن در خاک ویتنام می‌جنگیدند. علاوه بر همه قهرمانی‌هایی که در عرصه جنگ علیه دشمن از خود بروز می‌دادند، هرگز فراموش نمی‌کردند که باید از متحدان طبیعی انقلاب، از کسانی که آماده‌اند از خلق ویتنام در پیکار دلاورانه‌اش برای استقلال و آزادی حمایت کنند، حداکثر استفاده را بنمایند.

ویتنامی‌ها گذشته از بزرگاری نزدیکترین و نیرومندترین روابط با متحد طبیعی انقلاب، یعنی اردوگاه سوسیالیسم و دولتهای ترقیخواه جهان، لحظه‌ای از تلاش برای همراه کردن کارگران و زحمتکشان کشورهای امپریالیستی و دولتهای ترقیخواه جهان، لحظه‌ای از تلاش برای همراه کردن کارگران و زحمتکشان کشورهای امپریالیستی و خلقهای زیر سلطه جهان با خود باز نمی‌ایستادند. این تبلیغات ویتنام، اعتراض وسیع کارگران و زحمتکشان کشورهای امپریالیستی را علیه دخالت امپریالیسم آمریکا در ویتنام برانگیخت و دولت آمریکا را سخت زیر فشار قرار داد تا از ارتکاب جنایات بیشتر در ویتنام بپرهیزد و مهم‌تر از همه، دولتهای امپریالیستی جهان و در رأس همه آنها دولت آمریکا را چنان در انظار عمومی افشاء ساخت و چنان خشمی علیه امپریالیسم در موطن امپریالیسم برانگیخت که بدون تردید در دامن زدن به مبارزه خلقهای زیر سلطه علیه امپریالیسم و مبارزه کارگران و روشنفکران کشورهای امپریالیستی علیه امپریالیسم، نقشی بسزا داشت. در واقع همین تبلیغات ویتنام بود که پیام انقلاب ویتنام را به همه جهان صادر کرد و توانست در مبارزه ستمکشان جهان علیه ستمگران جهان نقش تاریخی خود را بازی کند.

لیکن ما در چنین کاری تاکنون به اندازه کافی موفق نبودیم که هیچ، حتی تا آنجا که به کارگران و زحمتکشان کشورهای امپریالیستی مربوط می‌شود، با برخی اقدامات، اشتباهات و سیاستها اجازه داده‌ایم که تعداد کثیری از آنان همصدا با مرتجع‌ترین محافل امپریالیستی علیه انقلاب ایران برانگیخته شوند.

امپریالیستها و مرتجعین همانگونه که پیش از انقلاب چنین وانمود می‌کردند که مخالفان رژیم شاه با به اصطلاح مدرنیزه کردن کشور مخالفت می‌کنند و خواهان احیاء فئودالیسم هستند، پس از انقلاب نیز به تبلیغات بیشرمانه خود ادامه دادند و انگیزه تسخیر مرکز جاسوسی را برای مردم جهان واژگونه معرفی کرده‌اند.

هم‌اینک مسئله جاسوسان امریکائی در شرایطی مطرح شده‌است که امپریالیسم پس از ماهها محاصره اقتصادی و جنگ تبلیغاتی علیه انقلاب، پس از شکست‌های پیاپی که از انقلاب خورده، با جنگ عراق صنایع نفت ایران را تخریب کرده، به صنایع دیگر آسیب‌های فراوان رسانده و دولت جمهوری اسلامی را زیر فشار بازرگانی، مالی، سیاسی، نظامی و تبلیغاتی قرار داده است و تلاش برای تقویت خط لیبرالها و تضعیف نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی (خط امام) را افزایش داده است.

بنابراین بجاست که به مسئله جاسوسان آمریکا با در نظر گرفتن جنگ و وضعیتی که پیش آورده، برخورد کنیم.

هر نیرویی بسته به ماهیت طبقاتی خود و بسته به تحلیل‌ها و دیدگاه‌های خود به این مسئله می‌نگرد و طبقا راه‌حل‌های منطبق با خط مشی خود را ارائه می‌دهد. ما نیروهائی را که حول این مسئله موضع‌گیری می‌کنند، به سه دسته تقسیم می‌کنیم و

موضع خود را در جریان برخورد با این سه دسته روشن می‌کنیم:

۱- لیبرالها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم:

این دسته همواره مسئله گروگان‌ها را مشکلی در راه نزدیکی به امپریالیسم جهانی تلقی کرده‌اند و حالا امیدوارند با فرصتی که پیش آمده، مسئله گروگان‌ها به سود سیاست آنان حل و فصل شود تا بتوانند موقعیت خود را در حکومت و در میان مردم تحکیم کنند، علیه دانشجویان خط امام و علیه همه نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی و بسود مواضع خود بهره‌برداری کنند. بازرگان و شرکاء این روزها سرمست از مشکلاتی که جنگ جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا پیش آورده، چهره حق بجانبی بخود گرفته‌اند و مذبحخانه تلاش دارند به مردم ثابت کنند که اگر این "دانشجویان خط شیطان" گذاشته بودند، اگر نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی و این "کمونیستها" گذاشته بودند روابط "معقول و منطقی" بر اساس "منافع متقابل" با دولت آمریکا پیش رود، حالا همه چیز رو به راه بود. چرخ‌های صنایع ما مثل گذشته به "کمک" امریکائی‌ها و کشورهای "آزاد" جهان می‌چرخید "اشتهای کاذب" مردم اینقدر علیه "سرمایه‌داران خیر" و "تجار محترم" برانگیخته نمی‌شد، آدم‌های مبارز و محترمی مثل جناب آقای امیرانتظام بجرم جاسوسی به گوشه زندان نمی‌افتادند و کفایت‌السابق به خدمت در راه "انقلاب" ادامه می‌دادند، "حیثیت افراد محترم اینقدر دستخوش خطر نمی‌شد"، مردم کوچه و بازار اینقدر پر رو و گستاخ نمی‌شوند. و در هر کاری دخالت نمی‌کردند، موسی به‌دین خود و عیسی به دین خود بود! دانشجو بی درسی خواندنش می‌رفت، طلبه‌ها توی حجره‌هایشان به کسب فیض مشغول بودند کارگر و دهقان به حق خود راضی بودند و اینهمه مزاحم سرمایه‌داران و زمین‌داران بیچاره نمی‌شدند، وظیفه دفاع از "انقلاب" را سپهبد مهدیون‌ها و دیگر وطن پرستانی که بیخود و بی‌سبب اعدام شدند، انجام می‌دادند، انقلاب ما از جانب دولتهای معظم جهان منزوی نمی‌شد و حالا هم امریکائی‌ها به کمک رژیم عراق علیه ما توطئه نمی‌کردند و اینهمه بدبختی و مصیبت نداشتیم!

آری! لیبرالها و همه نیروهای مورد حمایت امپریالیسم، این روزها پنهان و آشکار در محافل خصوصی و علنی و در روزنامه‌های میزان، کیهان و... با زبانی درازتر و وقیح‌تر از گذشته تبلیغات همه‌جانبه علیه انقلاب را آغاز کرده‌اند و نیروهای ضدامپریالیستی را مسبب همه سختی‌ها و دشواری‌ها می‌دانند و در یک کلام انقلاب را محکوم می‌کنند. اگر ما انقلاب نمی‌کردیم و بر تداوم و حفظ دستاوردهای آن اینهمه اصرار نمی‌کردیم، مگر امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های ارتجاعی منطقه مرض داشتند علیه ما توطئه کنند، تحریم اقتصادی کنند، تبلیغات بیشرمانه به‌راه اندازند و دست آخر هم با ما وارد جنگ شوند. هرچه می‌کشیم از همین انقلاب می‌کشیم و البته بازرگان ابا ندارد که همین معنی را به اشکال مختلف و وقت و بی‌وقت بیان کند.

آری! لیبرالها و همه نیروهای مورد حمایت امپریالیسم تلاش خواهند کرد با استفاده از وضعیتی که امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و برای تضعیف نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی پیش آورده، با استفاده از گرانی و بیکاری که قبل از هرچیز خود آنها و اقدامات جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا مسبب آن بوده‌اند، در روزهایی که حل مسئله گروگان‌ها در دستور قرار گرفته، اقدام انقلابی تسخیر سفارت، بازداشت گروگان‌ها، افشای دوستان و جاسوسان آمریکا را زیر علامت سؤال قرار داده و بدین‌سان نیروهای ضدامپریالیست را تضعیف کنند.

لیبرالها امیدوارند که مسئله گروگان‌ها را تا آنجا که ممکن است به سود سیاست خود حل کنند و به هر صورتی که این مسئله حل شود، آن را دلیل درستی سیاست خود وانمود کنند. نه تنها نباید گذاشت لیبرالها از وضعی که پیش آمده به زیان انقلاب و به سود تحکیم مواضع خود بهره‌برداری کنند بلکه هم اینک افشای سیاست امپریالیسم آمریکا و لیبرالهای مورد پشتیبانی آن بیش از هرزمان دیگر اهمیت یافته است.

سیاست لیبرالها و سایر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم این است که حل مسئله گروگان‌ها را به سرآغاز بهبود روابط با امپریالیسم آمریکا بدل سازند. آنها هم‌اینک چنین استدلال می‌کنند که ما برای پیروزی در این جنگ باید با آمریکا کنار بیاییم و برای پیروزی بر امپریالیسم، باید با امپریالیسم بیشتر دوستی کنیم! از همین‌جا بخوبی می‌توان فهمید که چرا لیبرالها برخلاف آیت‌الله خمینی که می‌گوید ما با آمریکا در جنگیم، می‌گویند ما با آمریکا در حال جنگ نیستیم.

پس از حل مسئله گروگان‌ها و پس از جنگ، لیبرالها بازم تبلیغ خواهند کرد: برای بازسازی خرابی‌های جنگ و به‌راه انداختن صنایع، باید روابط اقتصادی ایران با آمریکا، ژاپن و اروپای غربی گسترش یابد تا سیاست "گام به گام" نزدیکی با امپریالیسم و نابودی انقلاب را دنبال کنند. بنابراین لیبرالها و همه نیروهای مورد حمایت امپریالیسم تلاش دارند برنامه‌حل مسئله گروگان‌ها را در خدمت تضعیف نیروهای ضدامپریالیست جمهوری اسلامی، دور کردن ایران از اردوگاه سوسیالیسم و دولتهای مترقی جهان و نزدیک ساختن "گام به گام" ایران به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا درآورند.

۲- انقلابی‌نماها و دمکرات‌نماها که حکومت جمهوری اسلامی را حکومتی ارتجاعی می‌نامند چه خواهند گفت؟

این نیروها هرگونه تلاش برای برخورد با مسئله جاسوسان امریکائی را سرآغاز سازش با امپریالیسم تلقی خواهند کرد. آنها با هر قدمی که در راه حل مسئله گروگان‌ها برداشته شود، مخالفت خواهند کرد. بسیاری از آنها تسخیر سفارت را "توطئه حکومت" و "عوام‌فریبی ضدامپریالیستی" دانستند. آنها همان چیزهائی را تبلیغ می‌کردند که ضدانقلاب می‌گفت. آنها ابتدا حکومت را "مرتجع" معرفی می‌کردند و سپس عوام‌فریبانه می‌گفتند "مرتجع نمی‌تواند ضدامپریالیست باشد." پیکاریها از این هم وقیح‌تر عمل کردند. آنها این اقدام انقلابی را محکوم کردند، آنها تسخیر سفارت را "توطئه" اعلام کردند و با آن مخالف بودند. حالا هم با هر اقدامی که در جهت حل مسئله گروگان‌ها صورت گیرد، مخالف خواهند بود. آنها همیشه با هرچه به دولت و حکومت مربوط می‌شود، مخالفند. با تسخیر سفارت و بازداشت گروگان‌ها مخالف بودند، حالا هم با هر تلاشی برای حل مسئله گروگان‌ها به هر شکل و صورتی که باشد، مخالف خواهند بود.

همه کسانی که تصمیم گرفته‌اند جمهوری اسلامی را ارتجاعی، ضدخلق، وابسته، فاشیستی و ارگان سازش بدانند، برای اثبات تئوری‌های ضد علمی و ورشکسته‌شان چاره‌ای ندارند جز آنکه چشم و گوش خود را بر همه واقعیت‌ها ببندند و همان‌طور که در گذشته تسخیر سفارت را توطئه دانستند و آن را محکوم کردند، همان‌گونه که پشتیبانی از سیاست‌های ضد امپریالیستی حکومت جمهوری اسلامی را سازشکاری خواندند و محکوم کردند، همان‌گونه که امکان کودتای امریکائی علیه جمهوری اسلامی را منتفی می‌دانستند و می‌گفتند چاقو دست‌اش را نمی‌برد، و همه کسانی که شعار "مرگ بر ارتجاع" را بجای مرگ بر آمریکا تکرار می‌کنند، حالا هم بدون هیچگونه ارزیابی از وضعیت کنونی، هر تصمیمی را که از جانب حکومت جمهوری اسلامی برای تعیین تکلیف گروگان‌ها اتخاذ شود، حتی اگر منطقی‌ترین و درست‌ترین تصمیمات هم که باشد، قطعا آن را بعنوان "سازش" و "توطئه" و "دروغ" و "فریب توده‌ها" محکوم خواهند کرد.

بقیه در صفحه ۱۸

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

بقیه از صفحه ۱

علی رغم برخی نارسائی‌ها و ابهامات

تصمیمات مجلس درباره گروگان‌ها . . .

۴ شرط مجلس را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- ۱- دولت آمریکا باید تعهد نماید که از این پس هیچگونه دخالت مستقیم و غیر مستقیم سیاسی و نظامی در امور جمهوری اسلامی ننماید.
- ۲- آزاد کردن همه سرمایه‌ها و کلیه اموال ایران و از میان برداشتن همه موانعی که دولت آمریکا از ۲۳ آبان ۵۸ در راه دخل و تصرف دولت ایران در سرمایه‌ها و دارائی‌های ایران ایجاد کرده است.
- ۳- لغو کلیه اقدامات اقتصادی و مالی علیه ایران و اعلام ابطال کلیه دعاوی از جانب اشخاص حقوقی و حقیقی که در رابطه با تسخیر مرکز جاسوسی آمریکا عنوان شده است.
- ۴- بازپس دادن ثروت‌هایی که شاه از مردم ایران غارت کرده است

شرط پیشنهادی امام خمینی نمی‌تواند باشد. این شرایط نه تنها از موضع ضعف نیست بلکه مشخصا حاکی از آن است که جمهوری اسلامی ایران حاضر نیست به فشارهای امپریالیسم آمریکا و سگهای زنجیری‌اش چون فیصل و حسین که از رژیم جنایتکار صدام پشتیبانی می‌کنند، تن دهد.

* مذاکرات مجلس نشان داد که یک دسته از نمایندگان مجلس (به رهبری لیبرال‌ها) در عمق فکرشان می‌خواهند گروگان‌ها هرچه زودتر آزاد شوند که پول و سلاح و "حمایت" آمریکا از نو پشت و پناه ارتش ایران گردد. آنها ادعا می‌کنند ما در جنگ کنونی به این سه عامل احتیاج داریم.

جاسوس و ارائه یک برنامه مشخص و صریح در این باره از مبرم‌ترین مسائلی است که جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدا می‌باید بر آن تاکید می‌کرد.

امپریالیسم خوب می‌دانست که تا وقتی شاه زنده است، گروگان‌ها نیز منطقی نمی‌توانند آزاد شوند. مردن شاه طبعاً بخشی از خواست‌های حقه‌ای را که موجب گروگان‌گیری شده بود، عملاً منتفی کرد. از آن پس ضروری بوده است که هرچه صریح‌تر و هرچه بیشتر روی یکایک خواسته‌هایی که می‌بایست در ازای آزادی گروگان‌ها از جانب امپریالیسم تامین می‌شد، تبلیغ می‌کردیم. مردم ما و مردم سراسر جهان می‌بایست بطور روشن می‌دانستند که شرایط آزادی گروگان‌ها تامین کدام خواسته‌است که در صورت عدم تامین آنها، محاکمه گروگان‌ها آغاز شود. بنابراین هیچ کس نمی‌تواند در اصل رسیدگی به وضع گروگان‌ها از موضع منطقی و انقلابی اعتراض کند. تمام مسئله این است که آیا در این شرایط زمانی، رسیدگی به مسئله گروگان‌ها بسود انقلاب هست یا نه؟ مسلم است که اگر این رسیدگی با جنگ عراق علیه انقلاب ایران یا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا مصادف نبود، هیچ میهن پرست واقعی خود را محق نمی‌دانست که رسیدگی به مسئله گروگان‌ها را بی‌موقع و نامناسب اعلام کند ولی آیا جنگ و انتخابات می‌تواند عاملی برای تعویق در تصمیم‌گیری قلمداد شود؟ به نظر ما بین تصمیم‌گیری در شرایط جنگی و چند روز قبل از انتخابات آمریکا و شرایطی جز آن فقط در صورتی باید تفاوت قائل شد که تحت تاثیر شرایط فوق تصمیم گرفته شود که گروگان‌ها آزاد شوند.

بین آزاد کردن گروگان‌ها و مشخص کردن شرایط مردم ایران برای مبادله آنها تفاوت وجود دارد. برخی اینطور تبلیغ می‌کنند که رسیدگی به وضع گروگان‌ها تحت تاثیر فشارهای امپریالیسم آمریکا و بیش از همه جنگ عراق با ایران، صورت گرفته است. به این دلیل باید گروگان‌ها آزاد شوند که فشار آمریکا روی ایران کاهش یابد، ما از "انزوا" خارج شویم و انقلابی‌نماها می‌گویند رسیدگی به وضع گروگان‌ها اجرای سیاست لیبرال‌ها و تسلیم شدن به فشارهای آمریکا است.

بررسی شرایط آزادی گروگان‌ها که در مجلس به تصویب رسیده است، نشان می‌دهد که چنین قضاوتی طبق معمول درخت را به جای جنگل دیدن است.

* شرط اول بدون تردید از نظر سیاسی حائز اهمیت فراوان است. باید برای مردم به دقت توضیح داده شود که اهمیت این مطلب در آن است که امپریالیسم آمریکا را مجبور سازد به دخالت و تجاوزات بی‌شمارانه خود علیه خلق‌های جهان که از سرشت امپریالیسم ناشی می‌شود، اعتراف کند. اما یقیناً چنین اعترافی به هیچ زوی نمی‌تواند به‌عنوان یک تضمین و تعهد عدم دخالت جنایتکارانه امپریالیسم تلقی گردد. جز قدرت متحد و همیشه هوشیار خلق در این مورد، هیچ تضمین دیگری نمی‌تواند مطرح باشد.

* شرط اول بدون تردید از نظر سیاسی حائز اهمیت فراوان است. اگر امپریالیسم آمریکا اعلام کند که "از این پس" دیگر در امور ایران دخالت نمی‌کند، این یک پیروزی سیاسی برای جنبش‌های ضدامپریالیستی ایران و جهان خواهد بود و در افشای چهره متجاوز امپریالیسم جهانی تأثیری بسزا خواهد داشت. دولت آمریکا ممکن است بخواهد رندانه از ادای این عبارت طفره رود و مثلاً فقط بگوید که آمریکا در ایران دخالت سیاسی و نظامی نخواهد کرد. چنین جمله‌ای توطئه‌ها و دخالت‌های تجاوزکارانه امپریالیسم را در ایران و جهان ثابت نمی‌کند اما وقتی دولت آمریکا رسماً اعلام دارد که از این پس دولت آمریکا هیچ دخالت سیاسی و نظامی مستقیم و غیر مستقیم در امور ایران نخواهد کرد، این خود از یک طرف به مفهوم اعتراف به دخالت‌های جنایتکارانه مستقیم و غیر مستقیم سیاسی و نظامی امپریالیسم آمریکا در امور ایران و سایر کشورهای ستمدیده جهان است و از طرف دیگر، خود سند محکومیت امپریالیسم خواهد بود. این اعتراف خود به موضع دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا و لیبرال‌هایی که در کمین نشسته‌اند تا بیش‌زمانه در هر فرصتی آب تطهیر بر سر امپریالیسم آمریکا بریزند، سخت آسیب خواهد رساند و خود دلیلی خواهد بود بر حقانیت اقدام انقلابی تسخیر مرکز جاسوسی. اما یقیناً چنین اعترافی گذشته از تأثیرات و بازتاب مثبت آن در ایران و جهان، به هیچ‌روی نمی‌تواند به‌عنوان یک تضمین و تعهد عدم دخالت جنایتکارانه امپریالیسم در امور داخلی خلق‌های ایران و جهان تلقی گردد. جز قدرت متحد و همیشه هشیار خلق در این مورد، هیچ تضمین دیگری نمی‌تواند مطرح باشد. باید برای مردم به دقت توضیح داده شود که اهمیت این مطلب در آن است که امپریالیسم آمریکا را مجبور سازد به دخالت و تجاوزات بیش‌زمانه خود علیه خلق‌های جهان که از سرشت امپریالیسم ناشی می‌شود، اعتراف کند و این اعتراف موجب افشای بیش از پیش او را فراهم خواهد آورد ولی پایان دخالت‌های تجاوزکارانه مستقیم و غیر مستقیم امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا فقط با مرگ امپریالیسم امکان‌پذیر است.

هم‌اکنون امپریالیسم آمریکا از کانال رژیم عراق با مسلح کردن زمین‌داران بزرگ، خوانین و شیوخ مرتجع و بازماندگان رژیم سابق و با تلاش برای تقویت لیبرال‌ها و پیش‌بردن سیاست آنان، با ارسال ناوگان‌ها و بمب‌افکنهای خود و نیروهای واکنش سریع در خلیج فارس و در منطقه، با ارسال هواپیماهای

یک دسته دیگر از نمایندگان همواره تاکید داشته‌اند که علت گروگان‌گیری قبل از همه برای افشای ماهیت توخالی و جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا و معرفی این چهره کریه تاریخ جهان به جهانیان بوده است و در مرحله بعد بازپس گرفتن حقوق پایمال شده ملت ایران و وادار کردن امپریالیسم آمریکا به تسلیم در برابر این خواسته‌ها بوده است و اکنون نگرانی تمام نیروهای انقلابی نه در نفس تصمیم مجلس بلکه بی‌آمدهای احتمالی آن است که بر اثر پیشرفت سیاست لیبرال‌ها پیش خواهد آمد. مسئله دیگر تقارن زمانی موضوع رسیدگی به مسئله گروگان‌ها با انتخابات آمریکا است. این تقارن نیز بیم و نگرانی‌هایی پدید آورده است مبنی بر اینکه آیا تعیین تکلیف گروگان‌ها در آستانه انتخابات، موضع کارتر را در برابر ریگان تقویت نخواهد کرد؟ اگر پاسخ به این سؤال مثبت باشد، مگر نه اینکه این نیز درست است که تعویق تعیین تکلیف گروگان‌ها تا بعد از انتخابات حتماً بسود ریگان تمام می‌شود؟ همه می‌دانند که گروگان‌گیری نه تنها هیچ سودی برای هیچ‌یک از جناح‌های امپریالیسم آمریکا نداشته است، بلکه

* بین آزاد کردن گروگان‌ها و مشخص کردن شرایط مردم ایران برای مبادله آنها تفاوت وجود دارد. مجلس نه تصویب کرده است که گروگان‌ها فوراً آزاد شوند و نه تصویب کرده است که محاکمه نشوند. اکنون چنانچه امپریالیسم آمریکا از پذیرش و اجرای تمام شرایط امتناع ورزد - گروگان‌ها آزاد نخواهند شد و اگر هم آزاد بشوند، این امر خلاف تصمیم صریح و روشن مجلس است.

بیشترین ضرر را به موقعیت همه‌آنان در ایران وارد کرد. این واقعیت است که در هر حال چه بعد از انتخابات آمریکا تصمیم‌گیری می‌شد و چه قبل از آن، روی موقعیت کاندیداها به یکسان تاثیر نمی‌گذاشت. بنابراین استدلال کسانی که فکر می‌کنند اگر تصمیم‌گیری بعد از انتخابات آمریکا انجام می‌شد، هیچ ارتباطی با مسئله انتخابات آمریکا پیدا نمی‌کرد، درست نیست چرا که در آن صورت حتماً این تعویق عملاً به سود ریگان یعنی نماینده جنایتکارترین و مرتجع‌ترین امپریالیست‌های آمریکایی تمام می‌شد و پیروزی او صلح و امنیت جهان را بطور جدی به مخاطره خواهد افکند.

نیروهای ضدامپریالیست علی‌رغم برخورد‌های متفاوتی که با مسئله گروگان‌ها داشته و دارند، جلگی بر این امر اتفاق نظر دارند که برخورد با مسئله گروگان‌ها باید به‌گونه‌ای باشد که به افشاء و تضعیف هرچه بیشتر سیاست امپریالیسم آمریکا و

زیب‌را اولاً - آزادی گروگان‌ها تابع پذیرش تمام شرایط و خواسته‌های مردم ایران است، ثانیاً - آزادی تدریجی آنها خود تضمینی بر تامین آنهاست و از موضع ضعف نیست. مجلس نه تصویب کرده است که گروگان‌ها (آنطور که آمریکا تبلیغ می‌کرد) فوراً آزاد شوند و نه تصویب کرده است که محاکمه نشوند. اکنون باز هم چنانچه امپریالیسم آمریکا از پذیرش و اجرای تمام شرایط امتناع ورزد، گروگان‌ها آزاد نخواهند شد و اگر هم آزاد بشوند، این امر خلاف تصمیم صریح و روشن مجلس است. علاوه بر این آنها که می‌گویند "مجلس کوتاه آمد" باید نشان دهند که اگر آنها بودند در مورد گروگان‌ها چه تصمیم می‌گرفتند و چه می‌کردند؟ هر کس عقل سلیم و منطق و مصالح انقلاب را ملاک قرار دهد، درخواهد یافت که شرایط محاکمه و آزادی گروگان‌ها هیچ چیزی خارج از چهارچوبه ۴



هر فدائی یک گزارشگر انقلابی

● سخنی کوتاه با رفقای هوادار پیرامون گزارش‌های تبلیغی

قسمت دوم

"برای اینکه بتوان امور مربوط به شهر و دولت را در روزنامه (البته نه در رساله) نوشت، باید مدارک همه‌جانبه در دست داشت که به توسط شخص گردانی گردآوری و تهیه شده باشد. برای گردآوری و تهیه چنین مدارکی هم، دمگراسی بدوی" یک محفل بدوی که در آن همه‌گازها را همه می‌کنند و سرگرم بازی مراجعه به آراء عمومی هستند، کافی نیست. برای انجام این امر، ستادی از نویسندگان گارشناس، مخبرین گارشناس، ارتشی از خبرنگاران سوسیال دمکرات لازم است که با همه و همه‌جا رابطه برقرار کنند... یک ارتش از اشخاص لازم است که برحسب شغل خود موظف به حضور در همه‌جا، با اطلاع از همه چیز باشند و ما که حزب مبارزه با هرگونه ستم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ملی هستیم، می‌توانیم و باید ارتشی از اشخاص که از همه چیز باخبرند بیابیم و آنها را گردآوریم و تعلیم دهیم و بسیج کنیم و روانه عرصه گزارش سازیم"

لنین

فعالیت تبلیغی هواداران سازمان و منجمله تهیه گزارش‌های تبلیغی در چهارچوبه عام خود و بمثابه جزئی از فعالیت عملی کمونیستها تابع همان قوانین و دربی همان اهدافی است که لنین خطوط اساسی آن را در "وظائف سوسیال - دمکراتهای روس" و دیگر آثارش تصویر نموده است. ما باردیگر مطالعه این اثر ارزشمند رفیق لنین را به رفقای هوادار سازمان توصیه می‌کنیم. ولی برای انجام فعالیت‌های تبلیغی تنها کافی نیست که به وظائف عام کمونیستها واقف باشیم. لنین با اشاره به این گفته معروف مارکس و انگلس که "نظریه ما یک دگم نیست بلکه راهنمای عمل است" کسانی را که فقط به تکرار و از بر کردن "فرمولها" می‌پردازند، به تمسخر می‌گیرد و می‌افزاید چنین "فرمولهائی در بهترین وضع فقط می‌توانند وظائف کلی را مشخص کنند، وظائفی که به دلیل شرایط اقتصادی و سیاسی مشخص هر دوره خاص روند تاریخی، الزاما قابل تغییرند" و بر این اساس برای انجام فعالیت‌های عملی "آن حقایق عینی مسلمی که حزب انقلابی پرولتاریا باید به وسیله آنها برای مشخص کردن وظائف و اشکال فعالیتش هدایت شود" را در برابر کمونیستها قرار می‌دهد.

بر اساس چنین آموزشی، فعالیت تبلیغی ما می‌بایست همچنین برپایه میانی سیاسی - ایدئولوژیک سازمان، تحلیل سازمان از شرایط مشخص کنونی، تحلیل از حاکمیت، چگونگی صف‌آرایی نیروها و... قرار گیرد و در این رابطه می‌بایست کوششی همه‌جانبه و مستمر از جانب رفقای هوادار برای درک دقیق این شرایط اقتصادی و سیاسی مشخص و "حقایق عینی مسلم" مبذول گردد.

ولی آیا صرف توجه و احاطه به وظائف عام و عملی کمونیستها و نیز "شرایط اقتصادی و سیاسی مشخص" برای انجام فعالیت‌های تبلیغی و منجمله تهیه گزارش کافی است؟ یقینا نه، تکیه بر این عوامل قطعا مهم‌ترین گام درجهت تبلیغ سیاسی است ولی این موارد تنها عوامل لازم و

نه کافی برای ارائه یک تبلیغ سیاسی است. از آنجائی که گزارشگر انقلابی برخلاف ژورنالیست‌های معمولی تنها به "تفسیر" پدیده‌ها نپرداخته و هدفش از تهیه یک گزارش تبلیغی تاثیرگذاری هرچه بهتر و بیشتر بر توده‌های مردم و به‌ویژه طبقه کارگر و افزایش آگاهی و دانش طبقاتی آنان و نتیجتا "تغییر" پدیده‌هاست، می‌بایست مجموعه‌ای از عوامل را (عوامل اجتماعی - فرهنگی، پسیکولوژیک، فنی و...) که می‌تواند در خدمت "تغییر" پدیده قرار گیرد، مورد توجه قرار دهد.

ما در زیر اشاره‌ای مختصر به برخی از مهم‌ترین این عوامل خواهیم داشت:

۱- هدفمندی گزارش:

هر گزارش تبلیغی باید حتما در خدمت القای یک مسئله مشخص به توده‌ها باشد. گزارشگر باید بداند که هدفش از تهیه گزارش چیست و در پی بیان چه معضل و مشکل اجتماعی است. بیان سریال یکسری واقعیت‌ها که در برخی از گزارش‌های ارسالی رفقا به چشم می‌خورد، نشان‌دهنده این است که گزارشگر نمی‌داند در پی چیست و فقط بدین اکتفا کرده است که یکسری "واقعیت‌ها" را منعکس نماید.

هدفمندی در گزارش‌های تبلیغی یقینا تابع مسائل اجتماعی و سیاسی روز است. در شرایطی که مبارزه ضدامپریالیستی توده‌های مردم اوج تازه‌ای می‌گیرد (مقطع اشغال جاسوسخانه) و یا در شرایط کنونی که جنگ تجاوزگرانه رژیم صدام با میهنمان جریان دارد، گزارشگر انقلابی می‌بایست با توجه به این مسائل حاد و مبرم که زندگی، ذهنیت و مجموعه فعالیت‌های مردم را تحت‌الشعاع قرار داده است، به تهیه گزارش‌های تبلیغی مبادرت نماید. تهیه گزارش از فلان کارخانه سنگ‌بری و یا مصاحبه‌ای با کارگران معدن و راه‌آهن و یا تهیه گزارشی از فلان روستا یا محله می‌بایست در برگیرنده و منعکس کننده این مسائل مبرم و طرز تلقی و نگرش توده‌ها نسبت به این مسائل اجتماعی باشد.

رفقا یقینا عملکرد جریانات خط ۳ را در مقطع قیام بیاد دارند که در شرایط قیام توده‌ای و شوز انقلابی توده‌ها آنجا که مرکز ثقل فعالیت و حرکت توده‌ها سنگ‌بندی‌های خیابانی بود، آنان فعالیت عملی و نتیجتا تهیه گزارش‌های تبلیغی خود را بر مسائل اقتصادی کارگری و کارخانه متمرکز کرده بودند. یقینا رفقا تاثیر و نقش منفی و مخرب آن نوع تبلیغات اکونومیستی را فراموش نکرده‌اند.

۲- انسجام گزارش:

گزارش تبلیغی باید حول محوری معین تنظیم شود. پرداختن به مسائل متعدد و متنوع گرچه همه آنها در خدمت بیان و القاء یک هدف معین و مشخص باشد، از برد تبلیغی سوزه کاسته و تاثیر گذاری توده‌ای آن را کم می‌نماید. وقتی رفقا به تهیه گزارشی در مورد برخورد دهقانان با فئودال‌های فلان روستا می‌پردازند، به هیچ روی ضروری نیست به بیان ماهیت فئودالیسم،

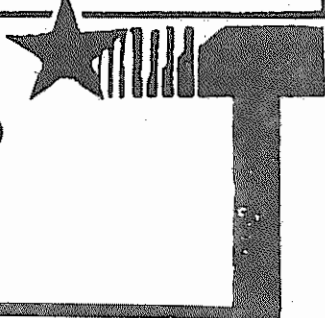
تضادهای آن، سرنوشت محتوم فئودالیسم، شیوه و ویژگی زمین‌داری و... بپردازند. می‌توان و می‌بایست یک مسئله را برای القا بهتر آن از زوایای مختلف بررسی کرده و تصاویر زنده‌ای از این تضاد اجتماعی ارائه داد ولی گسترش دادن زمینه بحث، شکافتن موبومی مسئله، بررسی علی پدیده، گزارش را از جنبه تبلیغی آن خارج کرده و به آن بعدی ترویجی می‌دهد. گزارش "دروازه غار، محله فقر و حماسه، رنج و مقاومت" مندرج در شماره گذشته کار، شماره ۸۲، نمونه موفقی از یک گزارش تبلیغی بود. در این گزارش پس از ارائه نمائی کلی و لازم از سوزه مورد نظر (دروازه غار) گزارشگر به ارائه یکسری تصاویر زنده از نمودهای عینی و روابط محلی می‌پردازد (عکس جوانان شهید بر دیوارهای محله، حجله‌هایی که برای شهدا برپا شده است، تجمع مردم در مقابل مراکز بسیج، صحنه‌های رژه و تعلیم نظامی جوانان محله و...) که همگی در خدمت القای یک ایده معین یعنی مسئله جنگ و تاثیر آن بر روابط محله است. همچنین در این گزارش دیالوگ‌ها (صحبت با سردسته جوانان مسلح محل پیرمرد و زن باردار و نیز نجوای زنانی که در اطراف فشاری گرد آمده‌اند) بخوبی نشان‌دهنده تاثیرات جنگ و منعکس کننده ذهنیت توده‌های زحمتکش در این مورد مشخص است.

۳- روانشناسی توده‌ها:

از آنجائی که گزارش تبلیغی برای توده‌ها و به‌منظور تاثیرگذاری بر ذهنیت آنان تهیه می‌شود لاجرم می‌بایست با توجه و تکیه بر روانشناسی و ذهنیت آنان تهیه گردد. گزارشی که بدون توجه به این اصل تهیه شود اگر تاثیر سوء و مخرب در خواننده به وجود نیآورد قطعا تبلیغی سترون خواهد بود. تبلیغ توده‌ای برای آنکه بتواند بیشترین تاثیر را بر توده‌ها گذاشته و به بهترین نحوی آنان را بسوی برنامه کمونیستها جلب نماید، می‌بایست کاملا سطح رشد و آگاهی، علائق و گرایشات میزان توهم پذیری، سنن و آداب و رسوم و... توده‌ها را مورد توجه قرار داده و با تکیه بر فرهنگ و روانشناسی آنان تهیه گردد. در این مورد رفقای گزارشگر می‌بایست توجه داشته باشند که در دام "توده-گرائی" مبتذل، تمکین به توهم و خواست توده‌ها و نیز سنت‌گرائی درنگ‌نمایند. ما می‌بایست با پایبندی به اصولیت ایدئولوژیک و خطوط استراتژیکمان، سعی در آن داشته باشیم که با توجه به وضعیت ذهنی توده‌ها در هر مقطع در جهت ارتقاء آگاهی سیاسی و طبقاتی آنان و در جهت جلب و جذب آنان بسوی برنامه‌ها و اهداف سازمان کوشش نماییم و گزارش‌های تبلیغی می‌بایست دقیقا با توجه به این عامل تهیه گردد.

۴- بعد طبقاتی گزارش:

آنچه که گزارش تبلیغی کمونیستها را از گزارش‌های ژورنالیستی جریانات غیر پرولتاری متمایز می‌کند، تکیه کمونیستها بر تضادهای اجتماعی، نشان دادن روابط فیما بین اقشار و طبقات جامعه و نشان دادن شکل این رابطه است. یعنی آن چیزی که می‌توان آنرا بعد طبقاتی گزارش نامید. بعکس آن چیزی که بورژوازی تبلیغ می‌کند ما نمی‌بایست از موضع بیطرفی و خارج از چهارچوبه روابط طبقاتی و به عنوان یک ناظر بی‌نظر و بی‌تفاوت به تبلیغ یک واقعه و یا یک مسئله اجتماعی بپردازیم. بعکس ما از موضع پرولتاریا، از موضع توده‌های ستمدیده جامعه و درجهت منافع آنان حرکت می‌کنیم و بقیه در صفحه ۱۳



● خواستهای نفتگرانی که از مناطق جنگ زده
به تهران آمده اند
در صفحه ۷

● خواست کارگران:
افزایش تولید و
اشتغال بیکاران در صفحه ۷

شهادت کارگران در سنگرهای خوزستان نمونه درخشان پیکار طبقه کارگر علیه امپریالیسم



انگ سنگرهای استوار و
پرصلابت دفاع از میهن،
با خون هزاران شهید خلق
گلگون شده است. خونی که
بر مزارع و کارخانهها، بر
جلگهها و نیزارهای جنوب،
بر سنگرش خیابانهای
خونین شهر و آبادان، بر
کوچههای درفول و قصر و
بر دامنههای زاگرس و دالاهو
فروچکیده و سنگرهای مقاومت
تا پای جان را رنگین کرده
است. خون کارگران و
زحمتکشانی که در دفاع از
دستاوردهای انقلاب،
محدانه و خستگی ناپذیر
پیکار کردهاند. خونی که
نویدبخش تحقق آرمانهای
شریف و شکوهمند انسانی،
استقلال، صلح و ترقی
اجتماعی است. طبقه کارگر
قهرمان ایران تاکنون در
عرصه این نبرد سرنوشت ساز
صدها رزمنده شهید را به
پیشگاه میهن انقلابی تقدیم
کرده است. از اینان برخی
شهادت سنگرهای جنگ
بودهاند و برخی شهادت
سنگر کارخانه. شهادتی که
زیر آتش توپخانهها و
راکتهای دشمن در سنگر
تداوم تولید استوار ایستادند
و جان بر این وظیفه سترگ
نهادند.
ما ضمن برشمردن نام
نمونههایی از کارگران
رزمندهای که در راه دفاع
از انقلاب و استقلال میهن،
قهرمانانه جان باختند،
باردیگر بر میثاق خونین
فدائیان و کارگران و
زحمتکشان پای فشرده و با
گرامیداشت خاطره همه
شهیدان گمنام خلق، بر
حماسه آفرینان سنگرهای
جنوب و غرب، درود
می فرستیم.

منائی، حاجی شهبازی، علی
علی نژاد. (این کارگران در
بمبارانهای جنایتکارانه
پالایشگاه تبریز به شهادت
رسیدند.)
محمد رضاسلیمی، حسین
محمدی (شهادت بمباران
ایران ناسیونال) سلیمان
خداپنده لو، احمد زرینسی
(شهرت)، کریم آذرنورد،
بهرام باباخانلو (هلی کوپتر
سازی). محمدحسین زارع
محمد احمدی (شهادت بمباران
گروه صنعتی فولاد ایران).
فریدون مرتضی زاده، سعید
کوش (شهادت جبهه خونین
شهر). مصطفی رضائی، هرمز
زیتونی، مجتبی وجدگوئی،
صاحب علی ایرجی و صدها
شهید رزمنده دیگر...
یادشان گرامی باد
راه شهدای کارگزاران دارد

زندگی و مبارزه دو تن از کارگران شهید

در حملاتی که هواپیماهای
عراقی به پالایشگاه تبریز
کردند تاکنون ده کارگر به
شهادت رسیده و بیش از ۴۰
تن دیگر مجروح شدهاند. یک
تکنیسین تعمیرات بنام خسرو
آذری هر دو پایش قطع
شده است. همه کارگران
شهید جوان و متاهل بودهاند
در اینجا مختصری از زندگی
و مبارزات دو تن از کارگران
شهید را که توسط دوستانشان
برای ما ارسال شده است، در
تجلیل از این کارگران رزمنده
و همه شهدای گمنام انقلاب
می آوریم:

شهید حسن سهلان

حسن در سال ۱۳۳۴ در
محله قوریچای تبریز در
خانوادهای کارگری متولد شد
پدر و مادرش هر دو کارگر

تبریز توسط هواپیماهای
عراقی، در نتیجه اصابت
بمب بر سرش، به همراه ۳
تن دیگر از همزمانش شهید
شد. از وی دختری یکساله
برجای مانده است. حسن
سهلان در کار و در مبارزه
کارگری سختکوش و جدی
بود. او یکی از نمایندگان
واقعی کارگران بود.

نامش خجسته و راهش
پیروزباد

فدائی خلق

رفیق شهید اکبر بدلی

فدائی شهید اکبر بدلی
کارگر پیشرو قسمت پخش
شرکت ملی نفت (پالایشگاه
تبریز) بود. او در خانوادهای
کارگری متولد شد. پدرش از
کارگران قدیمی صنعت نفت
بود. اکبر تحصیلات ابتدائی
در دوره اول متوسطه اش را با
تحمل سختی و مشقت بسیار
به پایان رسانید و پس از
طی دوره سربازی به تبریز
بازگشت و ابتدا بعنوان کارگر
ساده در صنعت نفت به کار
مشغول شد و دو سال در مرکز
ناحیه تبریز به شغل رانندگی
اشتغال داشت و سپس به
دایره مهندسی منتقل شد و
به فعالیت های صنعتی،
سیاسی منظم و گستردهای در
قسمت پخش پالایشگاه
پرداخت.

رفیق اکبر از جمله کارگران
رزمنده و آگاهی بود که از
همان اوان اشتغالش در
صنعت نفت، با آگاهی از
ماهیت جنایتکارانه رژیم
مزدور شاه و استثمار و ستم
نظام سرمایه داری و سلطه
جابرانه امپریالیسم امریکا در
مبارزات صنفی-سیاسی
نفتگران قهرمان نقشی پیشرو
و سازمانگر داشت. او با
درکی روشن از منافع طبقاتی
و رسالت تاریخی طبقه کارگر
یک دم از آموزش و سازماندهی
مبارزات انقلابی کارگران
علیه استبداد و ستم پهلوی و
استثمار و غارت سرمایه داری
بازنایستاد. فدائی خلق،
رفیق اکبر بدلی از مبارزان
ثابت قدم جنبش ۲۹ بهمن
ماه تبریز، انقلاب بهمن و
مبارزات پیگیرانه پس از قیام
بود و سهم بسزائی در ارتقاء
آگاهی و سطح مبارزاتی
کارگران داشته است.

رفیق اکبر ساعت ۷/۵
پنجشنبه ۵۹/۷/۳ در جریان
بمبارانهای وحشیانه دشمن،
در سنگر پالایشگاه در کنار
دیگر یارانش به شهادت
رسید. رفیق شهید اکبر بدلی
متاهل بود و از وی یک کودک
یکساله بجا مانده است.

یادش جاودان و آرمانش
پیروزباد



پر توان باد جنبش طبقه کارگر

پیشواز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



خواست های

نفتگرانی که از مناطق جنگ زده به تهران آمده اند

روز شنبه دهم آبان بیش از ۵۰۰ نفر از کارگران و کارمندان شرکت نفت که پس از حملات وحشیانه مزدوران عراقی به تاسیسات نفتی جنوب به تهران آمده بودند در مقابل ساختمان شرکت نفت اجتماع کردند. آنها با انتخاب نمایندگانی با مقامات مسئول مذاکره و خواستههای خود را به شرح زیر اعلام کردند:

برای آنان. ۴- فراهم کردن امکانات درمانی و بهداشتی. پس از مذاکراتی که نمایندگان کارگران و کارمندان با مقامات شرکت نفت انجام دادند. با خواستههای آنان موافقت شد و پرسشنامه‌ای را در اختیار آنها گذاشتند تا حقوق یا مساعده به آنها پرداخت شود. یکی از نمایندگان می‌گفت: "نفتگران مبارز جنوب تا آخرین لحظه در سنگرهای خود به مقابله با مزدوران عراقی پرداختند و در حال حاضر نیز گروه کثیری از کارگران در شهرهای خود به مقاومت و پایداری ادامه می‌دهند و این کارگران نیز آماده پیوستن به یاران خود هستند.

- ۱- لغو بخشنامه اخراج کارکنان شرکت نفت در مناطق جنگ‌زده (این بخشنامه غیرعادلانه اخیراً بدون در نظر گرفتن وضعیت کارکنان شرکت نفت در مناطق جنگی صادر شده بود)
- ۲- پرداخت حقوق یا مساعده جهت تامین مخارج زندگی کارکنان و خانواده آنها.
- ۳- تهیه محل سکونت

* کشف شبکه طرفداران بختیار توسط

شورای کارخانجات پارس الکتریک

هفته گذشته در کارخانجات پارس الکتریک، شبکه‌ای از طرفداران بختیار توسط کارگران و کارمندان کارخانه شناسایی شده و در اختیار دادگاه انقلاب قرار گرفت. این شبکه که فعلاً ۷ نفر از آنها شناخته شده‌اند از چندی پیش کم و بیش به فعالیتهایی از قبیل پخش نوارهای بختیار و اعلامیه‌های حزب ایران و چسباندن آرم حزب ایران بر در و دیوار کارخانه و پخش شایعات ضد انقلابی و... دست زده بودند و کارگران متوجه حضور آنها در کارخانه شده بودند. کارگران مبارز و آگاه پارس الکتریک در پی فرصت مناسبی بودند که این عوامل مزدور را شناسایی نموده و متلاشی سازند تا اینکه سرانجام باند خائنین توسط یکی از کارکنان که از ارتباطات مشکوک آنها خبردار شده بود، کشف می‌شود و این امر به اطلاع

کمیته و شورای کارکنان می‌رسد. شورای کارخانه بلافاصله جلسه‌ای تشکیل داده و به این موضوع رسیدگی می‌کند. این باند ۷ نفره همگی کارمند و یک فرد آلمانی نیز که از مدیران کارخانه است جز این افراد است. در میان آنان حتی صحبت از "شاخه سیاسی و شاخه نظامی" نیز بوده است. سردهسته این گروه فردی است که عضو حزب ایران است و اعلامیه‌های بختیار و ابوالفضل قاسمی را یارها به کارخانه آورده است کار این عنصر مزدور بجائی رسیده بود که در روز حمله تجاوزگرانه رژیم صدام به فرودگاه مهرآباد (۳۱ شهریور) به اطرافیان نزدیک خود شیرینی می‌دهد و می‌گوید که "کار تمام شد، عراق حمله کرده است!"

شورا پس از شنیدن اقرار صریح این شخص و دوستانش به دلیل فعالیت‌های ضد

خواست کارگران:



افزایش تولید و اشتغال بیکاران

روز چهارشنبه ۱۶ مهر ۵۹ مدیرعامل کارخانه چیت ری، از کارگران خواست تا در این روزها که برق شهر بطور متناوب قطع می‌شود و کارخانه عملاً با کمبود انرژی روبروست، ساعات کار روزانه از ۸ ساعت کار به ۶ ساعت تقلیل یابد. با وجود اینکه اغلب کارگران این پیشنهاد را پذیرفته‌اند ولی در عین حال زمزمه‌هایی در میان کارگران شنیده می‌شود که حکایت از نارضایتی آنان دارد و مضمون آن چنین است که کارگران از کاهش تولید که بدنبال کاهش ساعات کار به وجود می‌آید، ابراز ناخشنودی می‌کنند. این روحیه انعکاس این مسئله است که کارگران معتقدند که برای سرکوب تجاوز عراق و امپریالیسم می‌باید بیش از

ترجمه و نشر کتاب

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

* منتشر شد:

 <p>کمیترین و مساله جبهه متحد ضد امپریالیستی درهند</p> <p>ا. و. مارتیشین</p>	 <p>وظایف بین‌المللی حزب ما و تقویت همبستگی، وحدت نظری و پیش بسوی پیروزی‌های بیشتر لودوان</p>
--	--

توضیح

در شماره ۸۱ کار، کتاب "کمیترین و مسئله جبهه متحد ضد امپریالیستی در هند" از انتشارات سازمان معرفی شد. معرفی کتاب معروف لودوان "وظایف بین‌المللی حزب ما و تقویت همبستگی، وحدت نظر و پیشروی بسوی پیروزی‌های بیشتر" که به تازگی از طرف سازمان ما منتشر شده است، به این شماره اختصاص یافته بود که به علت تراکم مطالب در شماره آینده چاپ خواهد شد.

استقلال - کار - مسکن - آزادی

دستجات ضد انقلابی ایران در خارج کشور را بشناسید

انقلاب ایران هرچه تعمیق می یابد و هرچقدر صفوف مردم ما فشرده تر می شود، گروه ها و عناصر ضدانقلابی و مزدور امپریالیسم امریکا بیشتر رسوا شده و چهره نامردمی آنها برای مردم آشکارتر می شود. اینان که سالیان دراز مردم را می فریفتند و شیره جان آنان را می مکیدند و حکومت می راندند، هنوز در داخل و خارج کشور به فعالیت و اقدامات کثیف و جنایتکارانه خود ادامه می دهند. بسیاری از اینان از ترس رسیدگی به جنایاتی که مرتکب شده اند و ترسان از عقوبتی که در انتظارشان است، راه فرار را در پیش گرفتند و اکنون در اروپا به فعالیت ضدانقلابی خود ادامه می دهند. ما در اینجا برای آگاهی بیشتر مردم از ضدانقلابیون فراری که در خارج کشور فعالیت و برای افشای آنان، مشخصات این نیروها و صف بندی آنان را یادآوری می کنیم و از همه هواداران و نیروهای آگاه می خواهیم که در افشای گسترده این دشمنان مردم و انقلاب کوشا باشند.

۱- سلطنت طلبان قاجار
این گروه که اندک شمار می باشند، خاندان پهلوی را به بی لیاقتی و بر باد دادن سلطنت متهم می کنند. اینان احمقانه معتقدند که سلطنت به ایران بازگشتنی است و فعالیت های ضد انقلابی خود را در این مسیر سازمان داده اند.

۲- سلطنت طلبان طرفدار اشرف
اینان توسط آزاده، دختر اشرف رهبری می شوند. این گروه از حمایت بخشی از جمهوریخواهان امریکا، دولت های ارتجاعی مصر و عراق و حمایت سرمایه داران بزرگ و افسران جوان فراری برخوردارند. پس از واقعه طبس حمایت جدی امریکا از این گروه مشروط به پذیرش رهبری بختیار شده است. اکنون از نظر مادی، این گروه به حمایت مادی طرفداران اشرف در خاندان پهلوی و سرمایه داران بزرگ فراری متکی هستند. تبلیغات

این گروه به وسیله هفته نامه "ایران آزاد" انجام می شود.

۳- سلطنت طلبان طرفدار فرج-نهادندی

هوشنگ نهاوندی برجسته ترین و فعال ترین عنصر این گروه ضدانقلابی است. مرکز فعالیت این گروه پاریس بوده و نهاوندی سخنگو و هماهنگ کننده فعالیت های اجرائی این گروه می باشد. اکثر فعالین این گروه را بوروکرات های دزد و مشاورین و نزدیکان شاه تشکیل داده و از حمایت افسران عالی رتبه و امیران فراری ارتش برخوردارند. این دار و دسته در داخل ارتش ایران طرفدارانسی دارند. اینان بعد از مرگ شاه به مدت کوتاهی از حمایت بین المللی امپریالیست ها و رژیم های ارتجاعی منطقه برخوردار بودند و اکنون حمایت فعال و جدی امپریالیسم امریکا از اینان مشروط به پذیرش رهبری بختیار می باشد. این باند به اعتبار عناصری که در درون ارتش ایران دارند، می کوشند با کودتای نظامی امپریالیستی راه بازگشت خویش را هموار کنند و مرکز ثقل فعالیت خود را در این جهت گذاشته اند. این گروه بنام جبهه باصطلاح آزادیبخش ایران فعالیت خود را ادامه می دهند.

۴- جنبش آزادی ایران

این گروه از بازماندگان جبهه ملی، بخش خارج از کشور، سیاستمداران لیبرال قدیمی و جوان همانند بنی احمد نماینده سابق مجلس شاه و طرفداران او که تحت عنوان اتحاد برای آزادی ایران فعالیت می کردند و عناصری که نام جنبش خلقی برای آزادی ایران را بر خود نهاده اند، تشکیل شده است. این گروه ها که ادعا می کردند حاضر به همکاری و اعتلاف با بختیار نیستند، پس از آنکه نزیه، مقدم مراغه ای و طرفداران حزب جمهوری خلق مسلمان همکاری با بختیار را

پذیرفتند، مشت خود را باز کردند و همکاری خود را با بختیار علنی کرده و حبه واحدی به رهبری بختیار تشکیل داده اند. این گروه که با نام "جنبش آزادی ایران" فعالیت و تبلیغ می کند، با لیبرال های داخل ایران و به ویژه مهندس بازرگان و شرکاء در تماس دائم و هماهنگی کامل می باشند.

۵- جبهه ملی

این جریان به دسته های مختلفی تقسیم شده و اکثر این دسته ها همکاری با بختیار را پذیرفته و فعالانه در جهت تحقق اهداف ضد انقلابی بختیار فعالیت می کنند. در این میان ابوالفضل قاسمی، که جمهوری اسلامی ایران او را "زاد کرد" و طرفداران او تحت عنوان "مصدقیست ها" فعالیت کرده و به دنبال بختیار روان است.

۶- منفردین و سیاستمداران ضدانقلابی

این عناصر از سازماندهی و تشکل وسیع و عالی برخوردار نیستند ولی عناصری از آنان نظیر علی امینی، ارتشبد آریانا و صدیقی نقش سیاسی برجسته ای در هماهنگی سیاسی ضد انقلابیون خارج از کشور دارند. مثلاً علی امینی با اکثر گروه های ضدانقلابی خارج از کشور در تماس می باشد. اکنون به خواست امریکا در جهت هماهنگی کردن تمام نیروهای مخالف انقلاب مردم ایران فعالیت می کند. تشکیل دو کنفرانس در سوئیس که هر دو با شکست مواجه شدند، به وسیله علی امینی از جمله این کوشش هاست. در کنفرانس اخیر که حدود یک ماه پیش در سوئیس تشکیل شد، بختیار، نزیه، ارتشبد جم، صدیقی، اویسی و مدنی شرکت داشتند مسئله پذیرش رهبری بختیار از جانب اینان از موارد عمده اختلاف بود که کنفرانس ضد انقلابیون را با شکست مواجه

ساخت. مدعیان اصلی رهبری مدنی استاندار و فرمانده نیروی دریایی سابق در جمهوری اسلامی و بختیار بودند.

۷- پان ایرانیست ها

این دار و دسته ضد انقلابی و فاشیست که در ایران جایی نداشتند، در خارج نیز نتوانسته اند نیروی گرد آورند و اکنون ایده های ارتجاعی و فاشیستی خود را در هفته نامه "ملت ایران" تبلیغ می کنند.

۸- باند بختیار- اویسی

بختیار از تمام ضد انقلابیون خارج از کشور فعال تر بوده و از پشتیبانی کامل امپریالیست ها برخوردار است و در حال حاضر بزرگترین امید امپریالیست ها می باشد. این جریان از حمایت کامل امپریالیسم امریکا، بازار مشترک اروپا و سرمایه داران وابسته برخوردار است. او بارها - به ادعای خودش حداقل ۵ بار - به عراق و مصر برای سازماندهی ضدانقلاب سفر کرده است. این جریان با انتشار ۱۷ نشریه، فعالیت های ضد انقلابی خود را در خارج از کشور تبلیغ می کند. شاخه نظامی بختیارپست ها را تیمسار جانی، اویسی بعهده دارد. او بطور دائم با مقام های امریکائی و باندهای وابسته در کرمانشاه و دیگر نقاط ایران در تماس بوده و بین بغداد، واشنگتن و پاریس دائماً در حرکت می باشد. به گفته یکی از روزنامه های هامبورگ، وی در بازگشت از سفر اخیر خود به امریکا - در ماه سپتامبر - به درخواست امپریالیست ها برای رهبری ۵ هزار سرباز از ۴۰ هزار سرباز عراقی که در ۲۰ اردوی نظامی در خط مرزی ایران و عراق متمرکز شده اند به عراق رفته است. این گروه که فعال ترین نیروی ضدانقلاب ایران در داخل و خارج کشور می باشد می کوشد با تشکیل دولت موقت به رهبری بختیار و

جدا کردن و در اختیار گرفتن مناطق جنوب و جنوب غربی و استان های غربی کشور و استقرار پایگاه های در این مناطق برای سازماندهی و رهبری شورش های ضدانقلابی در مناطق فارس و بختیاری به یاری خوانین فارس و بختیاری انقلاب ایران را به زانو در آورد. این گروه با ناصرخان قشقائی و خوانین طرفدار مدنی و فتودال ها و خوانین و شیوخ منطقه ارومیه کردستان، خوزستان، کرمانشاهان و خوانین سیستانی نظیر امان اله بازان در تماس دائم می باشد. اکنون شاخه نظامی این جریان در منطقه کرمانشاهان و کردستان فعالانه کار می کند و در سیستان نیروی ۳۰۰۰ نفری از ایلداری های زحمتکش و قاچاقچیان اسلحه و اجناس را در بلوچستان پاکستان به صورت ذخیره در اردوگاه به حال آماده نگه داشته است. بر اساس طرح توطئه ای که به وسیله روزنامه هراالدترینیون در ماه سپتامبر افشاء شد و موجب دستگیری سردبیر آن گردید، قرار بوده است قبل از چهارم نوامبر (روز انتخابات ریاست جمهوری در امریکا) با راه انداختن یک جنگ و بلوا، گروگان ها آزاد شوند. افشای توطئه سبب می شود که تاریخ شروع عملیات تهاجم نظامی از خارج به ایران که اواسط اکتبر بوده، جلو بیفتد. همانگونه که تهاجم خارجی عراق را شاهد هستیم. در این طرح قرار بوده است که اقتصاد ایران در اثر این یورش فلج شود، خوزستان تجزیه گردد، سران قشقائی بر طبق قول و قرارهایی که در اواخر مرداد ماه با بختیار داشته اند، وظیفه داشته اند که مسلحانه از رسیدن نیروهای جمهوری اسلامی ایران به خوزستان بعد از تجزیه، جلوگیری کنند و به محاصره خوزستان از طرف نیروهای مهاجم و امپریالیست ها پاری رسانند و قرار بوده است همکار بختیار و رابط آن با سران قشقائی، تیمسار مدنی پس از تجزیه خوزستان از ایران، در دیگر نقاط کشور با سوء استفاده از احساسات میهن پرستی مردم و بنام "ناجی" ایران قدرت را به چنگ آورد.

بقیه از صفحه ۲۰

در حاشیه تلاش های عوامفربانه امپریالیسم امریکا ورژیم دست نشانده...

کنفرانس نیز نمی‌توانند کسانی بجز ضیاء الحق و حبیب شطی باشند. سابقه سپاه ژنرال ضیاء الحق در سرکوب مردم پاکستان و در دفاع از منافع امپریالیسم آمریکا در منطقه روشن و آشکار است.

اما حبیب شطی چه کسی است؟ او کسی است که در سرکوب کارگران و زحمتکشان تونس همدست نزدیک حبیب بورقبیه بود و به همراه او سلطه صهیونیسم بر فلسطین را نیز تأیید کرده است. شطی اولین سیاستمدار عرب بود که مذاکره با دولت صهیونیستی را تجویز کرده و خواستار روابط عادی و رسمی میان دولتهای عرب و دولت صهیونیستی اسرائیل شد. بخاطر چنین سوابق ننگینی بود که وی به سرپرستی کنفرانس اسلامی گماشته شد.

بدین ترتیب بخوبی روشن می‌شود که آمد و رفت چنین مزدورانی به میهن ما جزئی از سیاست اعمال فشار امپریالیسم آمریکا بر علیه انقلاب ایران است ضیاء الحق و شطی علاوه بر اینکه می‌کوشند دولت ایران را به سود امپریالیسم آمریکا تضعیف کنند، قصد دارند ما را جنگ افروز و متجاوز نشان دهند. ضیاء الحق با کمال بیشرمی اعلام کرده است که اگر دولت ایران پیشنهادهای عراق را برای میانجی‌گری او می‌پذیرفت، جنگ در نمی‌گرفت! او می‌خواهد در این جنگ عزاق را برحق و ما را متجاوز جلوه دهد.

دولت ایران گرچه تا به امروز رسماً میانجی‌گری ضیاء الحق و شطی را نپذیرفته است ولی از برخوردی قاطع و روشن با آنان نیز اجتناب کرده و همدستی و همسوئی آنها را با امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام افشاء نکرده است. جمهوری اسلامی ایران عملاً تفاوتی میان دغلاکارهای نمایندگان ارتجاع منطقه با تلاش‌های صلح‌جویانه دوستان واقعی ما قایل نشده است. دولت ایران تقریباً به همان گونه که با نوکران شناخته شده امپریالیسم،

ضیاء الحق و شطی روبرو شده که با دشمنان آشکارا امپریالیسم مانند وزیر امور خارجه کوبا. این امر بنفع انقلاب ایران که امروز بیش از هر زمان دیگر به حمایت دوستان جهانی خود نیاز دارد، نیست. اگر باور داریم که تجاوز عراق در دشمنی با انقلاب ما انجام شده است، اگر باور داریم که امپریالیسم آمریکا بعنوان دشمن اصلی خلقهای ما حامی این تجاوز است. باید بپذیریم که کوششهای دوستان انقلاب بسود انقلاب و تشبثات نوکران امپریالیسم به زیان مردم میهن ماست دولت کوبا و کنگره دائمی خلق عرب و دیگر نیروهای ترقیخواه جهان که امروز برای برقراری صلحی عادلانه می‌کوشند، هیچگاه از پشتیبانی خلق ما در مبارزه اش علیه امپریالیسم آمریکا دست نکشیده‌اند آنها ثابت کرده‌اند که در این پشتیبانی فقط منافع خلقهای ما و سایر خلقهای جهان را در نظر دارند از این رو باید با توجه به مضمون ترقیخواهانه کوششهای وزیر خارجه کوبا و دیگر نیروهای ترقیخواه از آنها پشتیبانی کرده و قاطعانه نمایندگان امپریالیسم، حبیب شطی و ژنرال ضیاء الحق را افشاء کنیم. اینک قدرت اردوگاه جهانی انقلاب بحدی است که امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام ناچارند روی آن حساب کنند. ما با اتکاء به چنین قدرتی که انقلاب مردم میهنمان نیز جزئی از آن است، می‌توانیم رژیم صدام را در سطح بین‌المللی رسوا ساخته و ادامه نقشه‌های توطئه‌گرانه آن را با بن بست روبرو سازیم.

انقلاب ما باید از طریق همکاری فعالانه با نیروهای ترقیخواه جهان که بخاطر صلحی عادلانه تلاش می‌کنند ماهیت تجاوزکارانه رژیم جنایتکار صدام را بیش از پیش در نزد توده‌های زحمتکش سراسر جهان افشاء کرده و نیروی عظیم آنها را در جهت اعتراض علیه اعمال فاشیستی رژیم صدام و امپریالیسم آمریکا بسیج کند.

* آیت الله ربانی شیرازی باز هم در اجرای طرح اصلاحات ارضی کارشکنی می‌کند



آیت الله ربانی شیرازی عضو شورای نگهبان در اطلاعیه‌ای بتاريخ ۲۸ مهر ۵۹ یکبار دیگر موضع خود را در قبال "طرح اصلاحات ارضی" اعلام کرد. آیت الله ربانی شیرازی در این اعلامیه نیز مثل همیشه موضعی بغایت ارتجاعی در قبال مسئله ارضی اتخاذ نمود. او گفت: "اینک که ما در برابر جنگ خائنانه رژیم سفاک بعث واقع شده‌ایم و قسمتی از مملکت گرفتار جنگ است و قهراً به کشاورزی آن منطقه خلل وارد می‌شود، وظیفه اسلامی ماست که کشاورزی را گسترش دهیم و از هرچه که موجبات اخلال آن را فراهم می‌سازد، اجتناب ورزیم".

آیت الله ربانی سپس از شرایط خطیر حاکم بر میهن و ضرورت افزایش تولیدات کشاورزی نتیجه‌ای می‌گیرد که کاملاً خلاف تقویت انقلاب و افزایش تولید کشاورزی است او می‌گوید به منظور جلوگیری از تضاد و اختلاف، واگذاری زمین به دهقانان زحمتکش را باید بطور موقت متوقف نمود آیت الله ربانی شیرازی در واقع مدافع زمین‌داران بزرگ و فئودال‌های غارتگر شده است و تلاش می‌کند از اجرای طرح اصلاحات ارضی که گامی است بنفع زحمتکشان جلوگیری به عمل آورد.

آیت الله برای اثبات این رویه ارتجاعی خود به گفته‌ها و سخنرانی‌های روحانیت مترقی و ضد امپریالیست نیز که همواره از "طرح اصلاحات ارضی" حمایت کرده‌اند، استناد می‌کند. از جمله می‌گوید:

"امام امت و بنیانگذار جمهوری اسلامی با توجه به موقعیت کنونی و جلوگیری از تضاد و اختلاف دستور فرمودند که بطور موقت مسئله واگذاری زمین متوقف شود و آیت الله منتظری هم در خطبه نماز جمعه مشروحاً در این باره صحبت نمودند."

حال آنکه ستاد مرکزی واگذاری زمین در اطلاعیه روز

چهارشنبه هفتم آبان درست به عکس استنادات آیت الله شیرازی اعلام می‌کند که: "پیرو مذاکراتی که آقایان دکتر بهشتی رئیس دیوان عالی کشور، رجائی نخست وزیر، سلامتی وزیر کشاورزی با امام امت داشته‌اند، ایشان رسیدگی امر واگذاری زمین را مجدداً به عهده آیات عظام منتظری مشکینی و بهشتی محول نموده‌اند".

و این برادران به نمایندگی از امام امت ضمن تأیید مجدد قانون مصوبه شورای انقلاب با تأکید بر دقت عمل مجریان امر خواستار ادامه کار ستاد مرکزی و هیئت‌های هفت نفره و گروه‌های تحقیق شدند."

آیت الله ربانی شیرازی نیز بارها مخالفت خود را با طرح اصلاحات ارضی که مورد تأیید روحانیون مترقی و ضد امپریالیست قرار دارد، اعلام نموده است. او در مخالفت با این طرح تا آنجا پیش رفته است که بطور فعال در کنار زمین‌داران بزرگ و سران عشایر در مقابل روستائیان زحمتکش قرار گرفته است.

چنین اقدامات ارتجاعی به ویژه در شرایط حساس کنونی می‌تواند ضربات بزرگ بر دستاوردهای انقلاب مهین ما وارد آورد. اکنون کارگران و زحمتکشان میهن در یک

جنگ مقاومت تمام عیار علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم متجاوز صدام حسین درگیرند در این شرایط شرکت هرچه فعال‌تر توده‌های میلیونی روستاها در دفاع از استقلال و آزادی میهن در گرو آنست که هرچه سریع‌تر اقداماتی در جهت بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنها به عمل آید. اجرای طرح اصلاحات ارضی از جمله این اقدامات است. اجرای طرح اصلاحات ارضی با برآوردن بخشی از خواسته‌های اقتصادی زحمتکشان روستا، آنان را هرچه بیشتر به ضرورت حفظ و تداوم انقلاب معتقد می‌سازد اجرای طرح اصلاحات ارضی خواست زحمتکشان روستاها است. این اقدام می‌تواند انرژی هزاران و میلیون‌ها دهقان، زحمتکش را بیش از پیش در راه دفاع از میهن انقلابی بسیج نماید.

باید هرچه سریع‌تر و قاطع‌تر در جهت اجرای این طرح گام برداشت. هرگونه کارشکنی در این زمینه چه از جانب آیت الله ربانی شیرازی و چه توسط دیگر مقامات و جریان‌های اجتماعی باید به سرعت در نزد توده‌ها افشاء شود.

چنین اقدامات ارتجاعی جز ضربه به دستاوردهای انقلابی کارگران و زحمتکشان میهن ثمری بیار نمی‌آورد و تنها بسود امپریالیسم تمام می‌شود.

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند—

پاسخ به هواداران

اطلاعیه هواداران منطقه کرمانشاهان

مردم مبارز کرمانشاه!

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) همانطور که در شماره‌های اخیر نشریه سراسری کار و اعلامیه‌ها و تراکت‌های متعدد خود بیان داشته است، جنگ اخیر رژیم ضد مردمی و جنایتکار عراق علیه کشور ما را جنگی تجاوز-کارانه، ضدانقلابی و ادامه توطئه‌های رنگارنگ امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم غارتگر امریکا و رژیم‌های ارتجاعی منطقه ارزیابی نموده است. سازمان ما بر اساس این ارزیابی تمامی اقشار و طبقات خلق و نیروهای مترقی و ضدامپریالیست را به مقاومت و مبارزه یکپارچه، متحد و فعال علیه تمامی تجاوزگران و توطئه‌گران تا رفع کامل همه آثار تجاوز فرا خوانده است. هم‌اکنون نیز اعضاء و هواداران سازمان ما در مناطق جنوبی و غرب کشور در فعالیت‌ها و مبارزات خط مقدم جبهه و پشت جبهه دوش به دوش دیگر، نیروهای رزمنده و هم‌میهنان مبارز گام برداشته و در این جنگ عادلانه درحد توان خویش شرکت دارند.

اخیرا در بعضی مناطق کرمانشاه اعلامیه‌هایی از گروه اشرف‌دهقانی و "اقلیت" منشعب از سازمان با آرم و نام سازمان پخش گردیده که حاوی مواضع انحرافی این گروه‌ها در رابطه با جنگ اخیر بوده و در واقع مبلغ و مروج انفعال و بی‌عملی نیروهای انقلابی در این جنگ عادلانه گشته‌اند. این موضع‌گیری‌های انحرافی انعکاس نامطلوبی در بین مردم باقی گذاشته و در ذهن بعضی اقشار نسبت به مواضع اصولی و انقلابی (اکثریت) سردرگمی ایجاد نموده و باعث مخدوش شدن حد و مرزهای ما و آنها گشته است. لذا ما یکبار دیگر اعلام می‌داریم که: سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پس از انشعاب اقلیت با صفت اکثریت متمایز شده و مسئول مواضع انحرافی و غیراصولی این گروه‌های ماجراجو و چپ‌رو نمی‌باشد و لازم است هم‌میهنان مبارز ما به این امر توجه کافی مبذول دارند.

هم‌چنین ما از همه هواداران می‌خواهیم که مواضع اصولی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) و تمایز آن با مواضع انحرافی گروه‌های اشرف‌دهقانی و اقلیت را هرچه وسیع‌تر برای توده‌های مردم توضیح دهند.

پیروزی باد دفاع قهرمانانه خلقهای متحد میهن علیه تجاوزات جنایتکارانه رژیم ضد مردمی عراق مرگ بر امپریالیسم امریکادشمن اصلی خلقهای ما هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) - منطقه کرمانشاهان

۱۳۵۹/۸/۲

مواد غذایی را ذخیره نکنید

مردم را به مصرف کمتر تشویق کنید

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

واقعی دست یابیم. ما بدون کوچک‌ترین تردید همچون شما اعتقاد داریم که سازمان ما شایستگی آن را دارد در مقام رهبری طبقه کارگر و هدایت جامعه به طرف سوسیالیسم قرار گیرد.

۴- کمونیستها می‌باید به معتقدات مذهبی و ویژگی‌های قومی، ملی و تاریخی مردم میهن خود توجه اکید مبذول دارند. ما به معتقدات مذهبی مردم خود احترام می‌گذاریم و به‌ویژه معتقدیم که توجه اصولی به این مهم، در شرایط خود ویژه جامعه "ما بسیار با اهمیت است. ما احترام به معتقدات مذهبی مردم را برای خوشامد این یا آن، مورد تاکید قرار نمی‌دهیم. برای کمونیستها احترام به معتقدات مذهبی و... یک امر اصولی است.

۵- انتقاد شما در باره درج ناصحیح و نادقیق اسامی شهدای سازمان نظامی "حزب توده ایران" بجا و پذیرفتنی است. این انتقاد در درجه اول به سردبیر "کار"، در درجه دوم به مسئول تقویم داخلی "کار" و در درجه سوم به ادیتور "کار" بر می‌گردد.

اصلی‌ترین علت این اشتباه، عدم دقت لازم به علت تراکم و فشردگی کار است. ما با سازماندهی درست تر در صدور رفع اشکالاتی از این دست هستیم.

۶- سیاست پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران بدون اتخاذ سیاست انتقاد قاطع از ناپیگیری‌ها و زلزلات این جمهوری نمی‌تواند یک سیاست متین و متکی بر منافع پرولتاریا باشد. ما بر این امر اعتقاد داریم.

تصور ما این است که درک شما از مقوله انتقاد درکی مکانیستی و غیراصولی است.

این که در درج اخبار جنگ، نارسائی‌ها و انحصارطلبی‌ها و تنگ‌نظری‌های مسئولین و مقامات جمهوری اسلامی مورد انتقاد قرار نگرفته است بصورت مطلق که در نامه شما آمده است، نادرست و غیرواقع‌بینانه است. ما توصیه می‌کنیم که شماره‌های اخیر کار و گزارشات را به‌نحو دقیق‌تری مطالعه کرده و اصولا ارگان سازمان را در کلیت آن مورد مطالعه قرار دهید. با این همه ما می‌پذیریم با در نظر داشتن وضعیت و شرایطی که جنگ بر ما تحمیل کرده و بخصوص با حفظ امانت در درج یادداشت‌های رفقا توجه بیشتری به این امر اصولی مبذول داریم و اشکالاتی را که وجود داشته مورد بررسی قرار داده و در رفع آن بکوشیم.

اعتماد و اعتقاد به سازمانتان را که از آن یاد کردید، پاسداری کنید. ما صادقانه و صمیمانه تلاش داریم شایسته این اعتماد و اعتقاد باشیم. نظرات و انتقاداتتان را برایمان بفرستید. ما به نظرات و انتقادات شما و تمامی رفقا ارج می‌گذاریم. ما می‌باید توجه مسئولانه به نقائص و اشکالات را در همه رفقا بیدار نگاهداریم. کمونیستها اصل انتقاد و انتقاد از خود را باید همواره بطور اصولی به‌کار گیرند و به آن بمثابة آن روند هستی‌ساز و شکوفان بنگرند.

حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران با دستها و مغزهای تمامی ما ساخته می‌آید.

با پرفروغ‌ترین امیدهای کمونیستی
"کار"

رفیق ب ۱۱۱ نامه حاوی انتقادات شما رسید مشکریم و دستتان را رفیقانه می‌فشاریم. هرچند در این مختصر امکان آن نیست که به پرسش‌ها و انتقادات شما به تفصیل پاسخ بنویسیم، با اینحال لازم دیدیم مختصرا اشاراتی به آنها داشته باشیم:

۱- هدف از سرمقاله ۸۱ منوجه ساختن نیروها به تلاشی عظیم برای وحدت مردم ایران در برابر تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم جنایتکار صدام بوده است. در سرمقاله کوشش بر این بوده است که اهمیت تشکیل جبهه واحد ضد امپریالیستی و ضرورت عینی آن در این مرحله از انقلاب مردم ایران مورد تاکید قرار گیرد.

بدون تردید مقوله جبهه واحد ضد امپریالیستی از چنان اهمیت تئوریک و عملی برخوردار است که تلاش عظیمی را در سازمان ما طلب می‌کند. توضیح و تعیین نیروهای شرکت کننده در این جبهه، توضیح شرایط تکوین چنین جبهه‌ای و مسئله برنامه و رهبری این جبهه همه در شمار مقولاتی است که می‌باید به دقت و به نحو عملی و عینی و بر اساس تجارب خلقهای دیگر مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. این وظیفه‌ای است که سازمان ما بطور عاجل و در آینده نزدیک باید آن را به انجام برساند.

۲- سیاست پشتیبانی قاطع از جمهوری اسلامی ایران در برابر تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم جنایتکار صدام، سیاستی منکی بر جهان‌بینی و منافع پرولتاریاست.

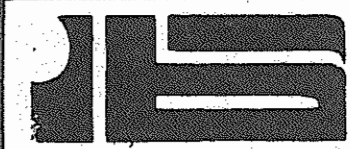
صحت این سیاست نه تنها با پرانیک میلیونی خلق ما در شرایط کنونی بلکه با پراتیک بشریت ترقیخواه در تاریخ معاصر تضمین شده است. ما عطاچه دقیق‌تر مارکسیسم-لنینیسم و تجارب جنبش‌های رهائی‌بخش را به شما توصیه می‌کنیم.

۳- زدودن انحرافات چپ و راست و تعیین خط و مرزهای روشن با اپورتونیسم چپ و راست امری تاریخی است. یعنی با درجات معینی از تکامل ما در راستای تشکیل حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران مشروط می‌گردد.

سازمان ما، هنوز سازمان جوانی است. سازمان ما خصوصا و جنبش کمونیستی ایران عموما از کاستی‌ها و بیماری‌های فراوانی رنج می‌برد. آگاهی به این حقیقت که جنبش ما هنوز عمدتا از روشنفکرانی تشکیل یافته که خاستگاه و پایگاه خرده‌بورژوازی دارند و به‌ویژه در درجه نازل آگاهی مارکسیستی-لنینیستی بسر می‌برند، ما را به درک عینی‌تری از سازمان رهنمون می‌شود. به یاد داشته باشیم که هنوز پیوندهای ما با توده‌های طبقه کارگر و توده‌های میلیونی زحمتکشان بسیار نازل و ابتدائی است.

مهم این است که درک کنیم در راستای منافع تاریخی و طبقاتی پیشروترین نیروهای اجتماعی سیر می‌کنیم. مهم این است که ما خود را در مسیر مطالبات تاریخی-طبقاتی پرولتاریا قرار داده و فداکارانه در این مسیر تلاش و مبارزه کنیم.

ما هم‌اکنون با گام‌های بلند سرفرازانه در این مسیر گام برمی‌داریم و قاطعانه مصممیم که همچنانکه سنت سازمان ما بوده است، با جنگ و دندان و "سینه‌خیز" مواضع را پشت سر گذاشته، بیماری‌ها را درمان کرده و به جایگاه رفیع یک کمونیست



سازمان در این منطقه در آن شرکت فعال داشتند. برای افشای بیشتر اهداف ضد مردمی رژیم مارکوس در احداث سد و نیز برای افشای سیاست سرکوب مزدوران دولت دست نشانده مارکوس، به دعوت حزب کمونیست فیلیپین یک گروه تحقیق تشکیل شد که رفیق احسان اله کوزهگر بعنوان یکی از اعضای فعال و برجسته در آن عضویت یافت.

فعالیت پیگیرانه فدائی خلق رفیق احسان اله کوزهگر در گروه تحقیق احترام مردم منطقه و انقلابیون کمونیست را برانگیخته بود. رفیق احسان که سعی می کرد بخوبی از مشکلات زحمتکشان روستائی مطلع شود و آنان را در مبارزه برای کسب استقلال و آزادی یاری رساند، هدفهای امپریالیستی رژیم مارکوس را برای زحمتکشان منطقه توضیح می داد و همواره تلاش می کرد مقاصد پلید رژیم مارکوس را از تبلیغات علیه انقلاب ایران برای زحمتکشان کالینگا اوپایاو روشن سازد.

فدائی خلق رفیق احسان کوزهگر در یکی از ماموریتهای انقلابی خود، روز چهارشنبه اول مرداد ماه جاری بد هنگام عبور از رودخانه چیکو نزدیک روستای تانگلاک دستخوش امواج سیلابهای رودخانه شد و غرق گردید. امروز زحمتکشان "کالینگا-آپایاو" نام رفیق احسان را بعنوان یکی از قهرمانان خود و در کنار نام رهبرشان "کلینیک" بیاد می آورند و بنای یادبودی برای زنده داشتن خاطرات او بنا نهاده اند. در این میان شعری نیز بیاد رفیق در نشریه "اوت کروپ" به زبان فیلیپینی سروده شده است.

فعالیت انقلابی پرثمر فدائی خلق رفیق شهید احسان اله کوزهگر باعث شده است تا امروز هر فرد مبارز و زحمتکش کالینگائی پیوند خلقهای فیلیپین و ایران را یک پیوند جدائی ناپذیر بدانند.

زندگی انقلابی رفیق احسان اله کوزهگر برای سازمان ما و همه انقلابیون کمونیست ایران نمونه درخشانی از وفاداری به انترناسیونالیسم پرولتاریائی به حساب می آید.

بمناسبت شهادت فدایی خلق رفیق احسان اله کوزهگر در فیلیپین

سراسر جهان سنگر

انقلابیون کمونیست علیه امپریالیسم



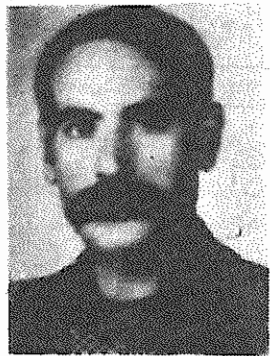
زحمتکشان روستای "تانگلاک" در نزدیکی محلی که فدائی شهید رفیق کوزهگر غرق شد، یاد او را گرامی می دارند.

مارکوس، شعله خشم مردم را دامن زد. میتینگها و نمایشات سیاسی گستردهای در اعتراض به سرکوبهای رژیم مارکوس توسط انقلابیون کمونیست فیلیپین سازمان یافت که رفیق احسان اله کوزهگر و تمامی هواداران

خود و برای حفاظت از منافع سرمایه داران وابسته فیلیپینی و امریکائی بطور وحشیانه ای به سرکوب مردم نواحی دست زد و از جمله یکی از رهبران حزب کمونیست فیلیپین را بطرز فجیعی ترور نمود. اقدامات سرکوبگرانه ارتش

سازماندهی مبارزات توده های زحمتکش منطقه با انقلابیون کمونیست فیلیپین همکاری نزدیک داشت. با گسترش مبارزات مردم زحمتکش منطقه کالینگا اوپایاو رژیم دست نشانده مارکوس، به دستور اربابان امریکائی

شهادت فدایی خلق رفیق عبدالله مرادی در پیکار علیه تجاوزگران



روشنگری داشت. تئوری را نه فقط در ذهنش بلکه در جریان برخورد با توده مردم بکار می بست و عاقبت فدائی وار در روز ۳۱ شهریور ۵۹ به هنگام کمکرسانی مورد اصابت ترکش بمب قرار گرفت و خون سرخش با خون زحمتکشان اسلام آباد عجین شد.

رفیق شهید از اعضای فعال تشکیلات پیشگام بدره ای و بخش معلمان تشکیلات اسلام آباد بوده است.

رفیق شدت یافت و فعالانه در جریان قیام شرکت نموده مخصوصاً فعالیت او در به راه انداختن اعتصاب معلمین اسلام آباد در دوران شاه چشم گیر بود. رفیق از پیروزی قیام به بعد در به راه انداختن تشکیلات پیشگام دانشسرا شرکت فعال داشته و از اعضا پرتلاش آن بود. به مردم عشق می ورزید و به زبان توده ها سخن می گفت. مطالعه زیاد یکی از خصوصیاتش بود و چون یک پیشگام واقعی با مسائل برخورد می کرد. در جریان انشعاب همواره به عنوان پشتوانه ایدئولوژیکی برای رفقای هوادار اکثریت مطرح بود و در این زمینه نقش

عبدالله مرادی ۱۳۳۳ درده بدره ای از توابع اسلام آباد غرب در خانواده ای زحمتکش متولد شد. در ایام کودکی همانند تمامی فرزندان روستاها با کار و زحمت آشنا شد. بعد از اتمام دوره ابتدائی به مدت ۴ سال تحصیلات خود را رها نمود و به کار پرداخت. بعد تحصیلات خود را به شکل شرکت در کلاسهای شبانه تا حد دیپلم ادامه داد. خدمت سربازی را در سندیج گذراند و در سال ۵۷ وارد دانشسرای راهنمایی کرمانشاه شد و در رشته ریاضی مشغول تحصیل گشت. با ورود به دانشسرا فعالیت سیاسی

شهادت فدائی خلق رفیق احسان اله کوزهگر در فیلیپین باردیگر تأکیدی بود بر این حقیقت که انقلابیون کمونیست بنا بر اعتقادات و آرمان جهانی خود در هرکجا که باشند در سنگر زحمتکشاند و دوشادوش آنان علیه امپریالیسم و رژیم های دست نشانده آن پیگیر و خستگی ناپذیر مبارزه می کنند.

شهادت رفیق ما در فیلیپین نشان داد که کمونیستها در راه رهایی خلقهای جهان از سلطه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا، صرف نظر از نژاد، مذهب و ملیت آنان پیکارجویی پیشگام بوده و در راه رهایی زحمتکشان همواره و در هرکجا آماده اند که جان خود را نثار کنند و با خون خود پیوند خلقهای سراسر جهان را در پیکار برای نابودی امپریالیسم و تحقق سوسیالیسم تحکیم بخشند.

فدائی خلق رفیق احسان اله کوزهگر، از دانشجویان ایرانی مقیم خارج و یکی از هواداران فعال و مصمم سازمان ما در فیلیپین بود. او در معرفی انقلاب ایران و مواضع سازمان ما به مردم فیلیپین نقش فعالی برعهده داشت و برپایه رهنمودهای انترناسیونالیستی سازمان در تحکیم پیوند خلقهای ایران و فیلیپین مجدانه تلاش می کرد. همکاری رفیقانه و مبارزه مشترک او با انقلابیون کمونیست فیلیپین علیه امپریالیسم امریکا و رژیم دست نشانده اش، مارکوس نمونه درخشانی از درک عمیق وظایف انترناسیونالیستی او و سازمان ما است.

بدنیال تصمیم رژیم سرسپرده مارکوس برای تاسیس سدی بر رودخانه چیکو به منظور گسترش مزارع سرمایه داران وابسته فیلیپینی و شرکتهای امریکائی که به بهای بی خانمانی و آوارگی هزاران خانوار روستائی و زحمتکش منطقه کالینگا آپایاو تمام می شود، انقلابیون کمونیست فیلیپین در سازماندهی اعتراضات توده ای دهقانان این نواحی به تلاش عظیمی برخاستند. رفیق احسان اله کوزهگر در مبارزات زحمتکشان این منطقه فعالانه شرکت کرد و در

مردم میهن ما تا قطع کامل سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

گزارشی از شرکت در جهاد سازندگی

باید آنجا رفت که مردم هستند

دیروز، در جهاد سازندگی شرکت کردیم
بارهنمود سازمان امروز، با سربلندی آنچه را که آموختیم،
در صفوف مقاومت زحمتکشان بکار می‌گیریم.

تابستان آخرین روزهای خود را سیری می‌کرد. پاییز فرا می‌رسید. نشانه‌های بارش می‌شد دید: خورشید که در کرانه افق، پس از تقلا با تاریکی شب، خسته و با وقار بر پایه ستون‌های عظیم و با ریحی سوز به ساختمانهای بلند شهر تکیه میداد. درختها رردی می‌زدند و بچه‌های کوچک آخرین روزهای تعطیلی تابستانشان را در کوچه‌های تنگ با ولع سیری می‌کردند.

صبح چهارشنبه است. آسمان آبی و صاف بنحو غنچه‌ی شادی آور است. تنها دو کپک کوچک ابر آبی یکدست آن را منجوق کاری می‌کنند. کپه‌های ابر سفید و سیکال در شیب ملایم افق سر درپی هم، نرم می‌لفزند گاهی به شکل اسبی یورتمه - زو درمی‌آید، حال شکل شیری خفته بخود می‌گیرند، لحظه‌ای بعد ادای یک بابای ریش سفید را درمی‌آورند. آفتاب که تن پاکیزه‌اش را سنگین و هموار به وسط آسمان می‌کشد گوئی بر آنها لیخند می‌زند.

به دماوند نزدیک می‌شویم حدود ۴۰ نفریم. از طرف جهاد سازندگی قرار است زمین‌های بنیاد مستضعفین را در یکی از دهات دماوند درو کنیم. صبح از مسجد راه افتادیم. من و رفیقم بنا به رهنمود سازمان در این برنامه شرکت کرده‌ایم. بچه‌ها اکثرا مذهبی‌اند. تا به مقصد برسیم، کلی با هم سرود خواندیم. کلی هم صحبت کردیم. از جهاد، از برنامه‌هایش، از هدفهایش، اینکه چطور می‌شود کارها را بهتر پیش برد، از تاثیر کارهای جهاد در انقلاب مردم و از خیلی چیزهای دیگر. بچه‌ها خیلی‌ها شان از هدفهای جهاد بخوبی اطلاع نداشتند. اما شور و احساساتشان اندازه نداشت با فداکاری تمام می‌خواستند به مردم میهنشان خدمت کنند. قلبهای پاکشان با قلبهای مردم می‌طپید. این را بخوبی می‌شد فهمید. چندتا زن مسن هم با ما بودند. بعضی‌ها شان خیلی قشری بودند.

برنامه درو صبح تا ساعت ۱۲ و بعد از ظهر از ساعت ۳ تا ۶ بود. بین ۱۲ تا ۳ هم وقت استراحت و صحبت داشتیم. زمینی که می‌بایست درو می‌شد، خشک و پر خار بود. کار برای بچه‌ها زیاد ساده نبود. عادت نداشتند.

خیلی‌ها اظهار خستگی می‌کردند. خستگی ادیت می‌کرد. این یک واقعیت بود اما وقتی که برای چند لحظه کمر راست می‌کردی و به انقلاب و به تجاربی که این کار به همراه می‌آورد، می‌اندیشیدی، وقتی که برای چند لحظه به کوه‌ها نظاره می‌کردی که کشیده و سفت با عضلات بیرون جهیده محکم ایستاده‌اند، انگار که هزارها کیلومتر در زمین ریشه دوانده‌اند، وقتی که می‌دیدی چطور با نوک تیزشان به سمت نور، به قلب آسمان هجوم می‌برند، آنوقت بیکباره سراپا انرژی کار می‌شدی، تمام بدن کشیده می‌شد، داس را توی دستت می‌فشردی، سفت می‌ایستادی و به هر وسیله سعی می‌کردی به بچه‌ها روحیه بدهی.

تا ساعت ۱۲ کار کردیم. بعد از ناهار در وقت استراحت رفتیم سراغ چادری که دامداران همان منطقه برپا کرده بودند. خود دامدارها آنجا بودند. وارد شدیم، سلام کردیم. به گرمی جواب سلاممان را دادند. قیافه‌هایشان خیلی شکسته بود. جای پای آفتاب داغ، زمستان‌های سرد و بوران و برف را در شیارهای عمیق چهره‌هایشان بخوبی می‌دید. خیلی مهربان بودند. راحت و ساده از آرزوهایشان برای ما گفتند. گفتند که:

"هدف ما از انقلاب این بوده که دنیا امن و امان بشه حق ما رو بدن" و گفتند که:

"باید بما زمین بدن! باید زندگیمان تامین بشه" از اینکه دولت تا حالا کمتر توجهی بهشان کرده بود دلخور بودند. از انقلاب خیلی بیشتر از اینها انتظار داشتند. حرفهایشان زنده بود. از خود زندگی بلند می‌شد. خیلی ساده اما دلنشین. همه چیز را زنده بیان می‌کردند. این برای ما خیلی چیزها داشت. این سادگی و حیات! همه

حرفهایشان کلمه به کلمه تا اعماق وجود می‌رفت، پوست را سوراخ می‌کرد، گرمی می‌گرفت، غلت می‌خورد، می‌چرخید، خون می‌شد و توی رگهای آدم به قلب و مغزش می‌رسید. همه حرفشان مردم را، زحمتکشان روستا را، زنده آنطور که هستند، به اعماق جانمان رسوخ می‌داد.

"باید زندگیمان تامین بشه! باید دنیا امن و امان بشه! باید..."

حالا می‌فهمیدیم چرا سازمان رهنمود می‌داد که: "برای شرکت در کار و زندگی توده‌ها، برای شرکت هرچه فعال‌تر در انقلاب و مبارزه مردم در جهاد سازندگی شرکت کنید" - حالا می‌فهمیدیم که باید هرچه نزدیک‌تر به زندگی پیش‌رفت هرچه بیشتر به میان مردم رفت، باید به آنجا رفت که مردم هستند. از این راه خیلی بهتر می‌توان آنها را شناخت. آگاهی را به میانشان برد و در برابر دشمن غدار، امپریالیسم خونخوار، دشمن اصلی همه زحمتکشان، مجبور و متشکشان کرد. حرف آن فیلمساز شیلیایی بخاطر آمد که:

"تفاوت بسیار هست میان کسی که از بالای بالکن برای مردم حرف می‌زند و کسانی که با مردم و در میان مردم کار می‌کنند..."

رابطه‌مان با دامدارها نزدیک و صمیمی می‌شد. با دقت به حرفهایشان گوش می‌دادیم، دگرگون می‌شدیم. ما هم صحبت‌هایی کردیم. از روزهای خوب و از آینده روشن حرف زدیم. گفتیم که: "اگر نارسائی هست باید برطرفش کرد. باید برای ادامه انقلاب مبارزه کرد. باید با آمریکا و همدستانش جنگید. باید با محاصره اقتصادی و حمله نظامی مقابله کرد. باید به آینده نگاه کرد. اگر امپریالیسم روزی نابود بشه، اگر ریشه‌اش از ایران کاملاً کنده بشه، که میشه، اون روز توی این

مملکت دیگه از سرمایه‌دار و زمین‌دار بزرگ، از چپاول و غارت اثری باقی نمی‌مونه. اون روز همه مردم شاد و شرافتمندانه زندگی می‌کنن" - آره! اونموقع ما هم بیشتر شیر و پنیر تولید می‌کنیم تا شهری‌ها مجبور نباشند آشغال‌های آمریکائی و اروپائی را بخورن و فکر کنن خوبه...

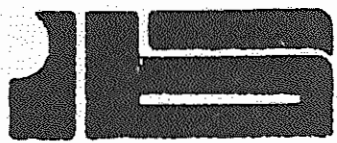
به آنها نزدیک و نزدیکتر می‌شدیم. این برای ما تجربه بزرگی بود. حالا نسبت به گذشته یک گام به مردم نزدیک‌تر شده بودیم. آنها را بهتر می‌شناختیم. ما با آنها بهتر می‌توانستیم رابطه برقرار کنیم. حالا می‌فهمیدیم که چرا سازمان توصیه می‌کرد: "به جهاد سازندگی بروید..."

تا حالا روز پرکاری را پشت سر گذاشته بودیم: آشنائی با بچه‌های جهاد، کار درو، بعد صحبت با دامدارها اما هنوز تازه نصف روز گذشته بود. تجربه بزرگ‌تر پیش رویمان بود. یکی از بچه‌های مذهبی گروه می‌دانست که ما هواداران سازمان هستیم. برای اینکه سوء تفاهمی پیش نیاید باید این موضوع را به بچه‌های دیگر هم می‌گفتیم. با رفیق دیگر عقلمایمان را رویهم ریختیم. به این فکر می‌کردیم که ممکن است این کار به همکاری و وحدت و صمیمیتی که تا این لحظه توانسته بودیم با دوستان مذهبی‌مان برقرار کنیم، خدشهای هرچند کوچک وارد کند. برای خود ما اصلا مسئله‌ای نبود. ما خوب می‌دانستیم که اگر همه ما، همه زحمتکشان، همه جریان‌های ضد امپریالیست با ایدئولوژی‌های مختلف با هم متحد شویم، آمریکا شکست می‌خورد. حتما هم شکست می‌خورد و گرنه... نه! اصلا ما ترجیح می‌دادیم که اگر می‌توانستیم به هیچ‌وجه مسئله را طرح نکنیم. چون ممکن بود حتی اگر یک‌دوره هم که شده، روی رابطه بعضی از دوستانمان با ما تاثیر بگذارد

ما این را نمی‌خواستیم. ما نمی‌خواستیم حتی یک‌دوره هم که شده اختلافات فرعی بر همکاری صمیمانه‌مان سایه بیفکند. اما به تبلیغات وحدت‌شکنانه می‌اندیشیدیم. به برنامه‌های مطبوعاتی و رادیو - تلویزیونی تفرقه - افکنانه کسانی فکر می‌کردیم که تنها خود را ضد امپریالیست می‌دانند و... فکر می‌کردیم نکند حتی یک‌دوره هم که شده...

به هر حال وضعیت ایجاب می‌کرد که بگوئیم. گفتیم! بعضی از بچه‌ها ماتشان بُرد! موضوع برایشان غیر مترقبه بود. خیلی‌ها کنجکاو شده بودند و بعضی‌ها هم خیلی کم، خوب، گاهی چپ چپ نگاهمان می‌کردند! ولی ما تصمیم داشتیم، خیلی هم سفت و سخت تصمیم داشتیم که اتحاد صمیمانه جمع را هرچه بیشتر تقویت کنیم. باید همین‌جا در همین نمونه کار جمعی نشان می‌دادیم که همه ما خواهان آزادی و استقلال میهن هستیم، پس ما می‌توانیم و باید دوش به دوش و پشت به پشت هم مشکلات را از سر راه برداریم. در این تردید نیست. ما باید با عمل خود در همین نمونه کار مشترک با مذهبیین ضد امپریالیست و بعد در هر کجا که می‌توانستیم به پیروی از سازمان پرچم وحدت همه دشمنان امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا را برافرازیم.

جلسه بحث بعد از ناهار که تمام شد، دوباره به سراغ زمین‌ها رفتیم. سنگینی نگاه‌ها را می‌توانستی حس کنی. بعضی کنجکاو، بعضی ناباور و تعداد کمی مسموم از تبلیغات دروغین علیه انقلابیون وحدت‌شکنانه... تحت تاثیر تبلیغات وحدت‌شکنانه که تنها خود را ضد امپریالیست می‌دانند، بودند. احساسات خصمانه آنها برای ما ناگوار بود اما وقتی به سرنوشت انقلاب اندیشه می‌کردیم، برای حفظ دستاوردهای انقلاب مردم و ادامه انقلاب مردم، بیش از پیش مصمم می‌شدیم که در راه وسیع‌ترین اتحادها در گسترده‌ترین سطوح پیگیرانه تلاش کنیم. برای اتحاد عظیم نیروهای استقلال و آزادی و ترقی اجتماعی، بدور از هر تنگ نظری بدور از هر خودخواهی متوجه بودیم که چه مبارزه عظیمی در پیش داریم. بقیه در صفحه ۱۴



هر فدائی یک گزارشگر انقلابی

سخنی کوتاه با رفقای هوادار

بقیه از صفحه

الف- گزارش تبلیغی می‌بایست صد در صد موشق و مبتنی بر فاکت‌های عینی باشد. گزارش‌هایی که بخشی از آن نادرست و یا صرفاً استنباط گزارشگر است علاوه بر تاثیر منفی بر توده‌ها، سوزده مناسبی برای تبلیغات عوام‌فریبانه لیبرال‌ها و دیگر نیروهای ضدکمونیست است.

ب- گزارش می‌بایست ضریب تاخیر بسیار کوتاهی داشته باشد و بلافاصله پس از وقوع هر حادثه تهیه و ارسال شود. گزارش‌های کهنه یا غیرقابل استفاده است و یا قدرت تاثیرگذاری بسیار اندکی دارد.

ج- گزارش می‌بایست بسیار کوتاه و به اصطلاح "جامع و مانع" باشد. در گزارش‌های تبلیغی می‌بایست از تکرار جملات و اصطلاحات و مفاهیم تکراری بشدت اجتناب نمود. رعایت این امر به‌ویژه برای نشریه ما که هفتگی است، ضرورت دارد.

د- همراه کردن گزارش‌ها با عکس. تاثیر گزارش را به نحو قابل توجهی بالا می‌برد. عکس‌ها می‌بایست گویا و کاملاً در رابطه با موضوع مورد بحث باشند. عکس‌های ارسالی برای کار حتماً باید سیاه و سفید باشد.

ه- پاره‌ای از گزارشات به‌گونه‌ای است که حتماً می‌بایست با آمار، طرح‌ها و دیاگرام‌ها همراه باشد. درچنین گزارش‌هایی شکل ارائه و پرداخت دیاگرام‌ها و جداول اهمیت ویژه‌ای دارد.

و- انتخاب تیترو، سوتیتروها، لید مناسب، همچنین و در صورت لزوم شعار مناسب برای گزارش‌های تبلیغی بسیار مهم است. به‌ویژه انتخاب تیترو مناسب که نقش ویژه‌ای در جلب توجه و انگیزش خواننده دارد، از اهمیت برخوردار است. تیترو می‌بایست تازه، بیان‌کننده مضمون مقاله و برانگیزاننده باشد.

ز- در تهیه و تنظیم یک گزارش، مکان سوزده، تاریخ وقوع حادثه‌ای که مضمون گزارش را تشکیل می‌دهد (زمان سوزده)، ذکر دقیق اسامی افراد و مکانها باید کاملاً رعایت شود.

ح- گزارش‌ها می‌بایست خوانا، منظم و با خودکار و در یک‌طرف کاغذ نوشته شود.

در فرصت‌های مناسب دیگر بازهم در این مورد با شما سخن خواهیم گفت. در انتظار دریافت گزارشات شما هستیم.

نشان دادن پیروزی‌های شگرف کشورهای سوسیالیستی و دستاوردهای عظیم آن و نیز با نشان دادن قهرمانی‌ها، جانبازی‌ها و فداکاری‌های کمونیست‌ها، این تبلیغات گسترده امپریالیسم، بورژوازی و خرده بورژوازی را خنثی سازیم. توجه به عنصر ضد تبلیغ در گزارش‌های تبلیغی می‌بایست پیوسته مورد توجه ما باشد.

در مقاله بحران مسکن بیداد می‌کند - کار ۶۶- با توجه به این عامل می‌بایست در مقایسه وضعیت مسکن با کشورهای سوسیالیستی به یک اشاره کوتاه اکتفا نکرد و وضعیت مسکن در کشورهای سوسیالیستی را بیشتر شرح می‌دادیم. این نکته در مورد برخی دیگر از گزارشات چاپ شده نیز صادق است.

۷- فرم گزارش

انتخاب بیان مناسب برای گزارش نقش فراوانی در میزان تاثیر گذاری آن دارد. در یک گزارش تبلیغی که ضرورتاً برای توده‌های مردم نوشته می‌شود، واژه‌ها و کلمات، جملات، تیترو و... همگی می‌بایست به‌گونه‌ای متناسب با سطح آگاهی توده‌ها انتخاب شوند. انتخاب واژه‌های نامانوس و صرفاً روشنفکرانه، استفاده از جملات شکسته و ناقص، درهم ریختن افعال و ضمائر ممکن است یک گزارش را که دارای مضمونی بسیار عالی است و از روایای بسیار مناسب مورد توجه قرار گرفته است، کاملاً بی‌اثر نماید. در این مورد رفقا می‌بایست بطور جدی از کلمات تکراری، واژه‌ها و ترکیبات کلیشه‌ای و خسته‌کننده و جملات شعارگونه احتراز نمایند. آشنائی با فرهنگ توده‌ها (فولکلور) استفاده بجا و مناسب از ضرب‌المثل‌ها و اشعار توده‌ای که کاملاً برای مردم آشنا هستند، می‌تواند برد تبلیغی یک گزارش را دوچندان کند. در این رابطه مطالعه ادبیات توده‌ای و آثار آن دسته از نویسندگان ایرانی را که بیانگر چنین فرهنگ و آداب و سنتی هستند، به رفقای هوادار توصیه می‌کنیم.

علاوه بر مسائل فوق، همچنین می‌بایست در تهیه گزارش تبلیغی موارد زیر را نیز دقیقاً رعایت نمود:

لاجرم باید این موضع در گزارش‌ها و اساساً تبلیغات ما نمود یابد. ولی بایستی توجه داشت که بعد طبقاتی و جنبه پرولتری گزارش بدین معنی نیست که در گزارش‌های تبلیغی خود به تکرار بی‌رویه نام کارگر یا توده بپردازیم. امری که در تبلیغات جریان‌ات خط ۳ و ۴ به وضوح نمود دارد چنین تبلیغاتی که نمود بارز انقلابی‌گری خرده-بورژوازی است بعکس ظاهر "کارگری و طبقاتی" خود هیچگاه نمی‌تواند در خدمت اهداف انقلابی طبقه کارگر قرار گیرد. در برخی گزارش‌هایی که رفقا برای ما فرستاده‌اند، هر دوی این-انحرافات یعنی عدم توجه به بعد طبقاتی و موضع پرولتری سازمان و تکیه یک‌جانبه یا بی‌رویه بر نقش کارگران به چشم می‌خورد. ما در تمامی عرصه‌های فعالیت خود منجمله در عرصه تبلیغ توده‌ای پیوسته از موضع پرولتاریا و زحمتکشان حرکت می‌کنیم و پیوسته "بیانگر آتشین مقاصد توده‌ها" خواهیم بود.

۵- تبلیغ برنامه حداقل سازمان:

تبلیغ برنامه حداقل سازمان که فی الواقع بیان برنامه و خواست پرولتاریا در برابر دیگر نیروها و طبقات اجتماعی است، در گزارش‌های تبلیغی می‌بایست مکان برجسته‌ای داشته باشد. رفقای گزارشگر در گزارش‌های تبلیغی خود آنجا که ضرورت دارد (و نه الزاماً در هر گزارشی) در مضمون گزارش و یا به شکل مشخص می‌بایست به ارائه برنامه حداقل کمونیست‌ها مبادرت نمایند. می‌بایست علاوه بر نشان دادن چهره واقعی لیبرال‌ها، علاوه بر نشان دادن نوسانات، تزلزلات و ناپیگیری‌ها و دودلی‌های خرده‌بورژوازی پیوسته سیاست و برنامه سازمان را تبلیغ نمایند. ارائه برنامه حداقل سازمان در پیوند با حوادث مشخص روزمره و مسائل ملموس و عینی بیشترین برد توده‌ای را دارد. نمونه جالبی از گزارش‌های تبلیغی که در آن برنامه حداقل سازمان بخوبی و بگونه‌ای مناسب ارائه شده بود، مقاله نارسائی‌های مراکز درمانی و مشکل زحمتکشان - کار ۷۱- بود. گزینش چنین شیوه‌ای در واقع جلوه‌بارزی از کاربرد سیاست مستقل پرولتری در تبلیغات سیاسی است.

۶- ضد تبلیغ در تبلیغات توده‌ای:

بورژوازی با صرف هزینه‌های نجومی با استفاده از هزاران مؤسسه تبلیغی و آموزشی و با بهره‌جویی از همه امکانات فنی و تکنیکی سالهاست که می‌کوشد تبلیغات عوام‌فریبانه‌ای را علیه کمونیست‌ها و اردوگاه سوسیالیسم و جنبش‌های آزادبخش گسترش دهد. آنها با سوء استفاده از عواطف توده‌ها که توسط امپریالیست‌ها و دولت‌های وابسته در جهل و عقب‌ماندگی نگاهداشته شده‌اند، سعی دارند کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی و کشورهای سوسیالیستی را به‌گونه‌ای زشت، غیرانسانی و... جلوه دهند. آنها سالهاست که سعی دارند اراجیفی از قبیل اشتراکی بودن زنان، وجود فقر و فاقه در کشورهای سوسیالیستی، عدم آزادی اجتماعی و مذهبی، وفور بی‌بند و باری و... را در این کشورها تبلیغ نمایند. ما می‌بایست در هر آنجائی که مناسب است با ارائه تصاویر درست و واقعی از کمونیسم و کشورهای سوسیالیستی، با



باشکرت در

تظاهرات روز سه‌شنبه

★ دومین سالگرد ۱۳ آبان روز دانش‌آموز

★ اولین سالگرد تسخیر مرکز جاسوسی امپریالیسم آمریکا را گرامی بداریم

اتحاد خود را در برابر امپریالیسم آمریکا ورژیم

جنایتکار و تجاوزگر صدام حسین مستحکم‌تر سازیم

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

پخش ۱۱ آبان ماه ۱۳۵۹



روستائیان زحمتکش از استقلال میهن دفاع می کنند

دسته دسته و گروه گروه مردم زحمتکش برای اعزام داوطلبانه به مرز و سرکوب ارتش متجاوز رژیم صدام حسین به واحدهای "بسیج" مراجعه می کنند و آمادگی خود را اعلام می نمایند. روستائیان زحمتکش در بسیاری از شهرستانها جزء اولین کسانی بودند که از دهات دور و نزدیک به مراکز "بسیج" مراجعه نموده و خواستار اعزام به جبهه می شدند. واحدهای "بسیج" که از داوطلبان ثبت نام می نمودند، پر بود از روستائیان زحمتکشی که با عشق و علاقه به انقلاب و نفرت از دشمنان انقلاب خود را برای جنگ با رژیم متجاوز صدام حسین آماده می نمودند. در یکی از واحدهای "بسیج" در اراک، دهقانی با حدود ۵۰ سال سن و هفت سرعائله می گفت:

"من آمده ام که هرچه زودتر منو بفرستن مرز تا با دشمنان انقلاب و میهن بجنگم. اگر اینا نفرستن، با هر وسیله ای که پیدا کردم، خودم را می رسانم خرمشهر"

روستائی دیگری می گفت:

"بابا! حالا که جای بحث و حرف زدن نیست، باید همه ما با هم متحد شویم و دشمن را نابود کنیم." استقبال بی نظیر روستائیان زحمتکش برای اعزام به جبهه های جنگ عادلانه میهن، یکبار دیگر نشان داد که تنها زحمتکشان با تمام وجود از دستاوردهای انقلاب پاسداری می کنند. روستائیان زحمتکش نشان دادند که هر زمان لازم باشد چون تنی واحد به دفاع از استقلال و آزادی میهن تا پای جان می کوشند.

می فهمیدیم که در این راه ناملایمات بسیار است. همانگونه که تاکنون بوده است. تهمت و افترای بی شرمانه، دروغ و جعل حقایق و... اما برای کمونیست های واقعی آنچه مهم است، سرنوشت انقلاب زحمتکشان است. پس باید مصمم بود، باید پر خروش بود، باید مصمم، پر خروش و متحد بود. باید که بتوان تمام خشم زحمتکشان میهن را بر قلب چرکین امپریالیسم جهانی، امپریالیسم امریکا باریدن گرفت، باید با نیروی اتحاد خلق، دشمنان استقلال و آزادی میهن را درهم شکست و به نابودی کشاند.

آن روز سازمان به هواداران رهنمود می داد که برای شناخت عمیق زندگی مردم، برای تحکیم وحدت همه نیروهای ضدامپریالیست و ترقیخواه در جهاد سازندگی شرکت کنیم. از آن روز بیش از دو ماه می گذرد. امروز سرتاسر میهن سنگر سترگ مقاومت است. امروز در کرانه های تفته عمان، حماسه های عظیم بیاست. امروز شراره های خون خلق بر خاک داغ قصر شیرین و نفت شهرستاره های سرخ می نشاند امروز از آزارات تا تفتان، از خزر تا سواحل خلیج از شط شکوهمند اروند تا هزار مسجد و آلا داغ، سنگر به سنگر، صف در صف زحمتکشان به مقاومتی تا پای جان برخاسته اند. امروز بار دیگر سازمان ندا در می دهد:

آفتاب داغ... زمین تفتد... خار... گندم... خستگی... تلاش... کار جمعی... کوشش مشترک... از خودگذشتگی و صمیمیت و اتحاد.

ما توانستیم در جریان کار رابطه خوبی با دوستان مذهبی برقرار کنیم. کنجاوی ها، ناپاوری ها... همه جای خود را به احساس صمیمیتی متقابل داد. صمیمیتی که در کوران یک روز کار مشترک برای حفظ دستاوردهای انقلاب شکل می گرفت تا در عرصه های دیگر مبارزه هرچه آبدیده تر شود.

در راه بازگشت، تا به تهران برسیم، کلی با هم سرود خواندیم. سرود "بهاران" هم خوانده شد. ساعت ۸ شب با یکدیگر تجربه به مسجد رسیدیم.

"برای دفاع از انقلاب، برای تحکیم انقلاب، برای تداوم انقلاب باید که در صف بسیج، همراه با سپاه، در میان زحمتکشان، سرود سرخ مقاومت بر لب، بکار می گیریم. بی شک پیروزی از آن خلق کبیر ماست.

بقیه از صفحه ۸

دستجات...

مقاومت مردم و افشاگری نیروهای انقلابی در داخل و دانشجویان ایرانی مقیم خارج به ویژه فرانسه، تاکنون این توطئه را با شکست روبرو ساخته است. اکنون باند ضد انقلابی بختیار-پالیزبان در داخل و خارج کشور از تهاجم ضد انقلابی عراق در تمام عرصه ها فعالانه حمایت کرده و بفتح رژیم صدام فعالیت می کنند و از امکانات

تربییون های دولتهای امپریالیستی بر علیه انقلاب ایران بهره برداری می کنند. وظیفه تمام نیروهای انقلابی در خارج کشور به ویژه دانشجویان ایرانی و هواداران سازمان می باشد که در جهت افشای هرچه بیشتر این گروه های ضدانقلابی فعالانه کوشیده و اطلاعات خود را برای افشاگری بیشتر در اختیار سازمان قرار دهند.



ما از طریق این روزنامه از مسئولین وزارت کشاورزی می خواهیم که با یک برنامه انقلابی از کشاورزان پشتیبانی کنند.

چند مدتی تعدادی از اهالی به علت تعصب مذهبی جرف آیت الله شریعتمداری را قبول می کنند ولی تعداد زیادی از اهالی به علت ستمی که از آن فتوادل کشیده بودند با هم متحد شده و قسمتی از زمین های آن فتوادل را می گیرند و بین خود تقسیم می کنند. ولی باز به علت نبودن وسایل کشاورزی از کشت و کار کردن بازمی مانند ما از طریق این روزنامه از مسئولان مربوطه می خواهیم که با یک برنامه انقلابی از کشاورزان پشتیبانی کنند تا با کشت و کار بتوانیم در برابر تحریم اقتصادی امپریالیسم امریکا و متحدانش ایستادگی کنیم.

با درود فراوان

نامه ای از روستائیان زحمتکش ساوه به «کار»

من این نامه را بخاطر مبارزاتی که اهالی قریه "قاسم آباد" از توابع زرد ساوه برای گرفتن زمین های فتوادل معروف منطقه انجام داده اند می نویسم بعد از پیروزی انقلاب ضدامپریالیستی کشورمان که به نابود شدن سرمایه داران بزرگ منحرفند، اهالی قریه "قاسم آباد" برای اینکه سالیان دراز در زیر یوغ و ستم و استثمار فتوادل های آن منطقه بودند اقدام به گرفتن زمین های فتوادل معروف آن منطقه بنام "حاجی نعمت الله" می کنند. زمین هایی که مال خودشان بود، زمین های که فتوادل های منطقه به وسیله زور از آنها گرفته بودند. بعد از چند روز اهالی قریه همه با هم و متحد زمین های "حاجی نعمت الله" (البته قسمتی از زمین هایش) را گرفته و بین خود تقسیم می کنند. وقتی "حاجی نعمت الله" از قضیه باخبر می شود

به قریه "قاسم آباد" می آید تا با آنها صحبت کند. آن فتوادل مودی و حيله گر کم می دانست از چه راهی وارد شود. می گوید "اگر شما اسلام را قبول دارید، بیائید برویم پیش آیت الله شریعتمداری تا هرچه او گفت ما انجام دهیم" اهالی ده که هنوز نمی دانستند آیت الله شریعتمداری پشتیبان سرمایه داران و زمین داران بزرگ است، به پیش شریعتمداری می روند. به پیش کسی می روند که خود دوست سرمایه داران و زمین داران است. بعد از ورود به محضر محترم آن جناب، آیت الله که دیگر ماهیتش برای خیلی از خلق های تحت ستم روشن شده است، جواب می دهند که گرفتن آن زمین ها حرام است و کشت و کار هم در روی آن زمین ها حرام است. اهالی قریه از شنیدن این جواب مات و مبهوت به قریه باز می گردند. بعد از

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

از یاد داشت های فدائیان خلق

مجروحی فریاد می زند - مرا به جبهه بفرستید، سنگری خالی است

۲۱ مهر ۵۹



گروه ما شامل جراح عمومی، جراح مغز و اعصاب، ارتوپدی (جراح استخوان)، متخصص بیهوشی، متخصص گوش و حلق و بینی، نرس اتاق عمل، تکنسین بیهوشی، تکنسین اتاق عمل و تکنسین آزمایشگاه بود. ما پس از رهنمود سازمان مبنی بر شرکت در پیکار مقدس خلق در دفاع از میهن انقلابی، تصمیم گرفته بودیم برای کمک به مجروحین جنگ به جبهه برویم.

تلاش ما برای عزیمت به آبادان از طریق هلال احمر تهران به نتیجه نرسید و به ناچار با یک اتوبوس عازم آبادان شدیم. می گفتند منطقه جنگی است کسی امنیت شما را تضمین نمی کند. گفتیم: ما برای تضمین امنیت و جان به اینجا نیامده ایم، آمده ایم به مردم میهنمان کمک کنیم.

در طول راه کرارا از طرف مقامات نکاتی تذکر داده می شد که از رفتن به طرف آبادان خودداری کنید با عزمی راسخ برای پیوستن به زحمتکشان قهرمان میهنمان در شهرهای جنگ - زده خوزستان به راه خود ادامه دادیم. راه اهواز - آبادان بسته بود لذا ما از راه فرعی ماه شهر به طرف آبادان حرکت کردیم. در طول مسیر دو هواپیمای عراقی به یک ستون نظامی که عازم آبادان بود، حمله کردند. هواپیمای عراقی در چند متری اتوبوس ما به وسیله یک فانتوم نیروی هوایی مورد اصابت گلوله قرار گرفته و آتش گرفتند.

۲۲ مهر ۵۹

از شهر آبادان هیچ چیز باقی نمانده بود. خانه های مسکونی ویران شده، ماهیت ددمنشانه جنایتکاران عراقی را رسوا می ساخت و شعله های

دود و آتش از پالایشگاه به آسمان سر می کشید. مردم اعیان نشین دسته دسته سوار بر کامیون هایی که هر کدام را بالغ بر ۳۰ هزار تومان اجاره کرده بودند هراسان از شهر جنگ زده آبادان خارج می شدند. زحمتکشان مبارز با قیافه های تمسخرآمیز و خشم آلود آنها را نگاه می کردند. زحمتکشان قهرمان آبادان مصمم بودند همچنان شهرشان را مانند دژ مستحکم و غیرقابل نفوذ انقلاب، استوار و پایرجای نگهدارند. آنها تمام جدول های کنار خیابان ها و جلوی خانه هایشان را تبدیل به سنگرهای کرده بودند تا سینه مزدوران رژیم متجاوز صدام را گلوله باران کنند. در هر سنگری تعدادی از جوانان و نوجوانان در حالیکه قبضه سلاح های خود را در مشت می فشردند، نشسته بودند. آنها در این لحظات به فدائیان عراقی می اندیشیدند که در میان دستان پرتوانشان ایران خالی از ظلم و ستم و استعمار بنا خواهد شد. هواداران سازمان که در کندن سنگرها و دفاع از شهر نقش برجسته ای دارند، آماده بودند تا آنچنانکه شایسته یک فدائی خلق است، از دستاوردهای انقلاب مردم دفاع کنند.

پس از ورود به شهر قهرمان آبادان، افراد گروه ما را در بیمارستان های مختلف تقسیم بندی کردند.

۲۲ مهر ۵۹

جنبازی و فداکاری زحمتکشان را پایانی نیست

از نقاط مختلف شهر صدای خمسه خمسه های عراقی که حتی یک لحظه هم آرام نمی گیرند به گوش می خورد. هواپیمای دشمن نیز در روز چندین بار آبادان را مورد حمله قرار می دهند. دیگر هیچ هدف نظامی باقی نمانده و آنها تنها به خانه های مسکونی حمله می کنند. تعداد مجروحین زیاد است و بسیاری از آنها قبل از رسیدن به بیمارستان شهید می شوند. جراحات آنان سنگین و اکثرا در اثر آتش سلاح های سنگین دشمن است. پس از هر حمله گروه افراد یک خانواده، پدر، مادر و فرزندان آنها بودند. به بیمارستان ها می آوردند. بچه هایی که دست و پایشان قطع شده بود... بچه هایی که سر نداشتند... شکوفه های آزادی و استقلال از درون خون آنان سر خواهد کشید و میهنمان را از لوث وجود استثمارگران و جنایتکاران پاک خواهد نمود. از جبهه های جنگ

که خرمشهر را از دست نیروهای متجاوز خارج کنند و در این راه فداکاری ها و جانبازیها کردند. برای ما از پاسدارانی تعریف کردند که نارنجک به کمر بسته و خود را زیر تانک های دشمن پرتاب می کردند، از جوانانی تعریف کردند که نخلستانها را به جبهه برای تانک های دشمن بدل ساختند. این روز واقعا روز خونینی بود و خونین شهر زیباترین اسم برای خرمشهر! نیروهای مردمی شهر علی رغم تلفات سنگینی که به دشمن وارد کردند، خود نیز شهدای بسیاری برجای گذاردند. تعداد مجروحین نیز فوق العاده زیاد بود. بیشتر مجروحین از پاسداران نیروهای مردمی و تکاوران بودند. آنها توسط گلوله های خمپاره، آر. پی. جی. ۷۰ و توپ و تانک مجروح شدند. روحیه ها عالی بود. مجروحی

فریاد می زد:

"مرا به جبهه بفرستید! سنگری خالیست!"

جنايات رژیم عراق در این روز وحشتناک بود. ما شاهد جنازه عزیزانی بودیم که از وسط به دو نیمه شده و یا سر نداشتند. بیاد جیره خواران رادیو بغداد افتادم که بیشرمانه از "خلفهای" ایران دم می زنند و ادعای "نجات" آنان را دارند. فریادی به گوشم خورد:

ای برداران به دادم برسید!

پیرمردی با جراحات عمیق، و دستهای پینه بسته فریاد می زد. خواهش های او برای رها شدن از درد نبود بلکه در فکر کسانی بود که بم انتظار نان آور خانواده بودند. او همچنان می خواست بجنگد. از عظمت و بزرگی این مرد بی اختیار به گریه می افتم!

۲۵ مهر ۵۹

رژیم عراق با بمب ناپالم به زحمتکشان ایران حمله می کند

نبرد به شدت ادامه دارد جنایتکاران عراقی ناجوانمردانه بیمارستان

خرمشهر، اخبار ضد و نقیضی به گوش می رسد: یک نفر خبر می داد که خرمشهر قهرمان همچنان مقاومت می کند، خبر بعدی حاکی از آن بود که عراقی ها شهر را تصرف کردند و لحظاتی بعد خبر می رسید که عراق حلقه محاصره را تنگ تر کرده و گروه دیگری خبر می آوردند که دشمن ایستگاه ۷ آبادان را که مدخل ورودی شهر است، تصرف کرده... اما همه خبرها در یک مورد مشترک بودند: مقاومت حماسی زحمتکشانی که تصمیم گرفته اند بمیرند اما تسلیم نشوند.

۲۴ مهر ۵۹

خون شهید می جوشد، می خروشد، می رزمند، برای استقلال برای آزادی

امروز، روز مقاومت حماسه - آفرینان رزمنده میهن ما بود هر روز زحمتکشان قهرمان خوزستان سرشار از جانبازیها و قهرمانی های فراوان است اما امروز، روز دیگری بود! روزی زینت بخش در تاریخ سرشار از مبارزات خلقهای سراسر جهان خواهد بود. زحمتکشان دلاور آبادان و خرمشهر تصمیم گرفته بودند

بسیج مسلح توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

بقیه از صفحه ۱۵

از یادداشتهای فدائیان

۲۸ مهر ۵۹

مردم از خیانت برخی از فرماندهان ارتش

سخن می گویند

بیشتر مجروحین از مردم، سپاه پاسداران و سربازان و تکاوران هستند. همه از خیانت برخی از فرماندهان ارتش شکایت دارند و می گویند که ما را به جنگ - افزارهای سنگین مسلح - نمی کنند، می گویند جنگ، جنگ ۳- و تانک، جنگ ام یک و توپ است و این نبرد نابرابر را زحمتکش آبادان و خرمشهر این دژهای پایداری خلق ادامه می دهند آنها قهرمانان واقعی اند. می گویند در مقابل هر شلیک تیر تفنگ، از هر طرف باران خمپاره بر روی ما می بارد. اما ما از پای نخواهیم نشست، ما باز هم شلیک خواهیم کرد. می گویند سلاح ما فقط تفنگ و نارنجک است. در خرمشهر و آبادان حتی یک تانک خودی هم دیده نمی شود. شکایتها از خیانت برخی فرماندهان ارتش زیاد است.

۲۹ و ۳۰ مهر ۵۹

با امریکا باید جنگید

عراق چه کاره است

تعداد مجروحین کم بود و ما فرصت کردیم به شهر و خیابانها و کوچهها سری بزنیم. آدم باورش نمی شود. این همه مقاومت و پایداری! خیابانها سنگر است، کوچهها سنگر است، تمام شهر یکپارچه تبدیل به میدان رزم شده است. زحمتکش هر محله را می بینی که با قیافه سوخته در سنگرند، با کوکتلها، ژ-۳ها و امیکهایشان. به یک نگاه معلوم می شود که این بچهها مرد جنگند. قیافهشان

آبادان رسیدند و چون کمبود جا و آذوقه وجود داشت، لذا برخلاف میل باطنی خودمان به طرف تهران حرکت کردیم. دل کندن از آبادان قهرمان و زحمتکش رزمدهاش بسیار مشکل بود. خوزستان خونین را هنگامی پشت سر گذاشتیم که ایمان داشتیم آبادان و خرمشهر همچنان سنگرهای سرخ مقاومت زحمتکش باقی خواهند ماند. این مردمی که ما دیدیم، قادر به همه کاری هستند. آنان تاریخ را دگرگون خواهند ساخت.

از یادداشتهای فدائیان خلق در غرب میهن

وطن ما جای

مزدوران بیگانه نیست

سپیده دم هنگامی که کوههای پرصلابت زاگرس به آغوش سرخی شفق کشیده می شود، به اتفاق رفیق دیگری به طرف سرپل حرکت می کنیم. خودروهای حامل سربازان در حال حرکت بسوی جبهه بودند احساس جنگ و اثرات تجاواز اشغالگران بعضی بر همه جا سایه انداخته بود. پس از مدتی تابلوئی از دور نمایان می شود. روی آن جمله "منطقه جنگی است ورود افراد غیرنظامی ممنوع" نوشته شده بود. در آنجا از ماشین پیاده می شویم و به طرف مردمی که در نزدیکی ما بسر می برند، روانه می شویم. آنها گروهی از مردم زحمتکش قصر شیرین هستند که شب گذشته توسط ارتش جنایتکار رژیم صدام با زور از خانه و کاشانه و شهر و دیار خود رانده شده اند. عدهای از آنها صف بسته بودند و چند پاسدار بین آنها نان و پنیر تقسیم می کردند. دیدن قیافههای رنج دیده آنها سراسر وجود هر انسان شرافتمندی را از خشم و تنفر خاموش نشدنی ای نسبت به چنایات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام لبریز می کرد.

کنار مردم می نشینیم و با آنها صحبت می کنیم. از رفتار سربازان عراقی با مردم از پیشروی نیروهای خودی، از عقب نشینی دشمن و... می پرسیم. همه آنها با کینه بی پایانی از تجاوزگران عراقی سخن می گویند. ارتش عراق پس از تصرف قصر شیرین تمام هستی آنها را غارت کرده است. پیرمردی در حالیکه در گوشه

جکایت از سالها ظلم و فشار و اختناق و ستمی دارد که از سوی ستمگران تاریخ بر آنها و پدرانشان رفته است. اینها مردان همیشه جنگجو - تاریخند. نبرد دائم در زندگی آنان را ساخته است و ایران آباد و آزاد فردا از آن آنان خواهد بود. صدای بچه سالی رامی شنوم "عراقیها جنگ بلد نیستند، فرار می کنند، قایم می شوند، بیرون نمی آیند" در صورتش هنوز مو نروئیده است و ۱۵ سالش بیشتر نیست. بچه ماهشهر است و چند روزی می شود به آبادان آمده است. او برای جنگ مسلح است. ژ-۳ را محکم در دست گرفته. می پرسم:

چکاره ای؟
- کارگرم
- پدرت چکاره است؟
- کارگراست
- درس خوانده ای؟
- ۶ کلاس
- برای چه می جنگی؟
- با امریکا باید جنگید، عراق چکاره است. همه اش زیر سر امریکاست. او تنها نمونه ای از میلیونها کارگر قهرمان میهن ماست که انقلاب بر شانه های توانایشان به پیش می رود. این توده عظیم بالاخره می داند دشمن کیست و کجاست و آیا چینی - مردمانی شکست خواهند خورد؟
به گشت زدن در شهر ادامه می دهیم. در آبادان صحبت از این است که توزیع مواد غذایی و خوار و بار را هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) بر عهده گرفته اند. وضع این مواد خیلی بهتر از روزهای قبل شده و مرتب و منظم، آنچه که هست به همه می رسد هواداران توانسته اند که صاحبان مغازه ها و نانوائیها را بر سر کار برگردانند و آنها اکنون مطابق قبل از جنگ فعالیت می کنند تا مردم کمبودی از نظر مواد غذایی نداشته باشند و شهر همچنان دژ محکمی در مقابل تجاوزگران باقی مانده است.

اول آبان ۵۹

این مردم قادرند تاریخ را دگرگون سازند

چند گروه پزشکی از شهرستانهای مختلف به

چشمهایش اشک جمع شده بود، می گفت: همه چیز را بردند، آنها خانه های فقیرنشین محلات محمودآباد و غفورآباد را با بنزین به آتش کشیدند. ادارات و مدارس و دیوگر ساختمانهای دولتی را با مین منفجر کردند، اجناس دکانها و اموال خانه های مردم را به یغما برده و نابود کرده اند. عراقیهای جنایتکار به هیچ کس رحم نمی کنند، آنها شهرما، وطن ما را ویران ساخته اند.

از او می پرسم: در مدت کوتاهی که در اسارت بوده ای از کجا آب و غذا بدست می آورده ای؟ او جواب داد:

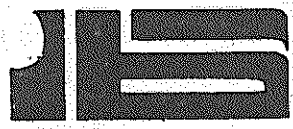
در خانه چند گونی نان بیات برای گاوهایم جمع کرده بودم و با آنان تغذیه می کردم. شبها مخفیانه به خانه هائی که چاه آب داشت می رفتم و مقداری آب برای خودم می آوردم. آنهم چه آبی! بوی گند از آن بلند می شد با آن چند روزی گذران می کردم.

پرسیدم: خانواده و بچه هایت کجا هستند، آیا از آنها خبر داری؟ او گفت:

نمی دانم چه بلائی به سرشان آمده. خدا کند فقط سالم و تندرست باشند قطره های اشک از چشمانش سرازیر شد. این سرنوشتی است که رژیم جنایتکار صدام علیرغم همه تبلیغات عوام فریبانه اش برای مردم زحمتکش میهن ما تدارک دیده است، همه مردمی که توسط جنایتکاران عراقی از شهر و دیار خود رانده شده اند، بخوبی دریافته اند که دشمن در هر شهر میهنشان که پای بگذارد چیزی جز آوارگی، فقر و بدبختی برای آنان به ارمغان نخواهد آورد.

به پیرمرد می گویم: می خواهی چه کنی؟ می گوید: می جنگم. اگر دولت ما را مسلح کرد که کرد، اگر نه با جنگ و دندان می جنگیم و خودمان سلاح به دست می آوریم. شهر ما جای مزدوران بیگانه نیست.

این احساسی است که در میان همه مردم شهرهای جنگ زده وجود دارد. احساس مشترک برای بازگشت به شهر و دیار خود. اگر دستان پینه بسته این مردم بر قبضه سلاح بوسه زند، هیچ متجاوززی را یارای مقاومت نخواهد بود!



بقیه از صفحه ۴

علی رغم برخی نارسائی ها و ابهامات

تصمیمات مجلس

جاسوسی آواکس به عربستان بطور مستقیم و غیر مستقیم در امور ایران دخالت می کند. خلاصه باید به اهمیت سیاسی چنین اعترافی از جانب امپریالیسم تأکید شود و هرگونه توهمی را در این زمینه که امپریالیسم ممکن است دست از امپریالیست بودن یعنی دست از تلاش مستقیم و غیر مستقیم برای تجاوز غارت و استثمار کارگران و خلقهای جهان بردارد، از میان برداریم. ما باید متحد، مضموم و استوارتر از همیشه به نیروی ۲۰ میلیون ارتش خلق رزمنده و دلاورمان آماده دفاع از استقلالمان، آزادیمان گردیم. تنها این نیروی رزمنده بیست میلیونی است که حماسه ساز راه استقلال و آزادی میهن ما خواهد بود. این است آن تضمین واقعی که مداخلات امپریالیسم آمریکا را از این پس با شکست و رسوائی روزافزون مواجه خواهد ساخت. تنها نیروی متحد خلق است که پاسدار استقلال ملی است.

در شرط دوم آمده است که سرمایه ها و کلیه اموال ایران که توسط دولت آمریکا ضبط شده است، باید آزاد گردند و دولت ایران بتواند به هر شکلی که بخواهد در آن دخل و تصرف کند. این بطور کلی درست است اما مجلس و دولت جمهوری اسلامی باید موضع خود را در قبال تلاش امپریالیسم آمریکا و لیبرال ها، در قبال خرید جنگ افزارهای نظامی از امپریالیسم به صراحت و روشنی کافی، رسماً اعلام دارد. هم اکنون امپریالیسم آمریکا و لیبرال ها، از آنجا که بخشی از اموال ضبط شده ایران در آمریکا تجهیزات جنگی خریداری شده توسط دولت شاه است

اذهان خلقهای منطقه بوجود خواهد آمد. چهره های که یقیناً در شرایط اوج گیری امواج خروشان انقلاب در سطح منطقه بسود خلقهای ایران و منطقه نخواهد بود هم اکنون امپریالیسم آمریکا با فروش جنگ افزار، وابستگی نظامی ایران را تحکیم خواهد ساخت، محافل امریکائی درون ارتش را تقویت خواهد کرد و در مقابل هر مقدار سلاحی که به ایران بفرودد، زمینه لازم را برای فروش چندین برابر این سلاح ها به کشورهای عربستان سعودی، اردن، عمان و عراق و سایر رژیم های مرتجع منطقه فراهم می سازد. فروش اسلحه آمریکا به ایران عواقب بسیار وخیمی دارد. این سیاست دولت ایران را از دولتهای ترقیخواه منطقه و جهان دور خواهد کرد و در کنار رژیم های ارتجاعی جهان قرار خواهد داد. چنین عملی نه تنها مورد تأیید مردم مبارز و آگاه ایران و نیروهای ترقیخواه نخواهد بود بلکه با اعتراض وسیع همه آنان روبرو خواهد گشت. بر اساس آنچه گفته شد، ما از مجلس و دولت جمهوری اسلامی ایران می خواهیم که با روشنی و صراحت موضع خود را در قبال تلاش امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن که زیر پوشش مقابله با رژیم عراق، برای ورود اسلحه امریکائی به ایران تلاش می کنند، رسماً روشن سازند.

شرط سوم نیز که خواستار لغو کلیه تصمیمات و اقدامات اقتصادی و مالی امپریالیسم علیه ایران و ابطال کلیه دعاوی از جانب اشخاص حقوقی و حقیقی است، حق مسلم و منطقی مردم میهن ماست. باید در نظر داشته باشیم که یکی از هدفهای تسخیر انقلابی سفارت آمریکا و بازداشت جاسوسان مقابله با وابستگی اقتصادی و مالی ایران با امپریالیسم جهانی بوده است. مجلس و دولت جمهوری اسلامی باید به این واقعیت بسیار مهم توجه داشته باشند که لیبرال ها و همه دوستان و جاسوسان آمریکا امیدوارند که لغو تصمیمات و اقدامات امپریالیسم آمریکا که تماماً علیه منافع مردم اتخاذ شده است،

امپریالیسم آمریکا و لیبرال ها آرزو دارند که بالاخره جمهوری اسلامی وابستگی نظامی به آمریکا را بپذیرد و ناچار شود به خاطر دریافت اسلحه از مواضع ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه خود دست بردارد و دست تنها به سوی آمریکا دراز کند.

لیبرال ها و همه دوستان و جاسوسان آمریکا امیدوارند که لغو تصمیمات و اقدامات امپریالیسم آمریکا راه را برای گسترش مناسبات و مبادلات اقتصادی به امپریالیسم آمریکا باز کند. ما به همه نیروهای ضد امپریالیست هشدار می دهیم که با همه توان خود، هرگوشی را در این زمینه افشا کنند و علیه چنین گوشش های ضد مردمی به پا خیزند و با آن قاطعانه مبارزه کنند.

راه را برای گسترش مناسبات و مبادلات اقتصادی با امپریالیسم آمریکا باز کند. آنها اینطور تبلیغ می کنند اینکه ما همه چیز خود را از آمریکا و متحدانش در اروپا و ژاپن تهیه کنیم، دلیل تحت سلطه بودن ایران نیست! لیبرال ها تلاش دارند لغو تحریم را به سرآغاز نزدیکی به غرب تبدیل کنند. لیبرال ها با توجه به گرایشات ضد کمونیست اکثریت عناصر و محافل ضد امپریالیست جمهوری اسلامی، همواره کوشش داشته اند که با شعار "نه شرقی، نه غربی" تا آنجا که می توانند ایران را از دوستان جهانی انقلاب ایران که گسترش رابطه با آنها برای استقلال و آزادی ایران اهمیت فراوان دارد، دور کنند. برخی از آنها امپریالیسم جهانی را از امپریالیسم آمریکا جدا وانمود می کنند و دوستی با امپریالیسم جهانی منهای امپریالیسم آمریکا را تبلیغ می کنند. این گرایش خطرناک غایت آن وابستگی به امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکاست. متأسفانه برخی از کسانی هم که تا امروز مخالف هرگونه نزدیکی جمهوری اسلامی با تمام امپریالیستها بوده اند اخیراً از این مواضع قاطع خود دست کشیده و گسترش مناسبات با امپریالیسم جهانی منهای امپریالیسم آمریکا را تبلیغ کرده اند.

ما اعتقاد داریم نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی با گرایشات و محافلی که کوشش می کنند به محض لغو اقدامات اقتصادی امپریالیسم علیه ایران، سیاست "گام به گام" را به اشکال مختلف از سرگیرند. مبارزه خواهند کرد. با اینهمه با توجه به حساسیت شرایط

آرزو دارند که بالاخره جمهوری اسلامی وابستگی نظامی به آمریکا را بپذیرد و ناچار شود بخاطر دریافت اسلحه از مواضع ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه و به قول آنها "آفراتی" خود دست بردارد و دست تنها به سوی آمریکا دراز کند. امپریالیسم آمریکا و لیبرال ها همواره تلاش داشته اند با وادار ساختن حکومت جمهوری اسلامی به گرفتن تجهیزات و لوازم یدکی نظامی از امپریالیسم آمریکا این توهم را در توده ها به وجود آورند که ما با امپریالیسم آمریکا در جنگ نیستیم. با ورود اسلحه امریکائی به ایران، لیبرال ها فرصت خواهند یافت بگویند دیدید که آمریکا نه تنها دشمن اصلی ما نیست بلکه حتی دوست و یاور ما در شرایط جنگ و سختی است.

آنها چنین استدلال خواهند کرد که کدام قدرت تجاوزگری به دشمن خود که با او در جنگ است، اسلحه می دهد و بدینسان به شیوه ای شایدانه خواهند کوشید سخنان خود را که در گذشته بارها تکرار کرده و حتی در همین اواخر نیز در مجلس اعلام داشتند که اما با آمریکا در جنگ نیستیم، برای مردم اثبات کنند و این همان چیزی است که آمریکا می خواهد. هرکدام از مدافعان واقعی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هم که فکر می کنند برای تقویت قوای دفاعی ایران در برابر تجاوز عراق، بهتر است از آمریکا اسلحه بگیریم تا بنیه دفاعی مان تقویت شود، سخت در اشتباهند. چنین کاری مسلماً به لیبرال ها فرصت خواهد داد احساسات ضد امپریالیستی توده ها را فرو نشانند و دشمنی خلقهای منطقه و ملیت پرستی و شوونیسم را جانشین آن سازند. بعلاوه با خرید سلاح از امپریالیسم آمریکا، چهره دیگری از انقلاب ایران در

به همه نیروهای ضد امپریالیست هشدار می دهیم که هم اکنون امپریالیسم آمریکا، لیبرال ها و همه دوستان و جاسوسان آمریکا تلاش دارند زیر پوشش شعارها و گرایشات گوناگون مبارزه با وابستگی اقتصادی ایران با امپریالیسم را متوقف سازند. باید با همه توان خود، هرگوشی را در این زمینه افشا سازیم.

شرط چهارم که مربوط است به بازپس گرفتن میلیاردها دلار ثروتی که شاه از خلق ایران به سرقت برده، بدون تردید یکی از خواسته های مردم ایران و یکی از دلایل تسخیر انقلابی سفارت آمریکا و بازداشت جاسوسان امریکائی بوده است.

ما ضمن تأیید این شرط متذکر می شویم که بدون تردید امپریالیسم آمریکا به آسانی به این شرط تسلیم نخواهد شد. بانکها و انحصارات امپریالیستی همگی به میلیاردها دلار پول مردم ایران که شاه سرقت کرده است، نظر دارند و بدون تردید موانع بظاهر حقوقی و سیاسی گوناگونی بر سر راه استرداد اموال شاه ایجاد خواهند کرد.

در شرایط کمیسیون ویژه که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده، آمده است که:

"بر اساس این پیشنهاد، دولت جمهوری اسلامی ایران در برابر انجام کلیه شرایط فوق توسط دولت آمریکا تمامی ۵۲ مجرم امریکائی را آزاد خواهد کرد و در صورتی که انجام بعضی از شرایط فوق نیاز به زمان بیشتری داشته باشد یا قبول کلیه شرایط از طرف دولت آمریکا در برابر انجام هر شرط تعدادی از مجرمین به تشخیص دولت جمهوری اسلامی ایران آزاد خواهند شد."

در جای دیگر چنین آمده است: "در صورتی که دولت آمریکا به تمام یا بخشی از شرایط مذکور تسلیم نگردد، دستگاه قضائی حسب وظیفه مقرر خود، با انجام وظایف به کیفر مجرمین خواهد پرداخت."

اگر مجلس و دولت جمهوری اسلامی بر موارد بالا که هشیارانه تدوین شده است، وفادار بمانند، دو وضعیت در پیش خواهیم داشت:

یا امپریالیسم آمریکا در قبال آزادی جاسوسان امریکائی شرایط مجلس شورای اسلامی را می پذیرد که این خود پایان موفقیت آمیزی خواهد بود بر تسخیر انقلابی سفارت آمریکا و بازداشت یکساله جاسوسان امریکائی و شکستی خواهد بود برای امپریالیسم آمریکا و دوستان و جاسوسان آن.

و یا آنکه امپریالیسم آمریکا شرایط ایران را نخواهد پذیرفت که در این صورت دولت جمهوری اسلامی باید محاکمه جاسوسان امریکائی را به محاکمه جنایات امپریالیسم آمریکا و متحدان آن در ایران تبدیل کند.

آنچه را که در پایان می بایستی تأکید نمائیم، این واقعیت است که امریکای جنایتکار پس از شکستهای پیاپی از خلق قهرمان ما، پس از شکست شیوه های مختلفی که در حل مسئله گروگان ها بکار گرفت، اکنون محیلانه در پی گسترش دامی دیگر در برابر انقلاب ما است. "دامی" که در صورت موفقیت، تأثیر بازدارنده منفی و مخربی بر انقلاب ایران، کشورهای مترقی و جنبش های رهایی بخش منطقه خواهد گذاشت. امپریالیسم آمریکا کوشیده است که از یکسو رژیم عراق را وادارد که بر زمینه گرایشات شوونیستی خود تهاجم نظامی به ایران را تدارک بیند که بدین منظور رژیم عراق را از همه امکانات نظامی و سیاسی خود و کلیه رژیم های وابسته و ارتجاعی منطقه به ویژه اردن و عربستان برخوردار کرده است. و از سوی دیگر با تبلیغ پز بی طرفی عوام فریبانه می کوشد که جمهوری اسلامی ایران را برای عقب نشانیدن عراق وادارد تا به خواسته ها و نیات آمریکا تمکین نماید. یعنی با آزادی گروگان ها شرایط لازم برای ارسال تجهیزات نظامی و لوازم یدکی را فراهم آورد.

این دام گسترده امپریالیسم آمریکا با توجه به نتایج محتوم زیان بخشی که بر آن مترتب است، می بایست در پرتو آگاهی و بلوغ سیاسی خلقمان و به نیروی کینه ای که در ژرفای قلب زحمتکشان میهنمان از امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا وجود دارد، خنثی و بی اثر شود و در این راه بی گمان نمایندگان مردم نقش بس بزرگی برعهده دارند.

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی نظامی، فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

بقیه از صفحه ۱

می مانیم . . .

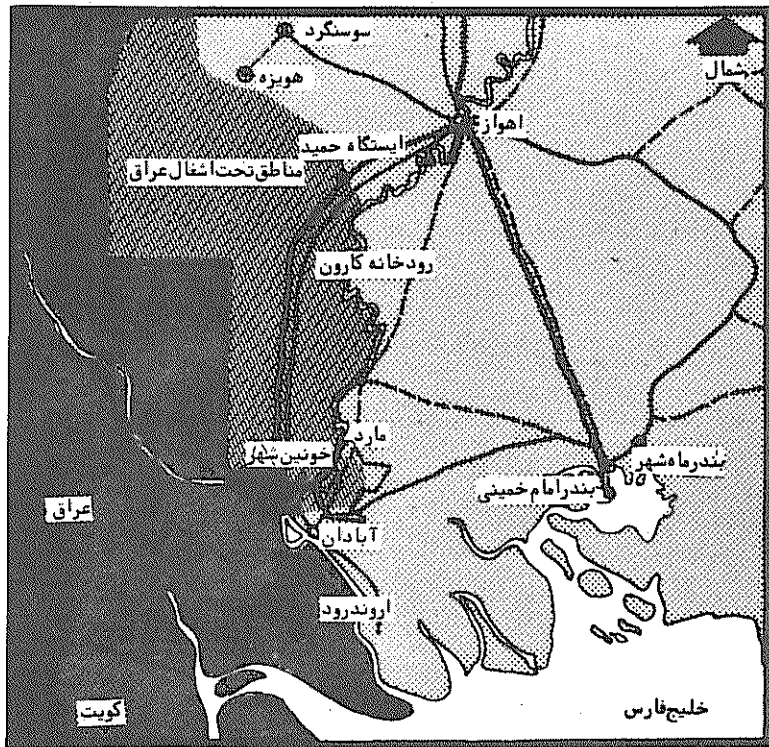
بروز داده است، باعث شده که عمیقترین پیوندهای ممکن بین زندگی و پیکار علیه تجاوزگران به وجود آید. دهها هزار مردم قهرمان و حماسه آفرینی که در شهر باقی مانده اند. یکصدا فریاد برمی آورند: می مانیم و در خون پیکار می کنیم.

ارتش رژیم جنایتکار صدام در مقابل پایداری و قهرمانی های مردم، پاسداران سربازان و پرسنل انقلابی و فدائیان خلق و دیگر رزمندگان راه استقلال و آزادی با جنون وحشیانه ای شهر را زیر آتش سلاح های خود دارد. اکنون شهر آبادان از سه طرف در محاصره دشمن است و ارتش تجاوزگر و جنایتکار تلاش دارد آبادان را به محاصره کامل درآورد.

شهر بطور مداوم زیر آتش بمبها و خمپاره های ارتش تجاوزگر و جنایتکار رژیم صدام قرار دارد. رزمندگان آبادانی قهرمانانه مقاومت می کنند و مصمم اند تا آخرین قطره خون از آبادان دفاع کنند. رشادت و قهرمانی

توضیح

"حزب توده" در روزنامه "مردم"، شماره ۳۶۲ ادعا کرده است که رفیق محمدرضا آذربای که در تاریخ ۲۶ مهر به هنگام پیکار با رژیم جنایتکار عراق به شهادت رسید، عضو "سازمان جوانان توده ایران" بوده است این ادعای "حزب توده" عاری از حقیقت و یک عوام فریبی است. رفیق محمدرضا آذربای (همانگونه که در کار ۸۲ در زندگینامه کوتاه اما پرافتخارش اعلام گردید) فدائی خلق و از رفقای فعال شاخه خوزستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) بوده است.



نقشه تقریبی مناطق تحت اشغال عراق و محاصره سه جانبه آبادان توسط ارتش رژیم جنایتکار صدام

زحمتکشان و رزمندگان شهر وصفناپذیر است. رزمندگان آبادان چون مدافعان خرمشهر قهرمانی های عظیمی را در تاریخ خلقهای قهرمان ما به یادگار گذارده اند. آخرین اخبار واصله حکایت از آن دارد که تهاجم وحشیانه ارتش مزدور رژیم صدام برای عبور از رودخانه بهممنشیر در مقابل پایداری قهرمانانه مردم و رزمندگان آبادانی با شکست مفتضحانه ای روبرو شده است. می سرایند.

تلاش مذبحخانه . . .

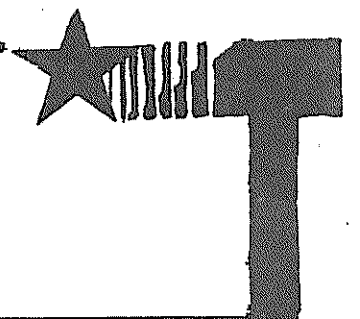
بفید از صفحه ۲

بیرامون مواضع دسته سوم، یعنی نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی، کمونیست ها و سایر نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست. از آنجا که در موضعگیری سازمان بدان اشاره شده است مطالعه مقاله علیرغم برخی نارسائی ها، ابهامات تصمیمات مجلس درباره گروگان ها با مصالح انقلاب انطباق دارد" را توصیه می کنیم.

منتشر می شود:

انقلاب اکتبر، انقلاب ویتنام

تروئین - لودوان



کمکهای مالی دریافت شده

الف و آ	۲۰۲۰	۵۴۰۵	ک	۱۰۰۳	بدون حرف اول نام
۱۹۰۱۱	۱۰۰۸	۱۰۳۱۶	۱۰۳۱۶	۲۰۰۳	۱۰۰۰۰
۹۱۰۰	۲۴۲۳	۱۰۳۱۶	۱۰۳۱۶	۲۰۰۳	۹۱۱۸
۱۰۱۹۲	۲۴۲۳	۵۰۰۲	۵۰۰۲	۲۰۰۳	۸۱۲۷
۱۵۱۰	۵۱۰۰	۱۴۳۷	۱۴۳۷	۲۰۰۳	۹۶۱۵
۵۸۱۳	۳۱۲۸	۲۷۴۶	۲۷۴۶	۲۰۰۳	۴۱۲۱
۶۲۲۲	۹۸۰	۶۰۱۳۹	۶۰۱۳۹	۲۰۰۳	۵۱۳۵
۱۵۰۱۰	۱۰۰۱	۲۲۰۰	۲۲۰۰	۲۰۰۳	۲۶۵۳
۵۰۰۹	۴۲۱۸	۱۰۷۷۷	۱۰۷۷۷	۲۰۰۳	
۲۷۷۷	۳۲۱۶	۱۸۳۲	۱۸۳۲	۲۰۰۳	
۱۱۱۱	۳۰۲۳۸	۶۸۳۲	۶۸۳۲	۲۰۰۳	
۲۱۲۱	۳۱۱۱	۱۴۰۰	۱۴۰۰	۲۰۰۳	
۶۷۸۹	۸۱۲۱	۲۵۵۰۰	۲۵۵۰۰	۲۰۰۳	
۱۱۶۰	۱۰۵۰۱			۲۰۰۳	
۲۱۰۰	۸۱۲۱			۲۰۰۳	
۱۳۱۰۰	۱۰۵۵			۲۰۰۳	
۵۱۸۸	۳۰۰۵			۲۰۰۳	
۵۳۳۳	۵۲۴۴			۲۰۰۳	
۳۱۰۰				۲۰۰۳	
۱۵۱۱				۲۰۰۳	
۳۰۵۹				۲۰۰۳	
۱۱۸۰				۲۰۰۳	
۱۶۸۴				۲۰۰۳	
۱۰۵۲۳				۲۰۰۳	
۱۳۴۰				۲۰۰۳	
۱۵۴۵				۲۰۰۳	
۲۱۰۰				۲۰۰۳	
۱۵۰۰۰				۲۰۰۳	
۲۰۰۰				۲۰۰۳	
۴۰۲۷				۲۰۰۳	
۵۳۲۲				۲۰۰۳	
۲۷۰۰				۲۰۰۳	
۱۵۰۵				۲۰۰۳	
۱۱۵۵				۲۰۰۳	
۵۴۶۵				۲۰۰۳	
۶۳۰۰				۲۰۰۳	
۲۳۳۰				۲۰۰۳	
۱۵۱۵				۲۰۰۳	
۲۴۴۴				۲۰۰۳	
۲۷۶۱				۲۰۰۳	
۵۱۷۱				۲۰۰۳	
۵۰۰۰۵				۲۰۰۳	
۳۰۰۰				۲۰۰۳	
۱۹۱۷				۲۰۰۳	
۳۲۱۰				۲۰۰۳	
۶۰۲۳				۲۰۰۳	
۸۵۰۱				۲۰۰۳	
۲۵۰۵				۲۰۰۳	
۸۵۵۵				۲۰۰۳	
۱۲۵۱۷				۲۰۰۳	
۲۰۴۱				۲۰۰۳	
۲۴۱۴				۲۰۰۳	
۲۰۴۱				۲۰۰۳	
۵۲۰۵				۲۰۰۳	
۲۲۶۱۱				۲۰۰۳	
۱۵۱۵۱				۲۰۰۳	
۵۵۱۷				۲۰۰۳	
۴۰۱۲۴				۲۰۰۳	
۱۲۲۲				۲۰۰۳	
۵۰۵۰				۲۰۰۳	
۲۰۳۴۵				۲۰۰۳	
۱۶۰۰				۲۰۰۳	
۹۹۹۹				۲۰۰۳	
۱۱۲۶				۲۰۰۳	
۳۵۱۸				۲۰۰۳	
۱۰۳۲۱				۲۰۰۳	
۳۱۲۵				۲۰۰۳	
۶۷۰۰				۲۰۰۳	
۵۱۲۵				۲۰۰۳	
۳۳۳۳				۲۰۰۳	
۷۱۱۰				۲۰۰۳	
۵۳۲۲				۲۰۰۳	
۱۰۱۹۵				۲۰۰۳	
۲۰۰۳				۲۰۰۳	
۱۱۲۵				۲۰۰۳	
۱۵۰۰۸				۲۰۰۳	
۳۵۰۰۰				۲۰۰۳	
۲۲۰۰۰				۲۰۰۳	
۱۵۲۸۹				۲۰۰۳	
۱۱۲۳				۲۰۰۳	
۱۰۱۲۳				۲۰۰۳	
۲۱۰۰				۲۰۰۳	
۱۰۴۰۷				۲۰۰۳	
۱۰۰۹۵				۲۰۰۳	
۱۱۲۵				۲۰۰۳	
۵۵۰۱				۲۰۰۳	

حزب دمکرات، دفاع از دمکراسی یا ورشکستگی سیاسی؟!

دریافتیم، جنگ به زیان توده‌های زحمتکش خلق کرد است، که جنگ، جنبش ملی را بجانب وابستگی و انحطاط سوق می‌دهد و خلق کرد را از مبارزه با دشمن اصلی خلقهای ایران، امپریالیسم امریکا و نتیجتاً از تامین حقوق عادلانه‌اش باز می‌دارد، ... ما بارها تاکید کردیم که تنها راه تامین حقوق حقه خلق کرد این است که سلاح پیشمرگه کرد نیز همچون سایر مردم بپا خاسته و مبارز ایران سینه مزدوران بعثی، پس-مانده‌های رژیم شاه و سایر عمال امپریالیسم را نشانه گیرد. تنها از طریق تامین اتحاد عمل خلق کرد با سایر مردم ایران است که می‌توان از تامین حقوق حقه خلق کرد در این برهه از زمان سخن گفت و از جانب دیگر رژیم جمهوری اسلامی با نادیده گرفتن حقوق ملی خلق کرد و اصرار در سرکوب جنبش ملی، زمینه مناسبی جهت رشد عناصر ضدانقلاب و انحراف و انحطاط جنبش ملی فراهم آورده است.

اکنون مردم به‌خوبی می‌دانند چه کسانی مسئولیت‌های حزب دمکرات را به‌دست گرفته‌اند. دیگر جایی برای نیروهای ترقیخواه و دمکرات در حزب باقی نمانده است. همه آنهایی که در مقابل سرنوشت خلق کرد احساس مسئولیت می‌کنند، صفوف حزب را ترک گفته و یا شامل تصفیه گردیده‌اند. رهبران کنونی در مقابل مخالفین سیاسی خود حربه‌ای جز ترور و اختناق نمی‌شناسند.

حزب دمکرات اکنون بجای مبارزه با مزدوران بعثی که با تهاجم ددمنشانه خود مراکز اقتصادی ما را به نابودی کشانده و هزاران نفر از مردم بی‌دفاع را به هلاکت رسانده‌اند، دست در دست کارشناسان نظامی بعث با حمایت آتش سلاح‌های سنگین عراق، جنگ در کردستان را تشدید نموده و تفنگ حزب دمکرات سینه فدائیان خلق را هدف قرار می‌دهد.

علیرغم فشار و تضییقاتی که از جانب حزب دمکرات و متحدینش نسبت به حضور سیاسی سازمان در کردستان اعمال می‌شود، مصمم و استوار در سنگر دفاع از حقوق خلق ستمدیده کرد در کردستان باقی خواهیم ماند. نه سرکوب و نه اعمال سیاستهای تروریستی هیچ یک قادر نیست ما را از مبارزه با دشمنان خلق در هر لباسی که باشند، بازدارد.

دشمنی با فدائیان خلق (اکثریت) دشمنی با استوارترین سنگر مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک مردم میهن ماست. دشمنان ما با این اعمال خود تنها شکست و رسوائی خود را تدارک می‌بینند.

دیر نخواهد بود زمانی که خلق کرد با تشخیص کامل دوستان و دشمنان خود، در اتحاد و برادری با سایر خلقهای ایران، توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا علیه دستاوردهای انقلاب را درهم شکنند و با طرد عوام‌فریبان و کسانی که بنام خلق علیه خلق توطئه می‌کنند، به آرزوی تاریخی همه خلقهای ایران، یعنی رفع هرگونه ستم ملی و طبقاتی و بنای ایرانی مستقل، آزاد و دمکراتیک جامعه عمل بپوشانند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) شاخه کردستان ۱۰ مهر ۵۹

هلاکت رسانده‌اند. این سازمان‌های سیاسی محکوم به انحطاط، گذشته از کشتار نیروهای دولتی، دست به اعدام مردم زحمتکش و ترور اعضای سازمان‌های انقلابی مخالف سیاست و راه و روش خود زده‌اند. ترور فدائی خلق رفیق رضا پیرانی و ترور وحشیانه جعفر کروی و برادرش که از فعالین کنگره چهارم بودند، در ۲۸ مهرماه جاری نمونه‌های بارزی از انحطاط این گروه‌های به اصطلاح انقلابی است. در تاریخ ۸ مهر ۵۹ عناصر وابسته به حزب دمکرات، هواداران کومله، خط ۳ و اقلیت به دفتر سازمان در بوکان یورش برده و پس از ضرب و جرح رفقای ما، اموال دفتر را بعنوان غنائم جنگی به یغما می‌برند. در این رابطه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) - شاخه کردستان اعلامیه‌ای صادر کرده که قسمتهائی از آن را به اطلاع می‌رسانیم:

در تاریخ ۹ مهر یکی از اوباش سرشناس حزب تعدادی از روستاهای اطراف بوکان را جهت غارت اموال سازمان محاصره می‌کند. به رفقای زحمتکش و خانواده‌هایشان توهین می‌کند و مقداری از اموال و وسایل سازمان را از منازل آنها به غارت می‌برد.

بدین ترتیب از نظر مدعیان دمکراسی هر نیرویی که بخواهد در کردستان علیه مهاجمین بعثی، افسران فراری و سلطنت طلب و فتوادل‌های مسلح شده از جانب بعث عراق و حزب دمکرات مبارزه کند، حق حضور سیاسی نیز در شهرهای تحت حاکمیت حزب را ندارد. و این نشانه انحطاط و سقوط کسانی است که هر روز بیشتر از انقلاب و مردم مبارز ایران جدا می‌شوند با امپریالیسم امریکا و رژیم بعث عراق و سایر نیروهای ارتجاعی منطقه همگام می‌شوند و به دشمنی با کمونیستها و مجموعه نیروهای انقلابی و ترقیخواه ایران برمی‌خیزند. آنها سرنوشت خود را با نیروهای پیوند زده‌اند که تاریخ حکم نابودی محتوم آنها را صادر کرده است.

اکنون در کردستان در کنار حزب دمکرات جز مشتکی گروه‌های آبروباخته و ورشکسته باقی نمانده‌اند. توطئه‌های مداوم امپریالیسم علیه انقلاب و گسترش و تعمیق مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران ماهیت ورشکسته ذهنیات این گروه‌ها را بیش از پیش عیان ساخته و در کردستان برایشان راهی جز دنباله‌روی و همگامی و اتحاد عمل با حزب دمکرات برجای نگذاشته است.

ما ضمن محکوم ساختن این اعمال وقیحانه و ضد دمکراتیک حزب دمکرات و شرکا، نیروهای ترقیخواه ایران را به توجه جدی نسبت به آنچه در کردستان ایران می‌گذرد، دعوت می‌کنیم.

خلق ستمدیده کرد!

همانگونه که اطلاع دارید، اکنون ماههاست که فدائیان خلق (اکثریت) همه تلاش خود را برای پایان دادن به جنگ کردستان به‌کار گرفته‌اند. از آن هنگام که به قیمت شهادت بهترین رفقایمان

با گسترش تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم جنایتکار صدام به میهن و انقلاب مردم ما و به میزانی که صفوف انقلاب با ضدانقلاب متمایزتر می‌گردد، مدعیان دفاع از خلق کرد بجای مشارکت فعال در پیکار عظیم خلقهای میهن ما علیه امپریالیسم و تجاوزگران، به انحطاط و تباهی بیشتری کشیده می‌شوند.

علیرغم بمباران هواپیماهای عراقی به شهرها و روستاهای کردستان، حزب دمکرات، کومله و شرکا، حملات خود را به ستون سربازان جمهوری اسلامی ایران افزایش داده‌اند. این حملات در عین حال به ستون‌هایی از سربازان که برای دفاع از استقلال میهن عازم جبهه‌های خوزستان و غرب میهن هستند، صورت می‌گیرد. از جمله ستون‌های نظامی مستقر در مهاباد، سقز، سنندج، میوان به هنگام ترک این شهرها توسط حزب دمکرات، کومله و شرکا، مورد حمله قرار گرفته و دهها تن از سربازان ضدامپریالیست را به

خلقهای مبارز ایران! خلق ستمدیده کرد!

در تاریخ ۸ مهر ۵۹ شهر بوکان شاهد وحدت عمل گروه‌هایی بود که هر روز بیشتر از روزپیش همسوئی و هماهنگی آنها با توطئه‌های امپریالیسم جنایتکار امریکا علیه انقلاب مردم ایران آشکار می‌گردد. عناصر وابسته به حزب دمکرات، هواداران کومله، خط ۳، اقلیت و گروه اشرف طی یک تهاجم پیروزمندانه!! دفتر فدائیان خلق (اکثریت) را در بوکان اشغال کردند و بدین ترتیب بار دیگر در عمل ثابت کردند که تا چه حد دمکرات! و ضدامپریالیست! می‌باشند. مهاجمین رفقای ما را مورد ضرب و شتم قرار دادند، شیشه‌های دفتر را شکستند و...

هر وجدان آگاهی که از نزدیک شاهد واقعه بود نمی‌تواند انزجار خود را از این عمل ضد مردمی پنهان کند.

گروه معدودی از اوباش و عناصر تحریک شده توسط حزب دمکرات طبق برنامه از قبل تدارک دیده شده، در خیابان علیه سازمان شعار می‌دهند و به طرف دفتر می‌روند. تعدادی از مردم کنجکاو آنها را همراهی می‌کنند. در پیشاپیش، چند نفر از آنارشویست‌های گروه اشرف صدایشان از همه بلند تر است. هواداران کومله و خط ۳ و اقلیت در حالیکه از خوشحالی در پوست نمی‌کنند، خود را در میان اوباش سازمان یافته پنهان کرده‌اند و برخی از آنها با عجله در حال رفت و آمد هستند تا آخرین اخبار جبهه را به مسئولین خود برسانند. مسئول دفتر شیخ عزالدین در میدان شهر بر مردم بانگ می‌زند: چرا شرکت نمی‌کنید. باید اینها را از کردستان بیرون کنیم. افراد وابسته به حزب دمکرات چند ماشین را از جلوی دفتر به مقر حزب می‌برند.

و در پایان چهره سرشناس مسئول اقلیت، هنگامی که کار اشغال دفتر سازمان! توسط حزب دمکرات به پایان می‌رسد، با لبخند پیروزی صحنه را ترک می‌گوید. آخرین دفتر علنی سازمان توسط مدعیان دفاع از دمکراسی در کردستان بسته شد.

بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنان را علیه امپریالیسم امریکا تحکیم بخشیم

همراه با مردم آگاه ایران

خواستار آزادی محمد رضا سعادت هستیم

در روزهایی که مردم ایران درگیر جنگ با امپریالیسم جهانی و رژیم جنایتکار صدام حسین هستند و وحدت مردم و نیروهای مردمی بیش از پیش ضرورت یافته است، بار دیگر مسئله محاکمه محمد رضا سعادت (عضو سازمان مجاهدین خلق) مطرح شده است. محمد رضا سعادت که توسط مزدوران و جاسوسان امریکائی کمیته ماشاءالله قصاب، کمیته‌ای که مستقیماً از جانب سولیوان سفیر امریکا هدایت می‌شد، به اتهام واهی "جاسوسی برای شوروی سه ماه پس از انقلاب دستگیر شد، از مبارزان پرسابقه‌ای است که بیش از ۸ سال از عمر خود را در زندان‌های رژیم شاه گذرانده است.

بازداشت سعادت از آغاز مورد اعتراض بسیاری از مردم آگاه و مبارز قرار گرفته است. آیت‌الله طالقانی با صراحت اعلام کرده بود که "جریان سعادت اصلاح‌جاسوسی نیست" محاکمه سعادت به اتهام واهی "جاسوسی برای اتحاد شوروی" در حالی صورت می‌گیرد که نه تنها دوستان و جاسوسان امریکا مثل میناچی‌ها که سوسپت و ابستگیشان توسط دانشجویان خط امام فاش شد، در بازداشت نیستند بلکه هنوز خیلی از آنها در مقامات و پستهای حساس قرار دارند و حتی از محاکمه امیرانتظام، کسی که در مقام سخنگویی دولت و معاونت نخست‌وزیر وقت، بازرگان برای امریکا جاسوسی می‌کرد

خبری نیست. بدون تردید ادامه بازداشت و محاکمه سعادت به اتهامات واهی ذکر شده بیش از هر چیز در سطح جهانی، امپریالیسم امریکا و در داخل، دوستان و جاسوسان آن را خوشحال می‌کند و به ویژه در شرایط حساس کنونی که امپریالیسم امریکا از کانال رژیم صدام به جنگ تجاوزکارانه علیه مردم ایران ادامه می‌دهد، محاکمه سعادت مفهومی خاص می‌یابد و بیش از پیش به وحدت مردم و نیروهای مردمی آسیب می‌رساند. ما همراه با همه مردم آگاه و ایران خواستار آزادی هر چه سریع‌تر محمد رضا سعادت و رفع اتهامات واهی از وی هستیم.

به مناسبت سالروز تسخیر انقلابی جاسوسخانه و روز دانش‌آموز.

امروز خروش یروطنین خلق

در هر گوشه میهنمان جاری بود:

نه سازش نه تسلیم، نبرد با امریکا

سه‌شنبه ۱۳ آبانماه گام‌های سنگین زنان و مردان میهنمان در راهپیمائی‌ها و تظاهرات پرشکوه خیابانی جلوه‌ای پرشور از مبارزات ضد امپریالیستی خلقمان را به نمایش گذارد. امروز در سالروز تسخیر انقلابی جاسوسخانه امریکا و نیز به مناسبت روز دانش‌آموز در تهران تظاهرات رات و راهپیمائی ضد امپریالیستی به سوی جاسوسخانه امریکا برگزار شد. این تظاهرات در شرایطی برگزار شد که مردم میهنمان پر کین و پر خروش در نبردی بی‌امان با رژیم تجاوزگر عراق بسر می‌برند. امسال میلیونها دانش‌آموز میهنمان در فریادهای مرگ بر کاتر مرگ بر صدام، با شوری وصف‌ناپذیر، خشم بیکران خود را نثار امپریالیسم غارتگر امریکا و رژیم تجاوزگر عراق کردند. از صبح امروز جمعیت بیشماری از مردم، صف‌های طولانی دانش -

آموزان، سپاه، بسیج و با چهره‌ای مصمم و رزم - جویانه از خیابان‌های مختلف شهر به سوی جاسوسخانه روانه بودند. این مراسم در ظهر امروز با قرائت قطعه‌های شش ماده‌ای پایان یافت. در این قطعه‌ها بر نقش دانش‌آموزان در مبارزات ضد امپریالیستی و جنگ کنونی با عراق، فراگیری آموزش نظامی، نقش دانش‌آموزان عراقی در افشای و مبارزه پیگیر با رژیم صدام و نیز پشتیبانی قاطع از سپاه بسیج، کمیته‌ها تأکید شده و مصرا خواهان مسلح شدن سپاه پاسداران به سلاح سنگین شده بود. پشتیبانی از اشغال سفارت و تداوم انقلاب، تعمیق یافتن مبارزات ضد امپریالیستی، تکمیل کابینه و تسریع کار شورای عالی دفاع از دیگر مواد قطعه‌ها بود.

توقیف مطبوعات ضد امپریالیست

را لویا محکوم می‌کنیم

در هفته‌های گذشته کار توقیف مطبوعات توسط دولت جمهوری اسلامی وارد مرحله جدیدی شد. ابتدا روزنامه "مردم" و پس از آن هفته‌نامه‌های "بازوی انقلاب" و "فریاد گودنشین" توسط دولت توقیف شدند و حتی دادستان تهران اعلام داشت که: "تا اطلاع ثانوی انتشار نشریات و اعلامیه‌های مربوط به سازمان مجاهدین خلق ایران ممنوع است." اینها همگی در زمانی اتفاق می‌افتد که لیبرال‌ها و روزنامه‌های آنان از قبیل میزان و کیهان این روزها تبلیغات وسیعی را برای تقویت خط "گام به گام" اتخاذ کرده و بیشترین توان خود را برای تطهیر چهره کشیف امپریالیسم امریکا به کار گرفته‌اند. با توجه به نقشی که آزادی مطبوعات در افشای لیبرال‌ها و خط سازش "گام به گام" می‌تواند داشته باشد. این اقدامات دولت جمهوری اسلامی در خدمت مدافعان سازش با امپریالیسم امریکا قرار می‌گیرد. ما همراه با همه مردم آگاه و مبارز ایران این اقدامات ضد دمکراتیک دولت جمهوری اسلامی را که مغایر مصالح و اهداف انقلاب ایران است، قویاً محکوم می‌کنیم.

از یادداشت‌های فدائیان خلق:
مجروحی فریاد می‌زد:
مرا به جبهه بفرستید، سنگری خالی است
در صفحه ۱۵

بمناسبت شهادت فدایی خلق رفیق احسان الله کوزه‌گر در فلسطین

سراسر جهان سنگر

انقلابیون کمونیست علیه امپریالیسم

در صفحه ۱۱

در حاشیه تلاش‌های عوام‌فریبانه امپریالیسم امریکا و رژیم‌های دست‌نشانده در منطقه

شطی و ضیاء الحق دلان امپریالیسم امریکا

می‌کوشند جنگ را به سود پیشرفت مبارزات ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی منطقه مهار کنند و به منظور گسترش پیوند خلقهای ایران و عراق علیه امپریالیسم و صهیونیسم تلاش می‌کنند، نمایندگان محافل ارتجاعی منطقه و مزدوران امپریالیسم امریکا نیز درصدد برآمدند دست به مانورهای عوام‌فریبانه‌ای برای استقرار صلح بزنند. اکنون ضیاء الحق و حبیب شطی به دستور اربابان خود و برای فریب خلقهای ایران و منطقه برای خنثی کردن تلاش صلح‌جویانه دوستان واقعی انقلاب مردم ما که

در کنار فعالیت دوستان واقعی انقلاب مردم ما که برای پایان دادن به جنگ تحمیلی رژیم جنایتکار صدام و به منظور گسترش پیوند خلقهای ایران و عراق علیه امپریالیسم و صهیونیسم تلاش می‌کنند، نمایندگان محافل ارتجاعی منطقه و مزدوران امپریالیسم امریکا نیز درصدد برآمدند دست به مانورهای عوام‌فریبانه‌ای برای استقرار صلح بزنند. اکنون ضیاء الحق و حبیب شطی به دستور اربابان خود و برای فریب خلقهای ایران و منطقه برای خنثی کردن تلاش صلح‌جویانه دوستان واقعی انقلاب مردم ما که

می‌کوشند جنگ را به سود پیشرفت مبارزات ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی منطقه مهار کنند و به منظور گسترش پیوند خلقهای ایران و عراق علیه امپریالیسم و صهیونیسم تلاش می‌کنند، نمایندگان محافل ارتجاعی منطقه و مزدوران امپریالیسم امریکا نیز درصدد برآمدند دست به مانورهای عوام‌فریبانه‌ای برای استقرار صلح بزنند. اکنون ضیاء الحق و حبیب شطی به دستور اربابان خود و برای فریب خلقهای ایران و منطقه برای خنثی کردن تلاش صلح‌جویانه دوستان واقعی انقلاب مردم ما که

بقیه در صفحه ۹

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



★ آغاز عصر نوین در تکامل جوامع بشری

مردم اتحاد شوروی و تمام بشریت مترقی برای بررگداشت تصدوسومین سالگست انقلاب کبیر اکبر آماده می شوند. انقلابی که مسر دوران نویی در تاریخ تکامل جوامع بشری، مبادی رهائی تمام انسانسویندگان از فید هر نوع استثمار و گذار از جوامع طبقاتی به جامعه کمونیستی، برافزاینده برجم مرحله نویی در جیسر جهانی کمونیستی و بالاخره الهام بخش میلیون ها بن ار مبارزان راه رهائی از استثمار بوده و جنان کنجینه عظیم و پرباری از خود برجای گذاشته اسب که مطالعه و بررسی تجربیات آن، راهنمای تمام کمونیست ها و انقلابیون جهان می باشد.

در ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ (۷ نوامبر - تفویم جدید) با غرش توپ های اکتبر طبقه کارگر قهرمان روسیه به وسیله یک قیام مسلحانه حکومت سرمایه داران و زمینداران را واژگون نمود و حکومت شوراه را ایجاد کرد. اولین پیام انقلاب که به وسیله لنین سازماندهنده و رهبر انقلاب اکتبر تنظیم شده بود در ساعت ۱۰ صبح این روز یخس گردید. این پیام که خطاب به اتباع روسیه نوشته شده بود، اعلام می کرد: حکومت موقت سرنگون گشت، ارگان شورای نمایندگان کارگران و سربازان، یعنی کمیته نظامی انقلابی که در راس یروولتاریا و یادگار سهرقزار دارد، حاکمیت دولتی را در دست گرفت. آرمایی که خلق در راد آن مبارزه می کرد، یعنی پیشنهادهای فوری صلح دمکراتیک القای مالکیت زمینداران بر اراضی، مطارد کارگری بر تولید، تاسیس حکومت شوروی حقیقی یافت.

زنده باد انقلاب کارگران، سربازان و دهقانان



★ طبقه کارگر نیروی رهبری کند

هر ماشین تازه و هر پیشرفت فنی، بی کار شدن عده بازهم بیشتری کارگر و بی ارزش شدن مهارت یک حرفه دستی و نتیجتاً تنزل مزد کارگران بیشتری را به همراه دارد. موفقیت‌های فنی و علمی در اتحاد شوروی تنها وقتی قابل فهم می‌شود که بدانیم طبقه کارگر در این کشور طبقه حاکم و نیروی رهبری کننده جامعه و حکومت را تشکیل می‌دهد. به همین دلیل است که هر پیشرفت علمی - فنی باعث سبک‌تر شدن کار و کوتاه‌تر شدن ساعات کار روزانه برای همه کارگران و همچنین تولید محصول بیشتر و بهتر برای همه است.

حزب کمونیست که حافظ و ضامن ساختمان سوسیالیسم و ادامه آن به سوی کمونیسم، یعنی هدف نهائی طبقه کارگر است و به ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی یعنی ایدئولوژی طبقه کارگر مجهز است طبق قانون اساسی این کشور رهبری دولت و جامعه را به عهده دارد.

طبقه کارگر از طریق حزب خود، حزب کمونیست جامعه را رهبری می‌کند. با مساعی همه‌جانبه حزب کمونیست، روز بروز کادربهای کارگری بیشتری برای اداره امور مملکتی تربیت می‌شوند.

در سال ۱۹۷۴، ۳۲/۸ درصد نمایندگان شورای عالی اتحاد شوروی (عالی‌ترین مرجع حکومتی) را کارگران تشکیل می‌دادند و این رقم در مورد شوراهای خلق به بیش از ۴۲ درصد رسیده است. (که در ۴۰ سال گذشته ۵ برابر گشته است) از ۹۰ نماینده که در کمیته‌های برنامه‌ریزی و بودجه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی شرکت می‌کنند، ۲۲ نفر کارگر هستند.

اتحادیه‌های کارگری نیز نقش عظیمی در حاکم بودن طبقه کارگر بر شرایط و زندگی خویش دارند. این اتحادیه‌ها بیش از ۱۲۰ میلیون عضو دارد و کار آنها بطور کلی نظارت و کنترل و تضمین اجرای قوانین سوسیالیستی در محدوده حرفه‌های معین است. این اتحادیه‌ها همچنین در تدوین قوانین کار و تصمیمات در مورد شرایط کار و مقررات بهداشتی کارخانجات و صنایع، برنامه‌های آموزشی برای کارگران و امر ورزش کارگری و ارتقاء سطح فرهنگ و هنر کارگران نیز نقش عمده‌ای به عهده دارند. برخلاف تبلیغات و دروغ‌پردازی‌های اهریالیستی، اتحادیه‌ها از توانائی زیادی برخوردارند. مدیران کارخانجات و موسسات حق اخراج کارگران را بدون قانع کردن اتحادیه‌های کارگری ندارند. هرگونه تغییر در سازمان کار و سهمیه تولیدی کارخانه بدون نظر آنها تعیین نمی‌شود. کمیته‌های اتحادیه‌ها هرساله قراردادهای دسته‌جمعی با مدیریت بنگاه‌ها منعقد می‌نمایند. این قراردادهای تعهدات متقابل دو طرف در زمینه تولید، شرایط کار و زندگی، دستمزدها و ارتقاء مهارت کارگران را پیش‌بینی می‌نمایند. هر مسئولی را - چه سرکارگر، چه مدیر - که مقررات کار را نقض کند و یا در رعایت شرایط قرارداد دسته‌جمعی کوتاهی نماید، می‌توان به درخواست کمیته اتحادیه توسط مدیریت از کار برکنار نمود. اتحادیه دارای بخش بازرسی فنی می‌باشد که



کارگران و نهضت استخائوف. استخائوف با علامت (x) مشخص شده است.



ثانیا - با اجباری کردن تحصیلات ۱۰ ساله متوسطه برای همه جوانان شوروی، چه روستائی و چه شهری - حل کرد.

در سال ۱۹۳۹، ۱۶ درصد جمعیت روستائی (از ۹ تا ۴۵ ساله) بی‌سواد بودند و تعداد روستائینی که آموزش متوسطه کامل یا ناقص دیده بودند، یک‌چهارم تعداد شهرنشینانی بود که این آموزش را دیده بودند. این رقم در سال ۱۹۵۹ به یک‌دوم رسید و بی‌سوادی نیز در روستاها به کلی ریشه‌کن شد. بد نیست بدانیم که در سال ۱۹۷۷ بیش از ۵۶ درصد کشاورزان اشتراکی‌ها آموزش متوسطه کامل یا ناقص و یا آموزش عالی داشتند.

ارتقاء سطح فرهنگی و علمی - فنی به کارگران امکان داده است که خلاقیت هرچه بیشتری در کار داشته باشند. در سال ۱۹۶۵ نزدیک به ۳ میلیون و در سال ۱۹۶۷ نزدیک به ۴/۵ میلیون کارگر مخترع و نوآور در اتحاد شوروی مشغول به کار بودند. امروزه این مخترعین و نوآوران بیش از ۵۰ درصد جامعه علمی - فنی کشور شوروی را تشکیل می‌دهند.

بد نیست بدانیم که ریاست آزمایشگاه تجربی کارخانه "ویبراتور" در لنینگراد به عهده یک جوشکار مخترع به نام واسیلوف است. او با کمک سایر همکارانش روش‌های هرچه مناسب‌تری را برای کار بناها و جوشکاران و الکتریسیته‌ها ابداع می‌کند. ویکتوروف قهرمان کار سوسیالیستی نیز که یک تیم جوشکار را رهبری می‌کند به همراه سایر همکارانش تاکنون بیش از ۱۰ نوع ابزار ماشینی و دستگاه‌های اتوماتیک را طراحی و در تولید وارد نموده است.

مسئله تصور مشارکت فعال طبقه کارگر در دستیابی به چنین موفقیت‌های علمی - فنی نمی‌تواند برای کسانی که در جامعه سرمایه‌داری زندگی می‌کنند و تصویری از سوسیالیسم ندارند، قابل درک باشد. چرا که در جامعه سرمایه‌داری

طبقه کارگر شوروی، این پرچمدار اولی - انقلاب سوسیالیستی در جهان، بعد از به دست گرفتن قدرت تاکنون دستخوش تکامل و تحول عظیمی گردیده است. کارگران اتحاد شوروی در جریان تبدیل روسیه عقب مانده به جامعه‌ای سوسیالیستی و سپس پیشروی به سمت کمونیسم، خود نیز از یک طبقه تحت ستم به طبقه حاکمه و مسلط بر سرنوشت خویش مبدل گردیده‌اند.

انقلاب علمی و فنی اثر کاملاً برجسته‌ای بر تکامل طبقه کارگر که موقعیتش با صنعت بزرگ پیوند ناگسستنی دارد، برجای گذارده است. کاربرد فزاینده ماشین‌های اتوماتیک و پیچیده به تدریج مشاغل کم مهارت و کارهای سنگین و غیرتخصصی را از میان برده و به جای آن حرفه‌هایی با مهارت عالی که فشار جسمی کمتر و کار فکری بیشتری را می‌طلبد به وجود آورده است. این تغییرات مستلزم آموزش هرچه بیشتر طبقه کارگر و فراگرفتن دانش نوین بوده است. در سال ۱۹۳۹ تنها ۸/۴ درصد کارگران آموزش عالی و دوره متوسطه ۸ یا ۱۰ ساله را گذرانده بودند، در حالی که این رقم در سال ۱۹۷۷ به ۷۳/۱ درصد ترقی کرد. این رقم در مورد کارگران صنعتی به ۷۴/۴ درصد و در مورد کارگران جوان به ۹۴ درصد می‌رسد.

راه رسیدن به چنین سطح بالائی از علم برای طبقه کارگر بدون غلبه بر مشکلات عظیمی نبوده است. مثلاً رشد سریع تعداد کارگرانی که عموماً نیز در اثر تبدیل روستائیان چون و بی‌سواد و کم‌سواد به کارگر انجام می‌شد، مرتباً سطح متوسط تحصیلات این طبقه را به پائین سوق می‌داد. حزب کمونیست و دولت شوروی این مشکل را،

اولاً - با تشویق کارگران مشغول کار به تحصیل از طریق کم کردن ساعات کاری که ضمن کار به تحصیل می‌پردازند و فراهم کردن امکان تحصیل شبانه و مکاتبه‌ای برای آنها و،

بقیه از صفحه ۱ ضمیمه

انقلاب کبیر

قیام مسلحانه که به وسیله کمیته نظامی و کمیته مرکزی حزب بلشویک و تحت رهبری مستقیم رفیق لنین در روز ۲۴ اکتبر آغاز گردید با حمله واحدهای گارد سرخ کارگران، ناپیان و سربازان هدفهای طرحریزی شده را اشغال نموده و کنترل کارخانهها را در دست گرفت. در روز ۲۶ اکتبر "قصر زمستانی" آخرین سنگر حکومت موقت ضدانقلابی با یورش انقلابی کارگران سقوط کرد و کنگره شوراهای سراسری کشور در شب همان روز طی پیامی برقراری قدرت کارگران و حکومت شوراهای سراسری کشور در شب همان روز طی پیامی برقراری قدرت کارگران و حکومت شوروی در کشور و سرنگونی کامل حاکمیت بورژوازی را اعلام نمود.

پیروزی انقلاب کبیر اکتبر آغاز دوران نوین - دوران پیروزی سوسیالیسم بر سرمایه داری را در تاریخ بشریت گشود و روسیه، میهن لنینیسم، انقلاب سوسیالیستی جهانی را راهگشا شد.

اینک ۶۳ سال از اکتبر می گذرد. طبقه کارگر و خلقهای شوروی تحت رهبری حزب کمونیست ظرف این دوران، با مشکلات و سختیهای فراوانی دست و پنجه نرم کرده و هر بار پیروزمندانه انقلاب را به مرحله نوینی ارتقاء داده است. دولت انقلابی شوراها و طبقه کارگر شوروی تحت رهبری لنین محاصره ۱۴ کشور امپریالیستی و حملات ضدانقلاب داخلی را ظرف چند سال درهم شکست و ساختمان صلح آمیز سوسیالیسم را در شرایطی که شوروی تنها کشور سوسیالیستی جهان بود، به پیش راند. حزب کمونیست تحت رهبری رفیق استالین تهاجم فاشیسم هیتلری را درهم شکست و توانست بر مشکلات و مصائب ناشی از جنگ فائق آید.

اینک ۶۳ سال پس از اکتبر کبیر، خلقهای شوروی با ساختمان جامعه سوسیالیستی پیشرفته داغ باطلی بر تمام تشبثات و نوطه‌های امپریالیست‌ها و سرمایه داران وارد کرده و دستاوردهای گرانبغالی برای تمام بشریت مترقی کسب کرده است. راه اکتبر به وسیله طبقه کارگر و خلقهای بسیاری از کشورها طی شده است و سوسیالیسم به یک سیستم جهانی تبدیل شده که میلیون‌ها انسان زحمتکش و آگاه برای تکامل آر تلاش می کنند و میلیون‌ها نفر دیگر برای بنانهادن آن در میهن خود مبارزه می کنند.

بقیه از صفحه ۴ ضمیمه

اقتصاد سوسیالیستی در

۲ برابر بارآوری کار در حوزه کشاورزی امریکاست و با اینکه در دوره حکومت شوروی میزان نیروی شاغل در حوزه کشاورزی به علت مکانیزاسیون و اشتراکی کردن تولید به یک چهارم کل جمعیت شاغل کاهش یافته است، میزان تولید کشاورزی ۴ برابر شده است.

نرخ رشد متوسط بخشهای مختلف تولیدی و بارآوری کار طی سالهای ۱۹۱۳ تا ۱۹۷۵ (درصد)

	شوروی	امریکا
درآمد ملی	۸/۱	۳/۲
تولید صنعتی	۹/۶	۳/۸
تولید کشاورزی	۳/۴	۱/۷
بارآوری کار	۶/۲	۲/۴
بارآوری کار در صنعت	۶/۲	۳/۲

مذهب در شوروی



ماده ۵۲ قانون اساسی شوروی اشعار می دارد که "برانگیختن دشمنی و نفرت به سبب معتقدات مذهبی ممنوع است". در شوروی مانند تمام کشورهای سوسیالیستی برای هر شهروند آزادی مذهب و انجام مراسم و فرایض مذهبی کاملاً تضمین می باشد.

در روسیه زمان تزار، تنها مذهبی که از برتری نسبت به مذاهب دیگر برخوردار بود، مذهب ارتدکس بود. پیروان سایر مذاهب از جمله مسلمانان از امتیازات کمتری نسبت به پیروان این مذهب برخوردار بودند. لیکن انقلاب کبیر اکتبر آزادی مذهب و مساوی بودن مذاهب را برای مردم شوروی به ارمغان آورد.

هم اکنون در شوروی قریب به ۲۰/۰۰۰ کلیسا و مسجد وجود دارد و کلیه مذاهب از امتیازات همانند و یکسانی برخوردارند. نوع مذهب در اسناد و مدارک ثبت نمی شود. انجام مراسم مذهبی و انتشار کتب مذهبی آزاد است. مثلاً هر ساله عدهای از مسلمانان شوروی برای زیارت و انجام فرایض دینی به مکه مسافرت می نمایند. امپریالیست‌ها با تبلیغات عوام فریبانه خود همواره اینطور وانمود می کنند که در کشورهای سوسیالیستی از جمله شوروی، آزادی مذهب وجود ندارد و انجام مراسم و پخش کتب مذهبی ممنوع می باشد. در حالی که واقعیات خلاف آنچه است که امپریالیست‌ها تبلیغ می نمایند. در شوروی نه تنها هر ساله مراسم مذهبی مذاهب گوناگون برگزار می شود، بلکه پیروان تمام مذاهب به رغم اختلافات مذهبی و عقیدتی در راه پیشرفت هر چه بیشتر سوسیالیسم و رسیدن به کمونیسم دست در دست یکدیگر تلاش می نمایند. در اصل ۵۲ قانون اساسی اتحاد شوروی آمده است که "برای شهروندان اتحاد شوروی آزادی وجدان یعنی حق پیروی کردن از هر مذهب و یا پیروی نکردن از هیچ مذهب و حق انجام مراسم و فرایض مذهبی تضمین است. برانگیختن دشمنی و نفرت به سبب معتقدات مذهبی ممنوع است و مذهب از دولت و مدرسه از مذهب جداست."

جامعه

اجرای دستورات آن برای مدیریت اجباریست. بدون تصویب بازرسی شروع کار یک بنگاه جدید صنعتی غیر ممکن است. بازرسی قبل از افتتاح بنگاه مراقبت به عمل می آورد تا وسایل آسایش لازم فراهم آمده و استانداردهای بهداشتی کاملاً رعایت شده باشد. در صورت عدم رعایت مقررات ایمنی، کمیته اتحادیه می تواند تقاضای بستن کارگاه و یا بنگاه را بنماید.

اختلافات بین مدیریت و افراد جداگانه کارگر و کارمند، توسط کمیسیون شکایات بررسی می شود. این کمیسیون از نمایندگان اتحادیه و مدیریت که به تعداد مساوی در آن شرکت دارند تشکیل یافته



قهرمان کار سوسیالیستی. زنان کارگر مشهوری که به نمایندگی شورای عالی اتحاد شوروی انتخاب گردیده اند.

است. اگر کمیسیون موفق به حل اختلاف نشود، آنگاه اخذ تصمیم به عهده کمیته اتحادیه است. رای کمیته قطعی است و فقط در صورت حکم دادگاه قابل فسخ می باشد.

اتحادیه‌های کارگری دارای شش موسسه بزرگ تحقیقات حفاظت کار هستند. ۶۶ هزار متخصص در بخشهای مهندسی - ایمنی بنگاهها به کار اشتغال دارند و علاوه بر آن بازرسی فنی اتحادیهها دارای ۶ هزار بازرس است که ۵۰ هزار نفر از فعالان کارگر آن را یاری می دهند.

اتحادیه‌های کارگری مسابقه سوسیالیستی کار را که براساس رقابت زرقانانه میان کلکتیوهای کار و یا میان افراد در یک بنگاه معین انجام می گیرد سازمان می دهند. آنها شرایط رقابت و میزان جوایز برندگان را تعیین کرده و نتایج مسابقات را که همه جنبه‌های فعالیت اشتراکی‌های کار را دربر می گیرد، به اطلاع عموم می رسانند.

بیمه اجتماعی نیز اگرچه توسط دولت از نظر بودجه و اعتبار لازم تامین می شود، ولی اداره آن توسط اتحادیه‌های کارگری انجام می گیرد. اتحادیه‌های کارگری دارای آسایشگاههای بهداشتی، استراحتگاهها، مراکز توریستی، اردوهای تفریحی، هتل‌های مخصوص ایام مرخصی، اردوگاههای تابستانی برای کودکان و امکانات ورزشی مخصوص به خود می باشند. در حال حاضر ۳۴ انجمن ورزشی با بیش از ۳۵ میلیون عضو که توسط اتحادیهها تشکیل شده، به فعالیت مشغولند.

در زمینه فعالیت‌های هنری و فرهنگی نیز خوب است بدانیم که ۲۲ هزار کلوپ و خانه فرهنگی و ۲۲ هزار کتابخانه با ۳۱۳ میلیون جلد کتاب و در حدود ۲۵ میلیون نفر مراجعه کننده در سال توسط اتحادیه‌های کارگری تشکیل گردیده و نزدیک به ۹ میلیون نفر در گروههای آماتور تحت سرپرستی اتحادیهها به فعالیت‌های هنری مشغولند.

